

فرا تر از بلوكها

ديدگاههاي جهاني در مورد چين
و روابط ايالات متحده و چين





پیشگفتار

موسسه مطالعات چین مرکاتور موسوم به مریکس گزارشی با عنوان **فراز بلوک‌ها، دیدگاه‌های جهانی در مورد چین و روابط ایالات متحده و چین** در آگوست ۲۰۲۲ منتشر نموده است که در گزارش مذکور، روابط چین با ۸ کشور بنگلادش، شیلی، اندونزی، قزاقستان، کنیا، نیجریه، عربستان سعودی و ترکیه مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. متن کامل پژوهش یادشده توسط همکاران موسسه پویندگان توسعه فناوری و نوآوری ایرانیان ترجمه و تدوین گردیده و در اختیار علاقمندان و مخاطبان محترم قرار می‌گیرد.

شایان ذکر است این موسسه صرفاً به ترجمه و ویرایش گزارش مذکور پرداخته و هیچگونه دخل و تصرفی در محتویات گزارش نداشته است.

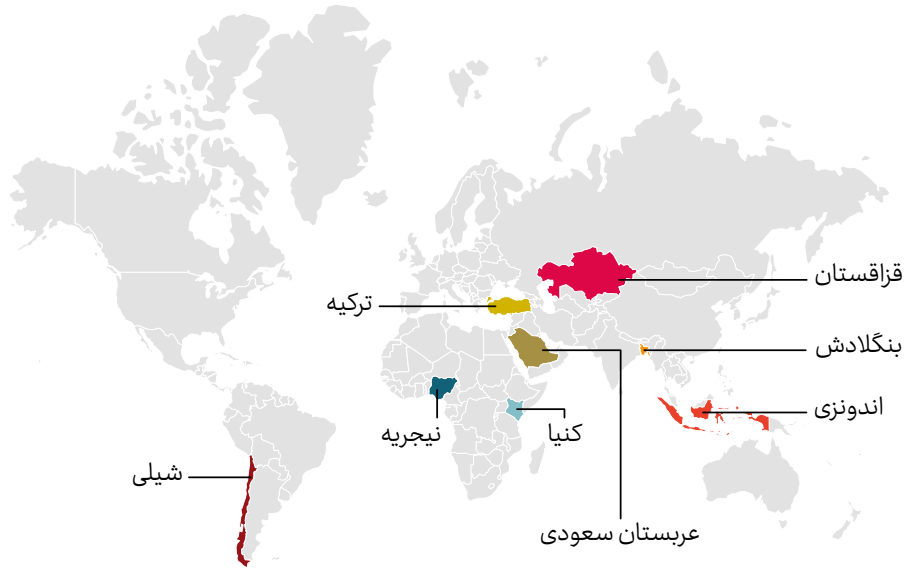
موسسه پویندگان توسعه فناوری و نوآوری ایرانیان



فرا تراز بلوکها

دیدگاه‌های جهانی در مورد چین
وروابط ایالات متحده و چین

فهرست



نکات کلیدی

۷

۹

مقدمه: مبارزه جهانی در پاسخ به یک جهان دو قطبی نوظهور

روابط چین و بنگلادش: بنگلادش در پی برقراری تعادل سه‌طرفه بین چین،



۲۵

هند و ایالات متحده است

وضعیت کنونی: روابط بین چین و بنگلادش در حال رشد است، به شکلی که قبلاً

۲۷

هرگز تجربه نکرده بودند

۳۰


ژئوپلیتیک: مبتنی بر عمل‌گرایی و ابهام

۳۳

برداشت‌ها: اقتصاد و بی‌طرفی چین از حمایت قوی برخوردار است

۳۵

چشم‌انداز: اختلافات آینده ممکن است بر سر تجارت، آب و پناهندگان باشد

۴۱ روابط پیشگام شیلی با چین در حال تبدیل شدن به وابستگی است 

وضعیت کنونی: شیلی برای صادرات مس «وابستگی» فزاینده‌ای به چین دارد و در عرصه امنیتی فاقد راهبرد همکاری با این کشور است.

۴۳

ژئوپلیتیک: رقابت آمریکا و چین تأثیر مستقیمی بر شیلی دارد


۴۸

برداشت‌ها: افکار عمومی شیلی در نقطه عطف خود قرار گرفته است

۴۹

چشم‌انداز: عمل‌گرایی مداوم، عدم توازن روبه‌رشد و نگرش‌های متغیر نسبت به چین

۵۲

۵۷ اندونزی با احتیاط آغوش خود را برای چین می‌گشاید 

وضعیت کنونی: جریان تجاری پایدار و همکاری امنیتی محدود

۵۹

ژئوپلیتیک: رقابت فزاینده آمریکا و چین باعث ایجاد سازوکارهای حفاظتی جدید می‌شود


۶۱

برداشت‌ها: آمیزه‌ای از احترام، شک و احتیاط

۶۳

چشم‌انداز: تأکید اندونزی بر جنوب جهانی فرصت‌های دیپلماتیک برای چین فراهم می‌کند

۶۵

قزاقستان از نظر سیاست مبنی بر برقراری تعادل سه‌جانبه بین قدرت‌های رقیب تحت فشار قرار می‌گیرد 

وضعیت کنونی: قزاقستان به دلیل اقتصاد متکی به نفت و گاز خود به روسیه، چین و غرب نیاز دارد

۷۱

ژئوپلیتیک: قزاقستان اصول سیاست خارجی خود مبنی بر «چندجانبه‌گرایی» را حفظ می‌کند


۷۴

برداشت‌ها: چین در میان نخبگان قزاقستان از محبوبیت بیشتری نسبت به عموم مردم آن برخوردار است

۷۶

چشم‌انداز: ایجاد تنوع اقتصادی بیش از پیش ضروری است

۷۹

۸۳ روابط چین و کنیا؛ مزایای اقتصادی در برابر خطرات منطقه‌ای قرار دارند 

وضعیت کنونی: روابط اقتصادی بستر همکاری‌های امنیتی بیشتر را فراهم می‌کند

۸۵

ژئوپلیتیک: کنیا به‌طور هم‌زمان با چین و غرب برای اهداف توسعه خود همکاری می‌کند

۹۰

برداشت‌ها: دیدگاه‌های متفاوتی در مورد حضور فزاینده چین در کنیا وجود دارد

۹۱

چشم‌انداز: روندهای ناپایدار نیاز به بازنگری دارند

۹۳

نیجریه چین را شریکی پایدار و بزرگ‌ترین وام‌دهنده خود قلمداد می‌کند



وضعیت کنونی: روابط اقتصادی هسته اصلی همکاری نیجریه و چین را تشکیل می‌دهند

۹۷

ژئوپلیتیک، چین و ایالات متحده: نیجریه به دنبال بهترین معاملات عمل‌گرایانه است

۱۰۰

برداشت‌ها: نیجریه با وجود تمام فرازونشیب‌ها چین را شریک خود می‌داند چشم‌انداز: چین محتاط به عنوان جایگزینی جذاب باقی می‌ماند

۱۰۴

ارتباط محدود چین و عربستان سعودی به رابطه مشارکتی راهبردی جامع ارتقا



یافته است

۱۰۹

وضعیت کنونی: همکاری چین و عربستان سعودی در زمینه بسیاری از مسائل سیاستی در حال گسترش است

۱۱۱

ژئوپلیتیک: عربستان سعودی به دنبال برقراری تعادل بین واشنگتن و پکن است

۱۱۶

برداشت‌ها: همسویی فزاینده با الگوی سیاسی چین چشم‌انداز: ریاض از واشنگتن ظاهراً غیرقابل اعتماد فاصله می‌گیرد

۱۲۰

روابط ترکیه و چین: آنکارا باید پیچیدگی روابط خود با چین را در بسیاری از



جنبه‌ها تعدیل کند

۱۲۳

وضعیت کنونی: ترکیه در تلاش برای انتفاع همزمان از مزایای اقتصادی چین و اتحاد امنیتی غرب است

۱۲۵

ژئوپلیتیک: ترکیه رویکرد میانه‌روی بین قدرت‌های بزرگ اتخاذ کرده است برداشت‌ها: ترکیه به طور کلی دیدگاه مثبتی نسبت به چین دارد، اگرچه در برخی

۱۲۸

موارد ملاحظات نیز دارد چشم‌انداز: با توجه به دخالت چین در مسائل منطقه‌ای، ترکیه نیاز به ایجاد تعادل

۱۳۰

مجدد دارد

۱۳۱

۱۳۴

منبع

نکات کلیدی



- **جاه طلبی‌ها و رفتار بین‌المللی چین چالش‌های فزاینده‌ای برای منافع و امنیت اروپا در بر دارد و شک و تردید فزاینده‌ای را در کشورهای اروپایی برانگیخته است.** در حال حاضر، رقابت نظام‌مند برای بسیاری از پایتخت‌های اتحادیه اروپا به چهارچوب غالبی تبدیل شده است که تصمیم‌گیرندگان از آن دریچه به روابط با چین نگاه می‌کنند.
- **این دیدگاه حتی در اتحادیه اروپا کاملاً مشترک نیست و قطعاً در همه جای جهان نیز فراگیر نیست.** در مقایسه، در کشورهای عضو سازمان ملل نگرش‌های متعدد و متفاوتی نسبت به ظهور چین به چشم می‌خورد و بسیاری از آن‌ها نسبت به ایالات متحده و غرب دیدگاه انتقادی‌تری دارند تا چین.
- **پکن به دنبال سوءاستفاده از این تردید برای تعمیق روابط خود با جنوب جهانی است.** پکن به این واقعیت واقف است که جاه‌طلبی آن برای بازگشت به جایگاه قدرت جهانی تا سال ۲۰۴۹ به نحوه واکنش این کشورها نسبت به رقابت آمریکا و چین بستگی دارد.
- **تعداد کمی از کشورها تمایل به سوگیری در این رقابت دارند، اما ممکن است زمانی برای انجام این کار تحت فشار قرار بگیرند.** بنابراین، پایتخت‌های اروپایی لازم است با دیدگاه‌های سایر نقاط جهان نسبت به قدرت گرفتن چین و رقابت پکن با واشنگتن آشنا شوند.
- **در مجموعه مقالات حاضر دیدگاه مردم بنگلادش، شیلی، اندونزی، قزاقستان، کنیا، نیجریه، عربستان سعودی و ترکیه نسبت به چین شرح داده شده است.** مردم همه این کشورها اظهار داشته‌اند که روابط کشورهایشان با چین طی دهه گذشته گسترش یافته است.

۱. Global South: جنوب جهانی اصطلاحی است به‌کار رفته در مطالعات فراملیتی و پسااستعماری برای اشاره به آنچه که ممکن است «جهان سوم» نامیده شود.

■ پژوهشگران در زمینه رقابت ایالات متحده و چین به این نکته اشاره کرده‌اند که تمایل عمومی به این شکل است که ایالات متحده را به عنوان شریک امنیتی و چین را به عنوان شریک اقتصادی خود در نظر بگیرند. همه کشورهای مورد بررسی در این گزارش با سوگیری مخالف بوده و دولت‌های این کشورها امیدوارند تا همچنان به جستجوی فرصت‌های ناشی از رقابت آمریکا و چین بپردازند.

■ تعامل اقتصادی چین (از طریق تجارت، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تأمین مالی زیرساخت‌ها و تسهیل پروژه‌ها) با هر یک از هشت کشور مورد بررسی گسترش یافته است، اما این روند به شدت نامتوازن است. صادرات، سرمایه‌گذاری و تأمین مالی چین افزایش یافته است، در حالی که تقریباً در همه این موارد ذکر شده کشورهای چین با چین در رابطه هستند نتوانسته‌اند پا به پای چین پیش بروند.

■ بیشتر کشورهای مورد بررسی روابط امنیتی محدودی با چین دارند، اما همکاری‌های نظامی و واردات تسلیحات آن‌ها از چین روبه‌گسترش است. در راستای کاهش وابستگی خود به ایالات متحده به عنوان تامین‌کننده امنیتی، برخی از کشورها از چین به عنوان شریک امنیتی خود استقبال می‌کنند.

■ چین در تلاش است تا شبکه دوستان و شرکای خود را با استفاده از موقعیت خود در چندین منطقه به عنوان شریک اقتصادی مهم و جایگزین ژئوپلیتیکی ایالات متحده و اروپا گسترش دهد.

■ دولت‌های اروپایی و اتحادیه اروپا نباید از این تحولات غافل شوند. دوقطبی روبه‌رشد جهانی قطعاً تأثیرات اساسی بر منافع و امنیت اروپا در بسیاری از کشورها و مناطقی خواهد داشت که اغلب اهمیت راهبردی فراوانی برای اتحادیه اروپا دارند.



مقدمه:

**مبارزه جهانی در پاسخ به
یک جهان دو قطبی نوظهور**

«این مسئله مربوط به یک کشور یا کشور دیگر به تنهایی نیست؛ مسئله واقعاً بهترین معامله‌ای است که می‌توانیم انجام دهیم».

جفری اونیاما، وزیر امور خارجه نیجریه، ۱۹ نوامبر ۲۰۲۱

حتی قبل از همه‌گیری کرونا و آغاز مناقشه روسیه و اوکراین، اروپا در صدد تعیین بهترین رویکرد برای پویایی بین‌المللی در حال تغییر جهان پسا تک‌قطبی برآمده بود. همزمان با گسترش ساختار اساسی نظام جهانی مبتنی بر قوانین - بین ایالات متحده و شرکای آن، چین و تعداد فزاینده‌ای از دوستان آن و هرکس دیگری که در میانه قرار دارد - این حس که یک جهان دو قطبی به تدریج در حال ظهور مجدد است از زمان جنگ سرد تاکنون بیش از پیش پررنگ‌تر شده است. این امر با مناقشه روسیه و اوکراین و تنها چند هفته پس از این که چین و روسیه بر شراکت «بی‌حدومرز» خود تأکید کردند و متعهد به تحکیم بلوک خود شدند نیز شدت گرفت. رهبران اروپایی اکنون با واقعیت‌های تلخی روبرو هستند، زیرا نظم بین‌المللی مبتنی بر قوانین که به آن در برابر خطرات استناد می‌کنند با این پویایی جدید تضعیف می‌شود. با این حال، نه فقط متحدان نزدیک پکن یا واشنگتن بلکه کشورهای سرتاسر جهان در تلاش هستند تا نسبت به پویایی جهانی در حال تغییر و قدرت گرفتن چین واکنش نشان دهند. پکن آنچه را که در خطر است به وضوح می‌بیند: موفقیت یا شکست چین در تحقق هدف مبنی بر بازیابی جایگاه قدرت جهانی خود تا سال ۲۰۴۹ و ایفای نقش محوری در اصلاح نظم بین‌المللی کنونی به نحوه واکنش کشورهای دیگر فراتر از اروپای غربی نسبت به ردپای راهبردی روبه‌رشد چین و رقابت آن با آمریکا بستگی دارد.

برای رهبران اروپایی مهم است که بدانند بازیگران خارج از گروه‌بندی معمول اقتصادهای بازاری ثروتمند و لیبرال چگونه به این زیست‌بوم در حال تغییر نگاه می‌کنند و در دنیای پیچیده بازیگرانی که همگی قدرت نفوذ دارند، چه نگرشی نسبت به اروپا

دارند. در گزارش حاضر، هشت پژوهشگر مأمور شدند دیدگاه کشورهای خود در مورد رقابت چین و آمریکا را توصیف کنند. تجزیه و تحلیل آن‌ها شامل کشورهای بنگلادش، شیلی، اندونزی، قزاقستان، کنیا، نیجریه، عربستان سعودی و ترکیه می‌شود. این هشت کشور به دلیل تنوع جغرافیایی و فرهنگی، سطوح مختلف توسعه، انواع مختلف دولت و درجات مختلف نزدیکی به چین انتخاب شده‌اند.

بنا به اذعان پژوهشگران، این کشورها «نمی‌خواهند بین پکن و واشنگتن یکی را «انتخاب» کنند». در عوض، دولت‌ها امیدوارند مسیر میانه‌روی را برگزینند و ببینند چه فرصت‌هایی ممکن است در نتیجه رقابت ایالات متحده و چین بر سر کشورهای ثالث به وجود بیاید. با این حال، ممکن است این کشورها تحت فشار قرار گیرند تا بین این دو کشور یکی را «انتخاب کنند». بنابراین نیاز مبرمی وجود دارد که به علایق و دیدگاه آن‌ها در زمان حال-نه بعد از وقوع این اتفاق-پی ببریم.

با این حال، احتمال بیشتری وجود دارد که این هشت کشور (و کشورهای دیگری که اغلب توسط رهبران اروپایی نادیده گرفته می‌شوند) در مسائل کوچک‌تر و خاص‌تر تحت نظام بین‌المللی مبتنی بر قوانین، یک طرف را انتخاب کنند. بررسی اجمالی واکنش این کشورها نسبت به مناقشه روسیه و اوکراین بر این واقعیت دلالت دارد. هنگامی که مجمع عمومی سازمان ملل متحد (UNGA)^۱ در اوایل مارس ۲۰۲۲ در مورد قطعنامه مبنی بر محکومیت تهاجم روسیه به اوکراین رأی‌گیری کرد، ۱۴۱ کشور رأی مثبت، ۳۵ کشور رأی ممتنع و ۵ کشور نیز رأی مخالف دادند. موضع هشت کشوری که در این گزارش (قبل از آغاز مناقشه روسیه و اوکراین) انتخاب شده بودند، به شرح زیر است:

1. UN General Assembly

● بنگلادش و قزاقستان که روابط نزدیکی با روسیه یا اتحاد جماهیر شوروی در گذشته داشتند، رأی ممتنع دادند.

● شیلی و ترکیه که پیمان دفاعی متقابل با ایالات متحده دارند و عربستان سعودی که از لحاظ امنیتی به شدت به ایالات متحده متکی است، رأی مثبت دادند.

● سه کشور دیگر شامل اندونزی، کنیا و نیجریه که با ایالات متحده روابط تجاری بیشتری نسبت به روسیه دارند نیز در حمایت از این قطعنامه رأی مثبت دادند.

از منظر اروپایی‌ها، بررسی این‌که چگونه هشت کشور موردنظر و سایر کشورهای همسایه آن‌ها ممکن است از قدرت نفوذ و موقعیت خود در نهادهای چندجانبه و یا در موارد حاد در داخل بلوک‌های نوظهور استفاده کنند، بسیار حائز اهمیت است. اگر از اعضای مجمع عمومی سازمان ملل متحد خواسته شود برای محکوم کردن اقدامات چین رأی دهند، با توجه به این مسئله که

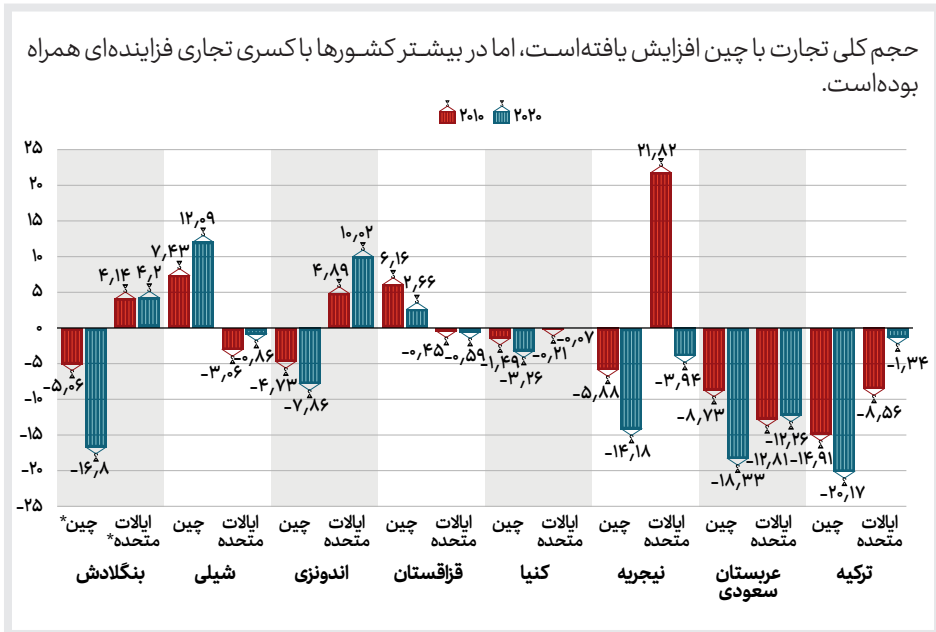
■ آیا کشورهایی که تهاجم روسیه به اوکراین را محکوم کردند، در صورت تهاجم چین به اوکراین نیز همین کار را می‌کردند؟

چین در مقایسه با روسیه مدرن روابط اقتصادی بسیار گسترده‌تری با بیشتر کشورهای جهان دارد و نقش آن به عنوان تامین‌کننده امنیت برای گروهی از کشورها در حال گسترش است، احتمالاً نتایج بسیار متفاوتی رقم می‌خورد. علاوه بر این موارد، پکن بارها نسبت به استفاده از اجبار اقتصادی در مواجهه با حتی موارد دیپلماتیک جزئی اظهار تمایل کرده است. براساس این تحولات دو سؤال مهم مطرح می‌شود: آیا ۱۴۱ کشوری که تهاجم روسیه به اوکراین را محکوم کردند، در صورتی که چین هم متجاوز بود، همین کار را می‌کردند؟ اروپا در راستای افزایش ارزش خود در این کشورها و تغییر محاسبات به نفع نظام مبتنی بر قوانین چه اقداماتی باید انجام دهد؟

روندهای کلیدی: نگرش دموکراسی‌های لیبرال غربی نسبت به چین در سایر کشورهای جهان مرسوم نیست

نگرش هشت کشور مورد مطالعه نسبت به چین به طور ملموسی متفاوت از نگرش دموکراسی‌های لیبرال توسعه یافته است. همین امر در مورد نگرش آن‌ها نسبت به تنش‌های آمریکا و چین نیز صادق است. به طور کلی، روندهای مشترک متعددی بین این هشت کشور وجود دارد، اگرچه تفاوت‌های کلیدی نیز میان آن‌ها به چشم می‌خورد. در مجموع، روابط اقتصادی با چین از سال ۲۰۱۲ تقریباً در هر هشت کشور مورد بررسی گسترش یافته است. تجارت با چین در دهه گذشته برای اکثر کشورها رشد قابل توجهی داشته است. حجم کلی تجارت با چین در اکثر کشورها چندین برابر افزایش یافته است، اما این روند کسری تجاری قابل توجهی را با چین در همه کشورها به جز دو کشور شیلی و عربستان سعودی به همراه داشته است. چندین کشور شاهد افزایش بسیار شدید واردات بوده‌اند، در حالی که صادرات آن‌ها ثابت باقی مانده است. با این حال با نگاهی به حجم کل تجارت چین با همه شرکا می‌توان گفت که اکنون این کشور سهم بسیار بیشتری از واردات و صادرات را به خود اختصاص داده است. چین در اکثر این کشورها به بزرگ‌ترین شریک تجاری تبدیل شده است و یا این‌که در میان بزرگ‌ترین شرکای تجاری آن‌ها قرار گرفته است. به طور کلی، روابط تجاری نزدیک‌تر، تجارت روبه‌رشد و سرمایه‌گذاری داخلی چین در این کشورها مثبت تلقی می‌شود و فقط برخی موارد استثنایی به شرح زیر مطرح است:

- شرکت‌های نیجریه‌ای نگران این مسئله هستند که واردات چینی قیمت‌ها را کاهش داده و تولیدکنندگان کوچک را به خطر می‌اندازد.
- شرکت‌های بزرگ شیلیایی روابط با چین را فرصتی خوب برمی‌شمارند، اما شرکت‌های کوچک‌تر به‌ویژه تولیدکنندگان کفش برای رقابت با چین تلاش می‌کنند.



نمودار ۱: تراز تجاری با چین و ایالات متحده (میلیارد دلار)

* داده‌های مربوط به بنگلادش در پایگاه داده‌های تجارت بین‌المللی سازمان ملل متحد (UN Comtrade) یافت نشد. داده‌های مربوط به چین برگرفته از پایگاه داده the World Integrated Trade Solution و statistics و پایگاه داده سازمان تجارت جهانی هستند. داده‌های مربوط به ایالات متحده برگرفته از آمار ارائه شده توسط اداره گمرک ایالات متحده هستند.

منبع: UN Comtrade

کمک‌های مالی و فنی گسترده چین در پروژه‌های زیرساختی

در هر هشت کشور متداول بوده و مورد استقبال زیادی قرار دارد. همه کشورهای مورد مطالعه طرح یک کمربند-یک راه (BRI) را امضا کرده‌اند: همه آن‌ها دارای راه‌آهن، بندر، فرودگاه و سایر پروژه‌های در دست ساخت توسط قهرمانان چین و با تأمین مالی بانک‌های چین هستند. به جز چند مورد استثنا یعنی کنیا و قزاقستان، پژوهشگران نگرانی‌های

■ همه کشورهای مورد مطالعه نسبت به امضای طرح یک کمربند-یک راه مبادرت ورزیده‌اند.

محدودی در مورد پایداری بدهی با چین گزارش کرده‌اند و ترکیه به‌عنوان تنها کشوری که از «دیپلماسی تله بدهی» استفاده کرده‌است نیز نگران گرفتار شدن همسایگان خود-نه خودش- بوده‌است. علاوه بر سرمایه‌گذاری و تأمین مالی زیرساختی، سرمایه‌گذاری در هر هشت کشور رشد قابل توجهی یافته‌است. شرکت‌های چینی فعالیت‌های خود را اغلب با سرعت سرسام‌آور پیش برده‌اند که این روند در سطح جهان مورد استقبال قرار گرفته‌است. با این حال، برخی از پروژه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی خاص که با حمایت چین انجام می‌شوند، نگران‌کننده تلقی شده‌اند.

- در کنیا، شرکت‌های چینی نیروهای امنیتی خود را وارد کرده و آموزش‌های ویژه‌ای به نیروهای کنیایی ارائه دادند تا از پروژه راه‌آهن با عرض استاندارد بین نایروبی و شهر بندری مومباسا محافظت کنند. با این‌که همکاری بدون مشکل پیش می‌رفت، اما مردم کنیا نگران بودند که این امر نقش دولت کنیا را به‌عنوان تنها تأمین‌کننده امنیت در حوزه قضایی خود تضعیف کند.

- شایعات پیرامون انتقال احتمالی ۵۵ کارخانه چینی به قزاقستان در سال ۲۰۱۹، اعتراضات ضدچینی گسترده‌ای در پی داشت. مردم در مورد عدم شفافیت، ترس از آلودگی، افزایش سطح بدهی و بدرفتاری چین با اویغورها و قزاق‌ها در شین‌جیانگ تظاهرات کردند. در بخش امنیتی، روابط امنیتی چین با اکثر این هشت کشور همچنان محدود بوده که البته در حال گسترش است. بیشتر این کشورها روابط دفاعی و امنیتی نزدیکی با ایالات متحده دارند و علاقه‌مند به حفظ رابطه خود با آن هستند. واشنگتن به‌عنوان یک ضامن امنیتی قابل اعتمادتر و برای برخی از کشورها به‌عنوان تأمین‌کننده تسلیحات قلمداد می‌شود. با این حال، این امر در مورد همه کشورهای مورد مطالعه صادق

نیست. به عنوان مثال، چین به عنوان تامین کننده اصلی تسلیحات بنگلادش قلمداد می‌شود. علاوه بر آن، خروج ایالات متحده از تعهدات بین‌المللی تحت دولت ترامپ باعث شده است تا کشورهای دیگر در مورد وابستگی خود به واشنگتن تجدیدنظر کنند و به دنبال تقویت همکاری امنیتی خود با پکن باشند.

- چین به منبع اصلی تجهیزات نظامی بنگلادش تبدیل شده است و بنگلادش را به دومین مقصد بزرگ صادرات تسلیحات خود تبدیل کرده است.
- عربستان سعودی نسبت به تمایل آمریکا برای جدا شدن از مناقشات خاورمیانه ابراز نگرانی کرده است و به همکاری با پکن گرایش پیدا کرده است. بنا به گزارش‌ها، چین در حال حاضر به ریاض در زمینه ساخت موشک‌های بالستیک کمک می‌کند. تحولات منطقه‌ای در شکل دادن به نحوه نگرش کشورها نسبت به چین و فرصت‌ها و چالش‌های ناشی از نفوذ فزاینده آن نقش کلیدی دارند. اهمیت سایر بازیگران منطقه‌ای و تنش‌های با کشورهای همسایه را نمی‌توان در ارزیابی موضع کشورها در میان رقابت فزاینده بین چین و آمریکا نادیده گرفت.
- برای ترکیه، رابطه با روسیه حائز اهمیت است. ترکیه که یکی از اعضای ناتو است، تعهدات امنیتی محکمی در قبال این ائتلاف دارد که آن را با ایالات متحده و اروپا همسو می‌کند. با این حال، روابط نزدیک آنکارا با مسکو و روابط اقتصادی روبه‌رشد آن با پکن، ترکیه را به سمت دیگری رهنمون می‌سازد.
- نگرانی ژئوپلیتیکی اصلی عربستان سعودی مربوط به نقش ایران در منطقه است که بر مواضع آن نسبت به چین و ایالات متحده تأثیر می‌گذارد. در این گزارش نشان داده شد که کشورهایی که در نزدیکی چین قرار دارند نیز نگرانی‌هایی دارند که برای کشورهایی با فاصله جغرافیایی دورتر از چین چالش برانگیز نیستند.

- اندونزی همواره با چین به خاطر ادعاهای ضدونقیض آن در مورد دریای چین جنوبی اختلاف دارد.

- مدیریت آب فرامرزی و مسائل مالکیت زمین نقش مهمی در روابط چین و قزاقستان دارند.

با بررسی برداشت‌های عمومی از چین در همه کشورهای نامبرده، شباهت‌هایی نیز میان آن‌ها یافت شد. با توجه به موضع پکن مبنی بر عدم مداخله در سیاست داخلی و همچنین با توجه به این‌که موضع چین اغلب در تضاد مستقیم با موضع ایالات متحده و اروپا است که برای کمک و سرمایه‌گذاری در دیگر کشورها شروط خاصی را اعمال می‌کنند، برداشت کلی نخبگان از چین بهبود یافته است. نخبگان سیاسی، نظامی و تجاری تمایل دارند چین را با دیدگاهی مثبت ببینند و توجه خود را به فرصت‌های موجود در بازار بزرگ چین و همچنین موقعیت پکن به عنوان جایگزین احتمالی ایالات متحده برای کشورهای کوچک‌تر معطوف کنند. این امر حتی در میان کشورهای دارای اکثریت مسلمان که در این مطالعه شرکت داشتند نیز صادق است. به نظر می‌رسد که سرکوب چین در شین جیانگ در شکل دهی برداشت‌ها یا سیاست‌های اکثر کشورها، اما نه همه آن‌ها، نقش کم‌رنگی داشته باشد و یا این‌که اصلاً نقشی نداشته باشد. به طور کلی، عموم مردم در اکثر کشورها دیدگاه مثبتی نسبت به چین داشته‌اند، اگرچه به نظر می‌رسد همه‌گیری جهانی کووید-۱۹ افکار عمومی را در بسیاری از کشورها نسبت به چین بدتر کرده است. با این‌که قدرت نرم چین در اکثر کشورها رشد کرده است، اما در برخی کشورهای خاص چنین نیست.

- بنگلادش در سال‌های اخیر شاهد رشد دیدگاه‌های مثبت نسبت به چین بوده است، اگرچه ایالات متحده نیز به دلیل عواملی مانند اهدای واکسن و اعطای مجوز اقامت به جمعیت قابل توجهی از بنگلادشی‌ها که در پی تحقق رؤیاهایشان

هستند و پرداخت‌های حواله‌ای را به بنگلادش ارسال می‌کنند، به کشوری بسیار محبوب در میان بنگلادشی‌ها تبدیل شده‌است.

● اگرچه پنج کشور از هشت کشور مورد مطالعه دارای اکثریت مسلمان هستند و تقریباً نیمی از مردم نیجریه مسلمان هستند، اما فقط در دو کشور مسائل مربوط به رفتار با اقلیت‌های قومی و مذهبی در منطقه خودمختار اویغور شین جیانگ (XUAR)¹ تأثیر معناداری در سطح سیاسی داشته‌است.

● ترکیه میزبان جمعیت زیادی از اویغورها است و علاقه برخی از ترک‌ها به برادران اویغور خود (اویغورها قومی ترک هستند) باعث شده‌است تا احزاب مختلف تحت فشار قرار بگیرند و این موضوع را مطرح کنند.

● در همین حال، قزاقستان با منطقه خودمختار اویغور شین جیانگ مرز مشترک دارد و هم قزاق‌ها و هم اویغورهای بومی آن در مورد بدرفتاری پکن با اویغورها و قزاق‌ها صحبت کرده‌اند.

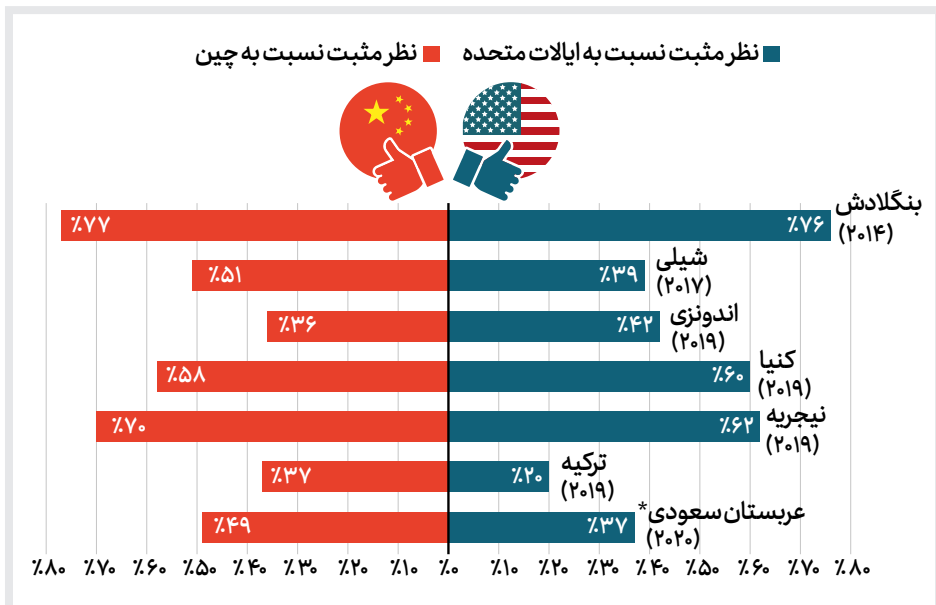
به‌طور کلی، اکثر کشورها امیدوار هستند که روابط نزدیک‌تر با چین فرصت‌های بیشتری برای بهبود وضعیت اقتصادی و تقویت موقعیت ژئوپلیتیکی آن‌ها به ارمغان بیاورد. البته کشورهای بنگلادش، کنیا و نیجریه که کمترین سرانه تولید ناخالص داخلی (برابری قدرت خرید) را دارند، احتمال بیشتری وجود دارد که نگران تداوم کسری تجاری خود با چین باشند. این مسئله در تضاد با نگرش کشورهای ثروتمندتر است. به‌عنوان مثال، شیلی تنها کشوری است که به دلیل کالاهای صادراتی خود شاهد مازاد تجاری روبه‌رشد با چین است. عربستان سعودی نیز کشور دیگری است که به دنبال سرمایه‌گذاری بخشی از صندوق ثروت دولتی خود در چین است و در نظر دارد بخشی از نفت صادراتی خود را برحسب یوان چین قیمت‌گذاری کند.

1. Xinjiang Uyghur Autonomous Region

مقدمه: مبارزه جهانی در پاسخ به یک جهان دوقطبی نوظهور

تقریباً همه کشورهای نامبرده رویکردی آگاهانه و عمل‌گرایانه در قبال تنش‌های آمریکا و چین اتخاذ کرده‌اند. این کشورها با اولویت‌بخشی به منافع ملی خود سعی می‌کنند از هرگونه سوگیری اجتناب کنند و ترجیح می‌دهند از مزایای ناشی از روابط مناقشه‌آمیز واشنگتن و پکن در جهت رسیدن به معاملات و شرایط سودمند مدنظر خود بهره ببرند و تا زمانی که امکان چنین کاری وجود دارد، احتمالاً سعی خواهند کرد همین رویکرد را در پیش بگیرند.

تقریباً همه کشورهای رویکردی عمل‌گرایانه نسبت به تنش‌های آمریکا و چین در پیش گرفته‌اند.



نمودار ۲: عدم تمایل برای سوگیری: دیدگاه کشورهای مختلف نسبت به ایالات متحده و چین کاملاً متوازن است

نکته: اطلاعاتی درباره قزاقستان یافت نشد.

* داده‌های مربوط به عربستان سعودی در مرکز تحقیقات پیو یافت نشد، اما داده‌های نظرسنجی قیاسی درباره این کشور در Fikra Forum یافت شد.

منبع: Pew Research Center

چشم‌انداز و پیامدها برای اروپا: در مسیر بازگشت به سیاست‌های بلوک‌محور

اجتناب از سوگیری تاکنون به بسیاری از کشورهای در حال توسعه کمک کرده‌است، اما این راهبرد ممکن است در بلندمدت ناپایدار باشد. تنش‌های فزاینده ژئوپلیتیک که مناقشه روسیه و اوکراین نیز آن را تشدید کرده‌است باعث تغییر نگرش برای کشورهای کوچک‌تر در سراسر جهان شده‌است. با بدتر شدن تدریجی روابط ایالات متحده و چین و تشدید تفکر دوقطبی، بسیاری از کشورهای مورد مطالعه حفظ تعادل در رابطه خود با ایالات متحده و چین را دشوار می‌دانند. دلایل این امر در فصل‌های مربوط به هر کشور ذکر شده‌است.

اروپا نباید از این تحولات غافل شود. اگرچه گزارش حاضر بر واکنش کشورها نسبت به رقابت بین آمریکا و چین متمرکز است، اما تحولات جهانی به دلیل مناقشه روسیه و اوکراین در حال تغییر است. پکن به‌طور فزاینده‌ای نگران ائتلاف در حال تشکیل ناتو به رهبری ایالات متحده و شرکای آسیای شرقی آن برای مهار ظهور چین است. در پاسخ به این اقدام، پکن تلاش‌های خود را برای گسترش شبکه دوستان و شرکای خود به امید ایجاد یک بلوک رقیب (احتمالاً ضعیف‌تر) از کشورها افزایش می‌دهد. چین سعی خواهد کرد از موقعیت خود در مناطق مختلف به‌عنوان یک شریک اقتصادی مهم و همچنین به‌عنوان جایگزین ژئوپلیتیکی ایالات متحده و اروپا- یا حداقل عامل تعادل بخش- استفاده کند.

این امر بدون تردید بر منافع و امنیت اروپا در کشورها و مناطق مختلفی که بسیاری از آن‌ها برای اتحادیه اروپا دارای اهمیت راهبردی هستند، تأثیر قابل توجهی برجای خواهد گذاشت. گسترش نفوذ چین در این کشورها- اغلب به قیمت از دست دادن بازیگران آمریکایی و اروپایی- می‌تواند بر قوانین و هنجارهای زیربنای نظم جهانی فعلی تأثیر بگذارد.

در واقع، پکن امیدوار است از «حلقه دوستان» روبه رشد خود برای تغییر این قوانین و هنجارها استفاده کند. علاوه بر آن، موقعیت چین به عنوان شریک تجاری برتر و منبع سرمایه‌گذاری و تأمین مالی برای بسیاری از کشورها به کاهش فرصت‌های موجود برای کسب و کارهای اروپایی و همچنین افزایش نفوذ پکن بر صاحبان قدرت و ذینفعان محلی منجر می‌شود. در نهایت، روابط امنیتی نزدیک‌تر بین چین و بسیاری از کشورهای در حال توسعه می‌تواند به طرق مختلف - اعم از اجازه دادن به پکن برای حمایت از رژیم‌های استبدادی و یا کمک به گسترش حوزه نفوذ چین - منافع و امنیت اروپا را تهدید کند.

■ **دموکراسی‌های
بازاری لیبرال دیگر
تنها بازیگران
اثرگذار نیستند.**

همزمان با ظهور چین در صحنه جهانی، دموکراسی‌های بازاری لیبرال دیگر تنها بازیگران اثرگذار برای کشورهایی که به دنبال حمایت از امنیت، زیرساخت‌ها و توسعه هستند، محسوب نمی‌شوند. بنابراین ضروری است که اروپا اقدامات متعددی انجام دهد تا هم از نظر مادی و هم از نظر نحوه گسترش نقش خود در بیشتر نقاط جهان بتواند به یک شریک جذاب‌تر تبدیل شود.

اروپا از فرصت‌های زیادی جهت تقویت نقش خود به عنوان یک شریک اقتصادی و امنیتی برخوردار است. گزینه‌های موجود در جهت تقویت نقش اروپا شامل برنامه‌های آموزشی و تلاش‌های دیپلماسی دفاعی یا تسهیل و توسعه سرمایه‌گذاری و تأمین مالی توسعه‌ای هستند (پیشبرد طرح دروازه جهانی اتحادیه اروپا¹ به تحقق این هدف کمک شایانی خواهد کرد). علاوه بر این، اروپا می‌تواند در ارتباط با توسعه نوع شراکت کنونی خود به ویژه در زمینه اقتصادی اقدامات بهتری انجام دهد، چراکه اتحادیه اروپا به طور کلی یک شریک سرمایه‌گذاری بزرگ و قدیمی است. اتحادیه اروپا همچنین تمایل دارد

1. EU's Global Gateway

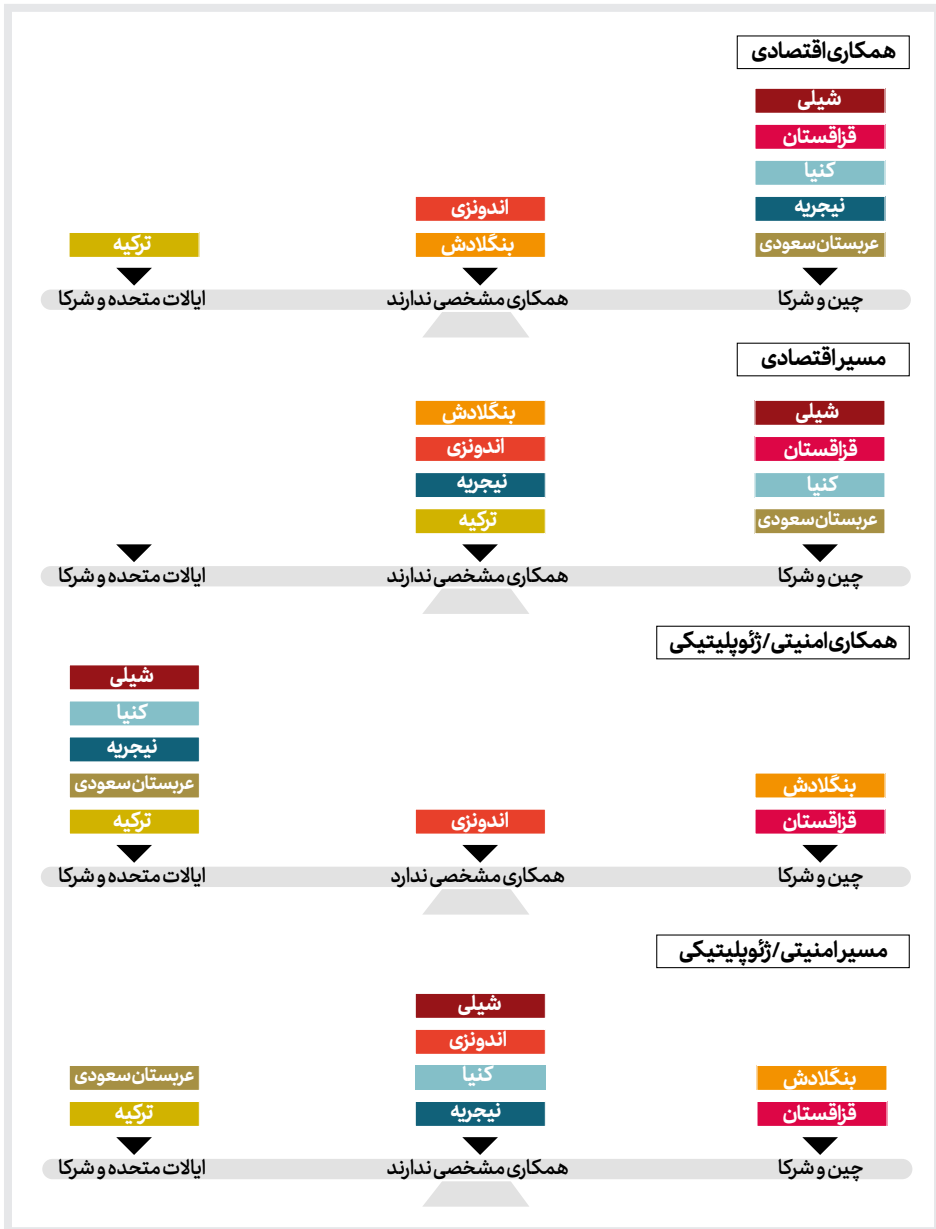
با بسیاری از کشورهایی که کسری تجاری قابل توجهی با چین دارند، تراز تجاری پایدارتر و اغلب مطلوب‌تری داشته باشد. با این حال، چین تازه‌وارد با توجه به موقعیت خود به‌عنوان شریک اقتصادی توانسته است توجه همه را برای همکاری با خود جلب کند. با این اوصاف، اروپا باید راهبرد ارتباطی خود مبنی بر کم‌اهمیت جلوه دادن نقش خود و همزمان موعظه کردن کشورهای دیگر درباره نحوه عملکرد آن‌ها - چنانچه برخی شرکا در مورد اروپا می‌پندارند- را تغییر دهد و به جای آن باید به این نکته توجه داشته باشد که دامنه مشارکت اتحادیه اروپا در حال حاضر چقدر است و چه ثمره‌ای می‌تواند با برقراری روابط قوی‌تر به دست آورد.

اروپا برای این که به‌عنوان یک بازیگر ژئوپلیتیک مناسب باقی بماند و از منافع و امنیت خود حفاظت کند باید نقش فعالانه‌تری در تحولات کنونی و شکل‌دهی ائتلاف‌های جهانی ایفا کند. این امر به‌ویژه در زمان عدم قطعیت جهانی کنونی که وضعیت اوکراین همچنان در نوسان است و چین و ایالات متحده ممکن است موضع خود را پس از کنگره بیستم حزب و انتخابات میان‌دوره‌ای ایالات متحده در پاییز تغییر دهند، بسیار مهم است. اتحادیه اروپا و کشورهای عضو آن به‌وضوح با آمریکا بیشتر از چین همسو هستند؛ هرگونه صحبت از نزدیکی برابر اروپا به چین و آمریکا مربوط به گذشته است. اما هنوز اروپا این فرصت را در اختیار دارد که روابط خود با شرکایش در سراسر جهان را تقویت بخشد و از دوگانگی دولت‌های دموکراتیک در مقابل دولت‌های استبدادی فراتر رود تا بدین ترتیب بتواند از تفکیک شدن بیشتر نظم جهانی جلوگیری کند. دوقطبی فزاینده جهانی ممکن است به نفع اروپا نباشد، اما روندهایی که در این جهت در جریان هستند را نمی‌توان انکار کرد. کشورهای اروپایی باید راهی برای بازگشت سیاست‌های بلوک‌محور بیابند که با آن به بهترین نحو از منافع و امنیت خود محافظت کنند.

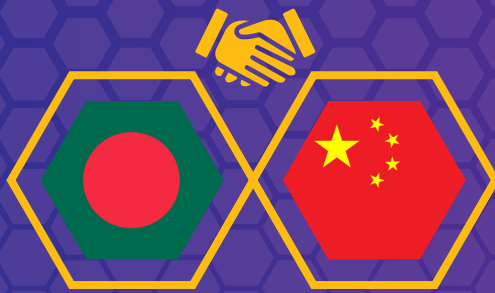
مقدمه: مبارزه جهانی در پاسخ به یک جهان دوقطبی نوظهور

اینفوگراف: همکاری‌های کنونی و آینده کشورهای مورد مطالعه

چین همواره شریک اقتصادی جذاب‌تری است، اما در زمینه امنیتی چین نیست



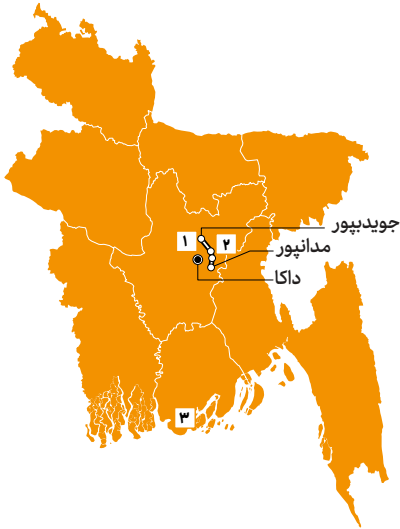
منبع: ارزیابی مریکس، تأیید شده توسط پژوهشگران گزارش حاضر



روابط چین و بنگلادش:
بنگلادش در پی برقراری تعادل
سه طرفه بین چین، هند و
ایالات متحده است

برگه اطلاعات کشور بنگلادش

پروژه‌های زیرساختی و شرکت‌های مادر تحت حمایت چین



۱ پروژه توسعه و ارتقای شبکه برق، داکا

۲ پروژه ارتقای جاده کنارگذر داکا، جاده جویدپور
به مدانپور

۳ نیروگاه پایرا (زغال سنگ)، کالاپارا

سطح رسمی مشارکت (فقط با چین)

مشارکت راهبردی جامع
(战略合作伙伴关系)



تعداد بازدیدهای سطح بالا (۲۰۱۷ - ۲۰۲۲)

ایالات متحده | چین
۸ | ۵



سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین (۲۰۱۳ - ۲۰۲۱)

۶/۲۴ میلیارد دلار



تجارت دوجانبه (۲۰۲۰)

چین
۱۵/۷۹ میلیارد دلار



ایالات متحده
۸/۰۴ میلیارد دلار

تجارت اسلحه

(واردات و صادرات، ۲۰۲۱ - ۲۰۱۳)

ایالات متحده | چین
۱۲۳ میلیون دلار | ۲/۳۷ میلیارد دلار



منبع: MERICS, China's Ministry of Foreign Affairs, Comtrade, SIPRI, AEI China Global Investment Tracker

روابط چین و بنگلادش: بنگلادش در پی برقراری تعادل سه طرفه بین چین، هند و ایالات متحده است

در سال ۲۰۲۱، شی جین پینگ، رئیس جمهور چین، در پیام تبریک خود به مناسبت پنجاهمین سالگرد استقلال بنگلادش بر تقویت روابط متقابل در عصر رقابت قدرت‌های بزرگ تأکید کرد. رئیس جمهور چین اظهار داشت: «هر دو کشور در مرحله حیاتی از احیا و توسعه روابط هستند و در واقع، رؤیای بزرگ ملی چین مبنی بر جوان‌سازی به خوبی می‌تواند با رویای بنگلادش طلایی^۱ در یک راستا قرار گیرد». شی جین پینگ اولین رئیس جمهور چین است که طی ۳۰ سال گذشته، در سال ۲۰۱۶ به بنگلادش سفر کرد. گفتنی آنکه روابط دوجانبه این دو کشور همیشه هموار و گرم نبوده است. موضع چین در قبال بنگلادش در طول ۵۰ سال یعنی از سال ۱۹۷۱ تاکنون از خصومت به همکاری‌های باکراه تغییر یافته و هم‌اکنون به یک «مشارکت راهبردی» تبدیل شده است. **در حال حاضر، روابط بنگلادش و چین ترکیبی از عمل‌گرایی، ابهام راهبردی و سازش سیاسی است. بنگلادش و چین در روابط خود وابستگی متقابل عمیقی ایجاد کرده‌اند که این امر به طور فزاینده‌ای به نفع چین است.**

وضعیت کنونی: روابط بین چین و بنگلادش در حال رشد است، به شکلی که قبلاً

هرگز تجربه نکرده بودند

روابط بنگلادش با چین از زمانی که این کشور از پاکستان- متحد چین- در جنگ آزادی بخش ۱۹۷۱ جدا شد، مسیر طولانی را طی کرده است. واقعیت‌های جنگ سرد به این معنی بود که چین با دوست همیشگی خود یعنی پاکستان همسو شد و با استقلال بنگلادش مخالفت کرد. چین به عنوان یکی از اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد (UNSC)^۲، اولین حق وتو خود را برای رد عضویت بنگلادش در سازمان ملل در سال ۱۹۷۲ استفاده کرد. چین و بنگلادش در نهایت روابط دوجانبه رسمی را در سال ۱۹۷۵

1. Sonar Bangla

2. United Nations Security Council

برقرار کردند، اما پیش از آن رویکرد چین عمدتاً مقابله با بنگلادش برای اطمینان دادن به متحد خود یعنی پاکستان بود.

روابط چین و بنگلادش از آن زمان تاکنون به‌طور پیوسته بهبود یافته و به اساس و بنیاد سیاست خارجی بنگلادش تبدیل شده است. همگرایی در محاسبات راهبردی آن‌ها (به‌عنوان مثال، نگاه متقابل آن‌ها به هند به‌عنوان یک تهدید مشترک) و انگیزه‌های اقتصادی به‌عنوان محرک‌های اصلی بهبود روابط بین این دو کشور هستند.

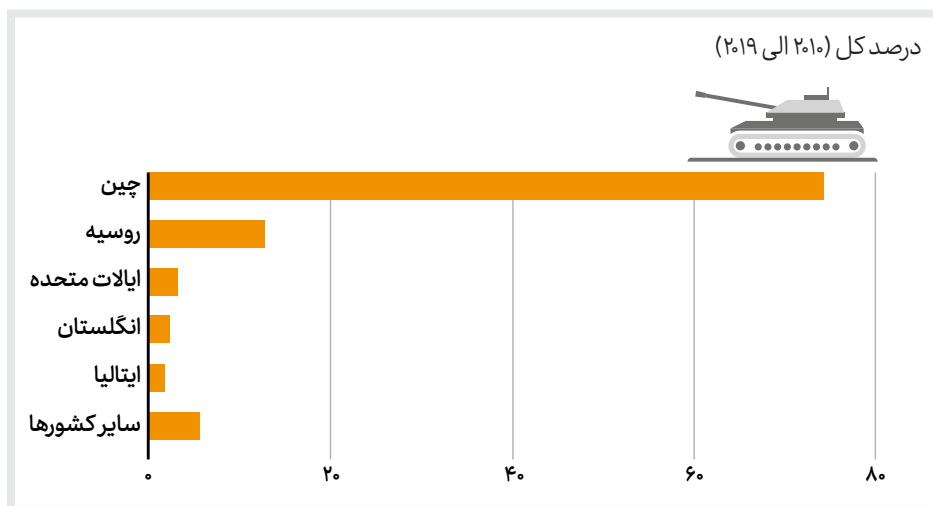
مقامات چینی و بنگلادشی اولین دیدار در سطح عالی خود را در سال ۱۹۷۸ انجام دادند که باعث بهبود روابط دوجانبه شد. با راه‌اندازی طرح یک کمربند- یک راه چین در سال ۲۰۱۳ سرعت بهبود روابط بین این دو کشور افزایش یافت. روابط چین و

■ چین اکنون
بزرگ‌ترین شریک
تجاری بنگلادش
است

بنگلادش طی سفر رئیس‌جمهور چین به بنگلادش در سال ۲۰۱۶ به مشارکت راهبردی ارتقا یافت و داکا رسماً به طرح یک کمربند- یک راه پیوست. عضویت در طرح یک کمربند- یک راه زمینه را برای ورود سرمایه‌گذاری چینی به بنگلادش به‌ارزش ۳۸/۰۵ میلیارد دلار هموار ساخت که تقریباً برابر با ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی بنگلادش بوده و بیشترین مبلغی است که تاکنون یک کشور برای سرمایه‌گذاری به بنگلادش وعده داده است. چین هم‌اکنون بزرگ‌ترین شریک تجاری و بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار مستقیم خارجی بنگلادش است. علاوه بر این، چین مهم‌ترین شریک بازرگانی بنگلادش و تامین‌کننده تسلیحات نظامی این کشور است. چین در سال ۲۰۲۰ به ۹۷ درصد محصولات بنگلادش معافیت گمرکی اعطا کرده است.

روابط چین و بنگلادش: بنگلادش در پی برقراری تعادل سه طرفه بین چین، هند و ایالات متحده است

همکاری دفاعی عنصر سازنده اصلی در روابط چین و بنگلادش بوده است؛ نفوذ اقتصادی چین در اقتصاد بنگلادش پدیده‌ای نسبتاً جدید و رو به افزایش است، اما همکاری دفاعی بخش اصلی روابط دو کشور بوده است. از اوایل دهه ۱۹۸۰، نیروهای مسلح هر دو کشور در دیدارهای رسمی مکرر در سطوح عالی شرکت داشتند و تمرینات مشترکی را برای تقویت همکاری بین دو کشور برگزار کرده‌اند. چین به منبع اصلی تأمین تسلیحات نظامی بنگلادش تبدیل شده است. داکا نیز پس از پاکستان دومین مقصد بزرگ صادرات تسلیحات چین است. در بازه زمانی ۲۰۱۰ الی ۲۰۱۹، چین ۷۲ درصد از کل واردات تسلیحات بنگلادش را به خود اختصاص داده است.



نمودار ۳: چین مهم‌ترین تأمین‌کننده تسلیحات بنگلادش است

منبع: Stockholm International Peace Research Institute

۱. در سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۱۰، پکن ۵ شناور گشتی دریایی، ۲ زیردریایی، ۱۶ جت جنگنده و ۴۴ تانک و همچنین موشک‌های ضدکشتی و زمین به هوا را در اختیار داکا قرار داده است. در سال ۲۰۱۷، نیروی دریایی بنگلادش دو زیردریایی چینی کلاس مینگ را با کمترین قیمت خریداری کرده است تا در راستای «هدف نیروها- ۲۰۳۰» (Forces Goal-2030) بتواند نسبت به نوسازی نیروهای مسلح خود و تبدیل آن‌ها به نیروهای جنگی سه بعدی اقدام کند. از آنجایی که بنگلادش هدف مبنی بر نوین‌سازی نیروهای مسلح خود را احتمالاً سرعت خواهد بخشید، روابط نظامی بین ارتش بنگلادش و چین نیز در آینده تقویت خواهد شد.

ژئوپلیتیک: مبتنی بر عمل‌گرایی و ابهام

در ژئوپلیتیک بنگلادش، هند به دلیل نزدیکی جغرافیایی، پیوندهای فرهنگی و مهم‌تر از همه مداخله‌اش به عنوان متحد علیه پاکستان در طول جنگ آزادی‌بخش بنگلادش همواره در مرکز توجه سیاست‌مداران بنگلادش بوده است. در همین حال، ایالات متحده به عنوان یک قدرت جهانی بیشترین فشار اقتصادی و سیاسی را بر بنگلادش اعمال کرده است. دیگر قدرت‌های منطقه‌ای مانند ژاپن و چین نقش حاشیه‌ای در تحولات بنگلادش داشته‌اند، اما زمانی که ظهور چین به عنوان قدرتی اقتصادی و نظامی باعث تقویت توانایی این کشور شد و تمایل آن را برای اعمال نفوذ فراتر از مرزهای خود در جنوب آسیا نشان داد، فرصتی نیز برای بنگلادش فراهم شد تا بتواند شریک جدیدی در شمال داشته باشد.

بنگلادش از فرصت جدیدی که چین برایش فراهم آورده بود، بهره برد. واقع‌گرایی سیاسی، محاسبات خاصی را به سیاست خارجی بنگلادش تحمیل کرد که عمدتاً با انگیزه‌های اقتصادی تقویت می‌شد. موضع هژمونیک هند، تدابیر تحمیلی از جانب هند به بنگلادش و کمبود منابع همراه با سیاست چین مبنی بر عدم مداخله در امور داخلی بنگلادش باعث جذابیت چین برای بنگلادش شده است. در پرتو سرمایه‌گذاری‌های هنگفت در زیرساخت‌ها و سایر بخش‌ها نیز جذابیت چین بیش از پیش افزایش یافته است. با ادامه تعمیق روابط بنگلادش و چین، هند نگران این است که شریک منطقه‌ای قدیمی‌اش همان مسیری را که نپال و سریلانکا دنبال می‌کنند، طی کند و مشتاقانه به سمت پکن برود.

در نتیجه، داکا با خطر درگیر شدن در کشمکش چین و هند برای نفوذ منطقه‌ای مواجه است. این کشور تاکنون با حفظ روابط متوازن با چین و هند و تأکید بر وابستگی سیاسی

روابط چین و بنگلادش: بنگلادش در پی برقراری تعادل سه طرفه بین چین، هند و ایالات متحده است

و فرهنگی با هند و روابط اقتصادی با چین توانسته است از این دام اجتناب کند. با تشدید رقابت بین پکن و دهلی نو برای نفوذ منطقه‌ای، ایجاد تعادل در روابط با چین و هند برای بنگلادش چالش برانگیزتر می‌شود. در همین راستا، داکا ایالات متحده را به عنوان «یک راه سوم تعادل بخش» و راهبردی در نظر گرفته و برای جلب کمک‌های اقتصادی و حمایت در مجامع بین‌المللی در صدد ارتباط با واشنگتن برآمده است تا بدین ترتیب بتواند کشمکش موجود را تعدیل کند و وابستگی بنگلادش به هند و چین را کاهش دهد.

ایالات متحده از سال ۲۰۱۰ تاکنون ۱۱۰ میلیون دلار تسلیحات به بنگلادش صادر کرده است که در مقایسه با ۲/۵۹ میلیارد دلاری که بنگلادش برای خرید تجهیزات نظامی از چین هزینه کرده است، بسیار ناچیز است. در مواجهه با روابط پرتنش چین و هند ناشی از درگیری‌های مرزی مجدد هیمالیا از ماه می ۲۰۲۰ نیز ایالات متحده رویکردی کنش‌گرایانه در حمایت از بنگلادش در پیش گرفت و یک طرح مدرن‌سازی نظامی را پیشنهاد کرد که با بالگردهای آپاچی و موشک‌ها آغاز می‌شود. به گفته لورا استون^۱ - معاون وقت وزارت امور خارجه آمریکا در امور آسیای جنوبی- ایالات متحده به دنبال همکاری امنیتی عمیق‌تر «با در نظر گرفتن منافع متقابل و احترام کامل به حاکمیت و استقلال بنگلادش» است.

ایالات متحده همچنان بزرگ‌ترین مقصد صادراتی بنگلادش است و ۱۴/۵ درصد از کل صادرات بنگلادش- عمدتاً پوشاک- را به خود اختصاص داده است که مهم‌ترین راه نجات صادرات و ارز خارجی این کشور به شمار می‌آید. اگرچه چین دسترسی معاف از گمرک به ۹۷ درصد محصولات بنگلادش اعطا کرده است، اما با توجه به ظرفیت تولید

1. Laura Stone

چین می‌توان گفت که فرصت‌های بازار محدودی برای صادرات بنگلادش وجود دارد. آلمان همچنان بزرگ‌ترین مقصد صادراتی پوشاک بنگلادش است و ارزش پوشاک صادراتی بنگلادش به آلمان در سال ۲۰۲۱ معادل ۶/۲ میلیارد دلار بوده است. آلمان دومین بازار بزرگ بنگلادش است که ۱۴/۲ درصد از کل صادرات بنگلادش را به خود اختصاص داده است.

چین در رقابت شدید خود با هند روز به روز موفق‌تر می‌شود. چین در سال ۲۰۱۵ هند را که به مدت ۴۰ سال شریک تجاری اصلی بنگلادش بود، کنار زد و خود جایگزین آن شد. واردات از چین ۳۴ درصد از کل واردات بنگلادش در سال ۲۰۱۹ را دربرمی‌گرفت. با توجه به این‌که چین بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار در بنگلادش بود و با آن مشارکت راهبردی دوجانبه داشت، دهلی نو طبیعتاً احساس کرد که از چین عقب افتاده است. در پاسخ به این مسئله، هند ابزارهای مختلفی - نسبتاً نامتقارن و البته مهمی - را برای مقابله با تهاجمات چین به کار گرفت.^۱

بنگلادش مدت‌ها به دنبال ساخت بندر اعماق دریا در خلیج بنگال بود و این پروژه را در دستورکار ملی خود قرار داده بود. چین نیز چندین دهه در پی ساخت پروژه سونادیا^۲ در بنگلادش بود. با این حال، مخالفت هند منجر به لغو کلی پروژه سونادیا شد. با اذعان به مسائل ژئوپلیتیکی، بنگلادش از کمک مالی ژاپن برای ساخت بندر اعماق دریا در ماتارباری^۳ استقبال کرد. پکن با خرید ۲۵ درصد سهم در بزرگ‌ترین بازار سهام بنگلادش -

۱. هند در سال ۲۰۱۷ مبلغ ۵ میلیارد دلار وام به بنگلادش اعطا کرده است که بیشترین مبلغ سرمایه‌گذاری هند در بنگلادش است. هنگامی که چین دو زیردریایی کلاس مینگ Type-035G را در اختیار نیروی دریایی بنگلادش قرار داد، هند در واکنش به این اقدام چین یک زیردریایی در اختیار میانمار قرار داد. هند همچنین به منظور جلب رضایت میانمار و همچنین جلب توجه داکا، به حکومت نظامی میانمار کمک می‌کند و علی‌رغم فشارهای جهانی بر سر نسل‌کشی روهینگیا، از آن حمایت دیپلماتیک می‌کند.

2. Sonadia project

3. Matarbari

روابط چین و بنگلادش: بنگلادش در پی برقراری تعادل سه طرفه بین چین، هند و ایالات متحده است

بورس سهام داکا (DSE)^۱ - از بورس اوراق بهادار ملی هند (NSE)^۲ پیشی گرفت و از این رو، کشمکش آن‌ها وارد عرصه‌های جدیدی شد و حوزه رقابت چین و هند از زیرساخت‌های سخت به دارایی‌های نامشهود گسترش یافت.

برداشت‌ها: اقتصاد و بی‌طرفی چین از حمایت قوی برخوردار است

در حالی که برداشت جامعه بنگلادش از چین بسیار مثبت است، میزان اشتیاق در میان نخبگان سیاسی، نظامی و تجاری و شهروندان عادی متفاوت است. در سال ۲۰۱۴، نظرسنجی مرکز تحقیقاتی پیو^۳ نشان داد که ۷۷ درصد از بنگلادشی‌ها نگاه مثبتی به چین دارند که بالاترین رتبه مثبت برای همه کشورها است. در مقابل، هند همچنان به عنوان یک تهدید بالقوه برای امنیت بنگلادش از سوی تعداد قابل توجهی از مردم و نخبگان تلقی می‌شود. به طور کلی، ۴۳ درصد از بنگلادشی‌ها ایالات متحده را به عنوان متحد کشورشان ترجیح می‌دهند. فقدان وحدت ملی و اجماع مدت‌هاست که مانع اصلی در فرآیند ملت‌سازی بنگلادش بوده است. دو حزب بزرگ سیاسی یعنی حزب عوامی لیگ^۴ و حزب ملی‌گرای بنگلادش^۵ که به ندرت بر سر چیزی اتفاق نظر دارند نیز نسبت به برقراری روابط نزدیک‌تر با پکن دیدگاه مثبتی دارند.

چین محبوبیت خود را مدیون برداشتی است که به شکل ماهرانه‌ای در ذهن مردم بنگلادش ایجاد کرده است. بنگلادشی‌ها معتقدند چین از نظر سیاسی بی‌طرف است و مداخله نمی‌کند، همان‌طور که تاکنون از اظهار نظر عمومی در مورد مسائل داخلی بنگلادش خودداری کرده است. در نتیجه، چین از این پذیرش عمومی که در گفتمان سیاسی نیز

1. Dhaka Stock Exchange
2. National Stock Exchange
3. Pew Research Center
4. Awami League
5. the Bangladesh Nationalist Party

منعکس می‌شود، بهره می‌برد. رهبران بنگلادش اغلب به دو دسته «طرفدار هند» یا «مخالف هند» تقسیم‌بندی می‌شوند، اما این مسئله در مورد رابطه بنگلادش با چین صدق نمی‌کند.

جامعه نظامی و تجاری بنگلادش قوی‌ترین حامیان گسترش

روابط میان بنگلادش و چین هستند. با توجه به این که هند از

سه طرف بنگلادش را احاطه کرده است و همسایه متخاصم یعنی

میانمار تنها مرز زمینی دیگر را در اختیار دارد، برنامه ریزان نظامی

همگرایی با چین را در محاسبات خود امری استراتژیک می‌بینند.

چین نیز منافع استراتژیک بلندمدتی را در تقویت روابط خود با همسایگان هند می‌بیند.

از همین رو، چین سخت‌افزارهای نظامی پیچیده‌ای را که بنگلادش نمی‌تواند از جاهای

دیگر تهیه کند، با قیمت‌های نسبتاً پایین در اختیار آن قرار می‌دهد. با این حال،

بنگلادشی‌ها نسبت به روابط چین با میانمار ملاحظاتی دارند، اما روابط نظامی بنگلادش

با چین دیرینه و ریشه‌دار است و در همین راستا، بنگلادش روابط با چین را ابزاری برای

حفاظت از کشور و حاکمیت خود در برابر هند می‌داند.

در مقابل، رابطه با چین در میان جوامع تجاری بنگلادش نسبتاً جدید اما به سرعت

در حال رشد است. تاجران بنگلادشی از افزایش میزان سرمایه‌گذاری، تجارت و صادرات

چین در بخش‌های مختلف (از زیرساخت‌های فیزیکی گرفته تا دیجیتال) سود می‌برند و

برداشت مثبتی از چین دارند. مانند هر جای دیگری، این جوامع تجاری به دنبال تأثیرگذاری

بر دیدگاه نخبگان سیاسی، نظامی و فکری هستند.

به‌طور کلی، برداشت بنگلادشی‌ها از چین و ایالات متحده به‌طور یکسان مثبت به

نظر می‌رسد. از آنجایی که بنگلادش چهارمین کشور بزرگ جهان با اکثریت مسلمان

■ چین منافع
استراتژیک
بلندمدتی را در
تقویت روابط با
همسایگان هند
می‌بیند

است، دیدگاه‌های عمدتاً مثبت نسبت به ایالات متحده در آنجا با تصورات غالب جهان اسلام در تضاد است. در بین بنگلادشی‌ها، ۷۶ درصد آمریکا را مثبت می‌بینند که بالاترین سطح در شبه‌قاره است. با این حال، وقتی صحبت از مقایسه چین با هند به میان می‌آید، برداشت‌ها از چین به‌طور فزاینده‌ای مثبت است.

برداشت‌های متفاوت بنگلادشی‌ها از این سه کشور را می‌توان در واکنش به همه‌گیری کووید-۱۹ مشاهده کرد. چین علیرغم دیپلماسی شدید کووید، در تأمین واکسن بنگلادش کوتاهی کرد. این در حالی بود که ایالات متحده بنگلادش را در اولویت قرار داد. ایالات متحده ۳۸/۴ میلیون دوز واکسن به بنگلادش اهدا کرد، اما چین تنها ۵ میلیون دوز واکسن در اختیار آن‌ها گذاشت. احساسات ضد هند زمانی به بالاترین سطح خود رسید که مؤسسه سرم^۱ هندی نتوانست به‌طور کامل سفارش واکسن‌هایی را که توسط دولت پیش‌پرداخت شده بود، تحویل دهد. بنگلادش در آن زمان هیچ راهی جز خرید واکسن از چین نداشت.

چشم‌انداز: اختلافات آینده ممکن است بر سر تجارت، آب و پناهندگان باشد

بنگلادش به دلیل تضعیف دموکراسی ممکن است بیش از پیش از جانب غربی‌ها پس زده شود. این روند را می‌توان در اقدامات اخیر ایالات متحده مشاهده کرد: تحریم برخی افراد توسط وزارت خزانه‌داری ایالات متحده^۲ به دلیل نقض حقوق بشر و همچنین عدم حضور بنگلادش در میان ۱۱۰ کشور دعوت شده به اجلاس دموکراسی رئیس‌جمهور جوزف بایدن^۳ در دسامبر ۲۰۲۱ از جمله اقدامات ایالات متحده برضد بنگلادش است. این

1. Serum
2. US Treasury Department
3. Joseph Biden

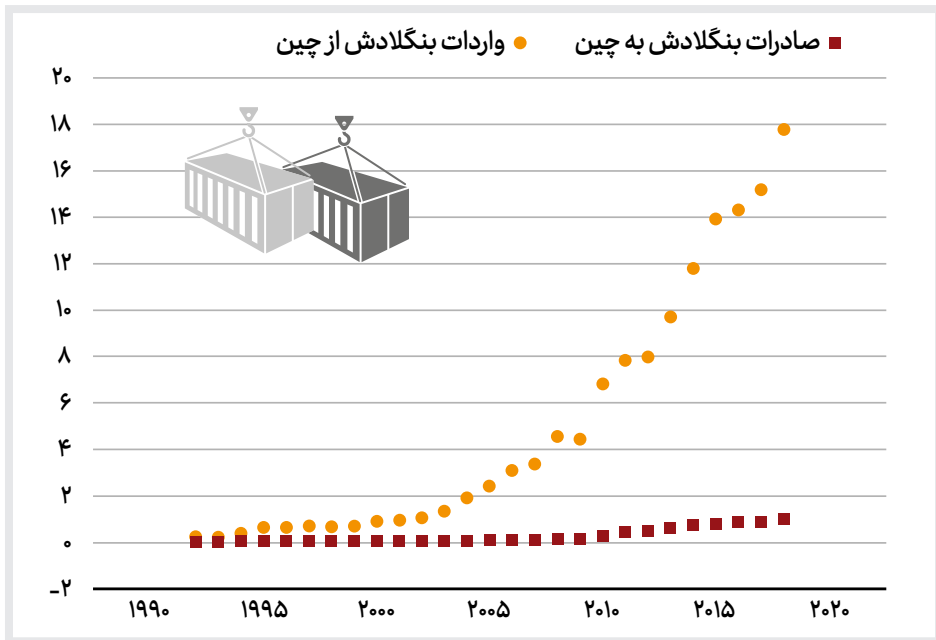
موارد نشانه‌های نامطلوبی برای رژیم فعلی است که تمایل کمی برای جامعه کثرت‌گرا نشان داده‌است. این اقدامات ایالات متحده ممکن است باعث تقویت انگیزه رژیم برای برقراری روابط بیشتر با پکن- به‌عنوان یک راه نجات اقتصادی بالقوه که انتقادی از نقض آزادی‌های مدنی در بنگلادش ندارد- شود.

در حالی که روابط بنگلادش و چین به‌طور قابل توجهی تقویت شده‌است، سه زمینه اصلی برای درگیری آن‌ها وجود دارد که بغرنج به نظر می‌رسند. در ادامه به هر یک از این موارد پرداخته می‌شود:

۱) بنگلادش با چالش میزبانی از میلیون‌ها پناهنده روهینگیا^۱ مواجه است. پکن نتوانسته‌است آن‌طور که داکا امیدوار بود بر حکومت میانمار فشار بیاورد و در عوض، منافع ژئوپلیتیکی و اقتصادی چین در میانمار را در اولویت قرار داده‌است. اگر چین در آینده موضع کنونی خود را در قبال بحران روهینگیا حفظ کند، ناامیدی داکا و تأثیرات آن بر بنگلادش ممکن است افزایش یابد. این موضوع به‌طور بالقوه می‌تواند به وجهه دوستانه چین در بنگلادش لطمه بزند.

۲) عدم تعادل تجاری فزاینده با چین برای بنگلادش نگران‌کننده است. اگرچه چین به ۹۷ درصد محصولات بنگلادش دسترسی معاف از گمرک اعطا کرده‌است، اما نمی‌توان تصور کرد که بنگلادش بتواند شکاف تجاری خود را با کارخانه جهان کاهش دهد. در سال ۲۰۱۸، ارزش واردات بنگلادش از چین بالغ بر ۱۷/۷۵ میلیارد دلار بوده‌است، در حالی که ارزش صادرات بنگلادش به چین تنها ۹۸۵/۴۱ میلیون دلار بوده‌است و در نتیجه، نسبت کسری تجاری بین داکا و پکن برابر با ۱:۱۷٫۳ بوده‌است.

1. Rohingya



نمودار ۴: اختلاف فاحش صادرات-واردات بنگلادش با چین (میلیارد دلار)

منبع: WTO database و World Integrated Trade Solution statistics (WITS)، جمع‌آوری شده توسط نویسندگان در فوریه ۲۰۲۲

۳) جاه‌طلبی چین برای ساختن سد‌هایی در امتداد مسیر بالایی رودخانه براهماپوترا نگرانی‌های جدی برای بنگلادش به‌عنوان یک کشور پایین دست ایجاد کرده است. برهماپوترا یکی از منابع اصلی آب بنگلادش برای سه بخش کشاورزی، جنگل‌داری و شیلات است که مجموعاً ۱۲/۵ درصد از کل تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهند. اجرای این طرح توسط چین می‌تواند مانع بزرگی در گرم شدن روابط بین دو کشور ایجاد کند.

در پایان ذکر این نکته ضروری است که انتخاب‌های راهبردی بنگلادش همچنان توسط قدرت‌های بزرگ شکل می‌گیرد، همانطور که پاکستان و هند در جنگ مستقیم

1. Brahmaputra

بر سر استقلال بنگلادش تحت حمایت ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی بودند. تسریع رقابت راهبردی آمریکا و چین بر انتخاب‌ها و خط سیر بنگلادش تأثیر خواهد گذاشت. رقابت چین و آمریکا در جنوب آسیا در رقابت چین و هند بر سر بنگلادش نمود پیدا می‌کند.

بنگلادش به دنبال مدیریت این تنش‌ها با برقراری تعادل در روابط خود با آمریکا، چین و هند است. این کشور همکاری با چین را به عنوان ابزاری برای ارتقای توسعه اقتصادی خود دنبال می‌کند، در حالی که با ایالات متحده به عنوان یک قدرت فرامنطقه‌ای ارتباط برقرار می‌کند تا تنش‌های چین و هند را که ناشی از پیوندهای نزدیک اقتصادی بنگلادش با چین است، کنترل کند. بنگلادش «ابهام راهبردی»^۱ را در سیاست خارجی و دفاعی از طریق تعامل با همه کشورها در بخش‌های مختلف دنبال می‌کند. بنگلادش برای ایجاد تعادل در روابط خود و تثبیت قدرت خود سعی دارد با تسریع روابط خود با ایالات متحده بتواند تنش‌ها را با کمک یک «راه سوم تعادل بخش» کاهش دهد. هدف بنگلادش این است که از خود در بحبوحه تشدید رقابت قدرت‌های بزرگ در جنوب آسیا و بدتر شدن روابط بین پکن-دهلی نو و پکن-واشنگتن حفاظت کند.

واکنش بنگلادش نسبت به مناقشه روسیه و اوکراین

مناقشه روسیه و اوکراین لایه جدیدی از پیچیدگی بی‌سابقه را به معضلات راهبردی بنگلادش در مقابله با رقابت قدرت‌های بزرگ آمریکا و چین اضافه کرده است. داکا نگاه ایدئولوژیکی به بحران در اوکراین ندارد و در عوض آن را عمدتاً ناشی از سه عامل اصلی می‌داند: ۱. پیوندهای تاریخی^۲. واقع‌گرایی سیاسی^۳. سندرم همسایگی. حمایت اتحاد جماهیر شوروی از بنگلادش در جنگ آزادی بخش همچنان عامل

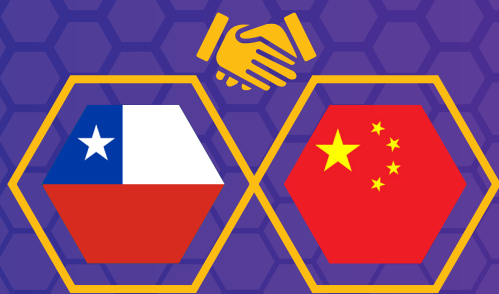
1. Strategic ambiguity

غالب در تصمیمات سیاست خارجی داکا در برابر روسیه است. نخست‌وزیر شیخ حسینہ واجد^۱ نیز با اشاره به این واقعیت توضیح داد که چرا بنگلادش در میان ۳۵ کشوری بوده است که از رأی دادن به قطعنامه دوم مارس سازمان ملل مبنی بر محکومیت مناقشه روسیه و اوکراین خودداری کرده است. در واقع، واکنش بنگلادش به بحران اوکراین در راستای سیاست بلندمدت آن مبنی بر دوری کردن از رقابت قدرت‌های بزرگ و تأکید مجدد بر موضع سیاست خارجی آن مبنی بر «دوستی با همه، بدخواهی برای هیچ‌کس» است.

هدف دوم بنگلادش در عدم محکومیت مناقشه روسیه و اوکراین، مقابله با وابستگی نظامی خود به چین است. داکا در سال ۲۰۱۳ قرارداد تسلیحاتی به ارزش ۱ میلیارد دلار با روسیه امضا کرده است که بزرگ‌ترین قرارداد نظامی این کشور است. مسکو همچنین قرار است به داکا در زمینه ساخت نیروگاه هسته‌ای ۲۴۰۰ مگاواتی در روپور^۲ کمک کند که اولین نیروگاه بنگلادش در نوع خود است. هزینه کل این پروژه ۱۲/۸۵ میلیارد دلار برآورد شده است که ۹۰ درصد آن از سمت مسکو تأمین می‌شود. روسیه چهارمین منبع بزرگ تأمین مالی توسعه در بنگلادش است که در بخش‌هایی مانند لباس‌های حاضر و آماده، کشاورزی، کود و سخت‌افزار نظامی با بنگلادش مشارکت دارد. دلیل سوم بنگلادش برای عدم محکومیت مناقشه روسیه و اوکراین آن است که بنگلادش شرکای کلیدی در همسایگی خود را می‌بیند که در قبال بحران اوکراین بی‌طرف و بی‌تعهد هستند و تا حدی از آن‌ها پیروی می‌کند. چین، هند، پاکستان و سریلانکا همگی به قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل مبنی بر محکومیت مناقشه روسیه و اوکراین رأی ممتنع داده‌اند.

1. Sheikh Hasina Wazed

2. Rooppur



روابط پیشگام شیلی با چین
در حال تبدیل شدن به
وابستگی است

برگه اطلاعات کشور شیلی

پروژه‌های زیرساختی و شرکت‌های مادر تحت حمایت چین



- ۱ خرید شرکت عمومی (CGE) Compañía General de Electricidad، سانتیاگو
- ۲ خرید شرکت شیلیایی Sempra Energy، سانتیاگو
- ۳ قطار سریع‌السیر سانتیاگو-والپارایسو (برنامه‌ریزی شده)، خط قطار از سانتیاگو به بندر والپارایسو

تعداد بازدیدهای سطح بالا (۲۰۱۷ - ۲۰۲۲)		سرمايه‌گذاري مستقيم خارجي چين (۲۰۱۳ - ۲۰۲۱)
ایالات متحده	چین	۱۳/۱۷ میلیارد دلار
۵	۶	

سطح رسمی مشارکت (فقط با چین)
مشارکت راهبردی جامع (全面战略伙伴关系)

تجارت دوجانبه (۲۰۲۰)
چین
۴۴/۳ میلیارد دلار
ایالات متحده
۲۰/۶۴ میلیارد دلار

تجارت اسلحه (واردات و صادرات، ۲۰۲۱ - ۲۰۱۳)
چین
-
ایالات متحده
۲۵۸ میلیون دلار

منبع: MERICS, China's Ministry of Foreign Affairs, Comtrade, SIPRI, AEI China Global Investment Tracker

در آمریکای لاتین، شیلی پیشگام برقراری رابطه با چین است. این کشور دارای بیشترین تعداد اهرم‌های ارتباطی و همکاری با چین در سطح آمریکای لاتین است و روابط دوجانبه خود با چین را حول محور عمل‌گرایی و همکاری اقتصادی بنا کرده است. این روند عمل‌گرایانه احتمالاً در روابط بین این دو کشور تداوم خواهد داشت. البته روابط نامتوازن شیلی با چین ممکن است در زمان دولت چپ‌گرای رئیس‌جمهور گابریل بوریک^۱ که در ۱۱ مارس ۲۰۲۲ تشکیل شده است، تشدید شود که علت آن این است که دولت گابریل بوریک نیز همانند دولت‌های قبلی با ضعف‌های نهادی و اقتصاد بحران‌خیز شیلی دست‌وپنجه نرم می‌کند. حزب کمونیست شیلی (PC)^۲ نقش مهمی در دولت جدید شیلی ایفا می‌کند (وزرا، معاونان و مشاوران در بیش از نیمی از وزارتخانه‌ها، ریاست جمهوری، وزارت دفاع، وزارت کشور، دبیرکل دولت، وزارت دارایی، وزارت کار، وزارت علوم، وزارت انرژی، وزارت معدن، وزارت آموزش، وزارت دادگستری، وزارت حمل‌ونقل و وزارت ارتباطات). علاوه بر این، روابط حزب کمونیست شیلی با حزب کمونیست چین (CCP)^۳ می‌تواند بر موضع بوریک در قبال روابط بین‌الملل به‌ویژه در ارتباط با رقابت آمریکا و چین تأثیر بگذارد. دولت جدید انتقاد از مناقشه در اوکراین را متوقف کرده است. حضور چین در شیلی به رشد خود ادامه خواهد داد. با این حال، افکار عمومی نیز در حال تغییر است و به‌طور فزاینده‌ای از رابطه بین چین و شیلی انتقاد می‌کند.

وضعیت کنونی: شیلی برای صادرات مس «وابستگی» فزاینده‌ای به چین دارد و در عرصه امنیتی فاقد راهبرد همکاری با این کشور است.

چین همچنان به تلاش برای تثبیت موقعیت خود به‌عنوان شریک تجاری اصلی شیلی ادامه می‌دهد. در سال ۲۰۲۱، چین ۳۸/۳ درصد از صادرات شیلی را به خود

1. Gabriel Boric

2. Chilean Communist Party

3. Chinese Communist Party

■ چین همچنان به تلاش برای تثبیت موقعیت خود به عنوان شریک تجاری اصلی شیلی ادامه می‌دهد

اختصاص داده‌است، در حالی که ایالات متحده با ۱۶/۴ درصد در رتبه دوم قرار گرفته‌است؛ اتحادیه اروپا ۸/۶ درصد، ژاپن ۷/۷ درصد و چهار کشور منطقه‌ای بلوک تجاری مرکوسور^۱ نیز ۶/۲ درصد از صادرات شیلی را در این بازه زمانی در اختیار داشته‌اند. براساس گزارش سرویس ملی گمرک شیلی^۲، تجارت دوجانبه شیلی با چین در سال ۲۰۲۱ برابر با ۵۷/۷۲ میلیارد دلار بوده‌است که در مقایسه با سال ۲۰۲۰ معادل ۳۹/۸ درصد افزایش داشته‌است. این رشد مرهون افزایش قابل توجه واردات محصولات چینی از جانب شیلی بوده که با افزایش ۶۸ درصدی نسبت به سال قبل به ۲۵/۵۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۱ رسیده‌است. چین اکنون بزرگ‌ترین منبع واردات شیلی است و ۲۹/۲ درصد از کل واردات این کشور را در اختیار دارد. در همین حال، ارزش صادرات شیلی به چین در سال ۲۰۲۱ برابر با ۳۵/۴۲ میلیارد دلار بوده که ۳۱ درصد نسبت به سال ۲۰۲۰ افزایش یافته‌است. بنابراین، چین همچنان خریدار اصلی محصولات شیلی محسوب می‌شود و ۳۸/۴ درصد از کل صادرات شیلی را به خود اختصاص داده‌است. شیلی ظاهراً خواهان رسیدن به تراز تجاری در روابط خود با چین است، اما تحقق این هدف تا حد زیادی به صادرات مواد معدنی بستگی دارد. مواد معدنی ۸۴/۴ درصد از محموله‌های صادرشونده از شیلی به چین را تشکیل می‌دهند. صادرات مواد معدنی مس و کنسانتره آن‌ها در سال ۲۰۲۱ معادل ۶۲/۹ درصد افزایش پیدا کرده‌است. محصولات غیرمعدنی تنها ۱۵/۶ درصد از صادرات را به خود اختصاص داده‌اند که بیش از یک‌سوم آن را محصولات جنگلی تشکیل می‌دهند. به‌طور کلی، تنوع محصولات صادراتی شیلی بسیار محدودتر از چین است.

1. Mercosur trade bloc
2. Chile's National Customs Service

در سال ۲۰۱۹، سرمایه‌گذاری چین در شیلی با ۱۶۷ درصد افزایش به ۴/۸۵ میلیارد دلار رسید. تعداد پروژه‌ها نسبت به سال ۲۰۱۸ معادل ۵۵ درصد افزایش یافته است و ۳۱ طرح در پایان سال ۲۰۱۹ ثبت شده است. سرمایه‌گذاری‌های چینی عمدتاً در موارد زیر است: (۱) منابع طبیعی (با تمرکز بر مواد برای انرژی‌های تجدیدپذیر غیرمتعارف)، (۲) ساخت و ساز (با تمرکز بر امتیازات) و (۳) بخش مالی. چین با پشت سر گذاشتن ایالات متحده و کانادا به مهم‌ترین سرمایه‌گذار خارجی در شیلی تبدیل شده است. با این حال، مزایای چین در شیلی مخالفت‌هایی را برانگیخته است، زیرا این مزایا در بخش‌های راهبردی هستند و نمایندگان پارلمان - اعم از نمایندگان احزاب چپ و راست - را بر آن داشته‌اند تا از مقررات بیشتری برای سرمایه‌گذاری خارجی حمایت کنند.

در سال ۲۰۲۱، کمیسیون بازار مالی^۱ به اگزیم بانک چین^۲ اجازه داده است تا در شیلی فعالیت کند که در کنار بانک چین^۳ (۲۰۱۸) و بانک ساخت و ساز چین^۴ (۲۰۱۶) که پیش‌تر فعالیت خود را در شیلی آغاز کرده بودند، سومین بانک چینی در شیلی به شمار می‌آید. هر سه بانک نامبرده شیلی را مکانی مناسب برای میزبانی از پلتفرم‌های منطقه‌ای خود می‌دانند که به لطف اکوسیستم دیجیتال و نیروی کار ماهر آن است. این بانک‌ها بر بانکداری شرکتی تمرکز دارند و به بیان دقیق‌تر، مشتریان هدف آن‌ها شامل شرکت‌های چینی فعال در شیلی، شرکت‌های بزرگ شیلیایی و شرکت‌های صادرات و واردات هستند که به تجارت بین دو کشور می‌پردازند. تجارت خارجی شیلی طی دو دهه گذشته عمدتاً به‌طور متعادل به سمت آمریکای شمالی، آسیا و اروپا معطوف بود. حال آنکه داده‌ها نشان می‌دهند که در دهه گذشته روندی به سمت وابستگی بیشتر به یک بازار واحد پدید آمده است؛ وابستگی شدید

1. Financial Market Commission
2. China Exim Bank
3. Bank of China
4. China Construction Bank

شیلی به چین و یک محصول واحد با عنوان «وابستگی به مس» شناخته می‌شود. تقاضای فزاینده چین برای مواد خام به معنای تشدید این وابستگی و همچنین آسیب‌پذیری شیلی در برابر هرگونه رکود اقتصادی در چین است.

همکاری‌های نظامی شیلی با چین به تدریج در زمینه‌های راهبردی به ویژه مبادلات نظامی (شامل دیدارهای رسمی با مقامات ارشد نظامی، تبادل آموزشی و بازدید از واحدهای نظامی) افزایش یافته است. به عنوان مثال، نیروی دریایی چین در سال ۲۰۱۳ قبل از عبور از آب‌های خروشان تنگه ماژلان^۱ برای توقف در بنادری در آرژانتین و برزیل، تمرینات نظامی مشترکی را با هم‌تایان شیلیایی خود انجام داد. در سال ۲۰۱۹، یخ‌شکن نیروی دریایی چین Xue Long II، اولین سفر خود را به قطب جنوب انجام داد. چین در حال حاضر در حال مذاکره با شیلی برای دسترسی به پونتا آرناس^۲ است تا بتواند پایگاه‌های قطب جنوب خود را از آنجا مجدداً تأمین کند.

افزایش شدید تأمین مالی برای برنامه قطب جنوب چین^۳ روند دیگری است که احتمالاً بر محیط ژئوپلیتیک منطقه تأثیر می‌گذارد. آرژانتین و شیلی از نظر ژئواستراتژیک برای چین بسیار حائز اهمیت هستند، زیرا این کشورها نزدیک به قطب جنوب هستند و دارای بزرگ‌ترین، قدیمی‌ترین و دائمی‌ترین پایگاه‌های قطب جنوب

■ آرژانتین و شیلی از نظر ژئواستراتژیک برای چین بسیار حائز اهمیت هستند

هستند که قادر به فعالیت بی‌وقفه در طول سال هستند. پایگاه Orcadas de Argentina که در سال ۱۹۰۴ تأسیس شد و پایگاه کاپیتان آرتورو پرات^۴ از شیلی که در سال ۱۹۴۷ تأسیس شد از جمله این پایگاه‌ها محسوب می‌شوند.

1. Magellan Strait
2. Punta Arenas
3. China's Antarctic Program
4. Captain Arturo Prat

در بخش فضایی، مرکز نجوم آمریکای جنوبی در آکادمی علوم چین (CASSACA)^۱ از جمله اولین مراکز تحقیقاتی بین‌المللی است که دولت چین تأمین مالی آن را به عهده گرفته است. این مرکز در اکتبر ۲۰۱۳ در سانتیاگو در دفاتری واقع در بالای کوه Cerro Calán در کنار رصدخانه ملی نجوم^۲ و گروه نجوم دانشگاه شیلی^۳ شروع به کار کرده است.

ابتکارات چین نشأت گرفته از راهبردی کلان است که در گزارشات رسمی دولت در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۱۶ در مورد آمریکای لاتین و دریای کارائیب گنجانده شده است. این گزارشات رسمی بیانگر اهداف و اولویت‌های چین در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت هستند و بر اهمیت روزافزون منطقه برای سیاست خارجی چین تأکید می‌کنند. این اسناد موضوعاتی مانند مسائل ژئواستراتژیک، سیاسی، اقتصادی-تجاری، نظامی، همکاری، آموزشی و فرهنگی را دربرمی‌گیرند. در مقابل، در شیلی به ندرت مباحث مربوط به دامنه مناسب همکاری نظامی با چین مطرح است. دولت چپ‌گرای جدید رئیس‌جمهور بوریک و وزیر دفاع او مایا فرناندز^۴ (حزب سوسیالیست) به احتمال زیاد حداقل فضاهای موجود برای بحث و مناظره مانند آکادمی ملی مطالعات سیاسی و استراتژیک (ANEPE)^۵ را تضعیف خواهند کرد. احتمال دارد فضا برای تحلیل‌های حرفه‌ای و آکادمیک کمتر شود، زیرا علیرغم وعده‌های انتخاباتی رئیس‌جمهور بوریک، «انتصاب‌هایی که وی در هیئت دولت انجام داده است، از این جهت که بر مبنای اولویت‌های سیاسی هستند موردانتقاد قرار دارند» که این امر خود نشان‌دهنده گرایش به سمت حامی‌پروری سیاسی^۶ بیشتر است.

1. Chinese Academy of Sciences' South American Astronomy Center
2. National Astronomical Observatory
3. University of Chile's Department of Astronomy
4. Maya Fernández
5. National Academy of Political and Strategic Studies
6. Political clientelism

سرمایه‌گذاری چینی‌ها در زمینه زیرساخت‌های کلیدی شیلی یکی دیگر از موضوعات مورد توجه است. در حال حاضر، شرکت‌های چینی کنترل بی‌سابقه ۵۷ درصد از توزیع برق را در اختیار دارند. افزایش حضور چینی‌ها در معماری دیجیتال شیلی نیز برای سرویس‌های اطلاعاتی نگران‌کننده است.

ژئوپلیتیک: رقابت آمریکا و چین تأثیر مستقیمی بر شیلی دارد

ایالات متحده و چین شرکای تجاری اصلی شیلی هستند، بنابراین هرگونه تأثیر منفی بلندمدت بر اقتصاد آن‌ها تأثیر مستقیمی بر شیلی به‌ویژه بر قیمت مس دارد. اگر تعرفه‌های وضع شده از جانب آمریکا باعث کاهش تقاضای موجود برای کالاهای چینی در ایالات متحده شود، چین به مواد خام صنعتی کلیدی کمتری مانند مس نیاز خواهد داشت که این امر نیز موجب کاهش صادرات شیلی خواهد شد. در واقع، یک اثر دومینویی ایجاد می‌شود. زیرا زمانی که صادرات شیلی کاهش پیدا کند، سرمایه‌گذاری‌های معدنی، سبد سهام عمومی، حساب‌های خصوصی و بازار کار نیز دستخوش تغییر می‌شوند. اگر صادرات و مصرف شیلی کاهش یابد، سازمان‌های رتبه‌بندی ممکن است رتبه اعتباری این کشور را کاهش دهند. در نتیجه، شیلی باید نرخ‌های بهره بالاتری را به صندوق‌های بازار سرمایه بپردازد که تأثیرات منفی بیشتری بر شرکت‌های بزرگ و کوچک خواهد داشت.

■ پس از کاهش صادرات شیلی، یک اثر دومینویی ایجاد می‌شود

در ارتباط با جاده ابریشم دیجیتال^۱، فناوری‌های نسل پنجم و پیامدهای احتمالی برای مدیریت داده‌ها نیز نگرانی‌هایی وجود دارد. شرکت‌های چینی به این علت در بخش فناوری سرمایه‌گذاری می‌کنند که فکر می‌کنند شیلی به جایگاه رهبری در زمینه دیجیتالی‌سازی در آمریکای لاتین دست یافته است و بنابراین زیرساخت و پایگاه منابع

1. Digital Silk Road

انسانی خوبی برای اجرای عملیات منطقه‌ای دارد. به‌عنوان مثال، مرکز داده هوآوی^۱ در سال ۲۰۲۰ دومین مرکز داده خود را در شیلی افتتاح کرده است که بر روی هوش مصنوعی و خدمات کلان داده‌ها متمرکز است. به‌طور کلی، منافع چین در شیلی و همچنین فشار ایالات متحده برای لغو معافیت ویزا باعث شده‌اند بحث‌های متعددی در عرصه عمومی شیلی مطرح شوند. در سال ۲۰۲۱، مناقصه کارت شناسایی و گذرنامه در سازمان ثبت احوال به شرکت آیسینو^۲ (یکی از پنج شرکت برتر فناوری چین) واگذار شد، اما بعداً این شرکت چینی تحت فشار عمومی از این قرارداد خارج شد.

در مقایسه با چین، نفوذ ایالات متحده در مخروط جنوبی^۳ در دو دهه اخیر کاهش یافته است. با این حال، حضور واشنگتن در منطقه‌ای که از دیرباز تحت نفوذ ایالات متحده بوده است به دلیل مبارزه آن با چین در سال‌های اخیر آشکارتر شده است. موضع شیلی با توجه به روابط نامتوازنش با هر دو قدرت، حفظ فاصله برابر و عمل‌گرایی در برابر این دو قدرت بوده است. البته با توجه به نقش مهم حزب کمونیست شیلی در دولت جدید و نزدیکی بیشتر آن به چین ممکن است این چهارچوب سیاستی تغییر یابد.

برداشت‌ها: افکار عمومی شیلی در نقطه عطف خود قرار گرفته است

لازم به ذکر است که هنگام بررسی دیدگاه‌ها نسبت به چین در شیلی باید بین گفتمان رسمی مقامات شیلی و گروه‌های نخبگان غیررسمی تمایز قائل شویم. گفتمان رسمی با نگرش مثبت نسبت به چین عجین شده است و سیاست شیلی به‌عنوان اولین کشوری که در آمریکای لاتین با چین «روابط ویژه» برقرار کرده است را تحسین می‌کند. این نوع

1. Huawei's Data Center

2. Aisino

۳. اصطلاحی است که به منطقه‌ای جغرافیایی در جنوب آمریکای لاتین اشاره دارد که در زیر مدار رأس‌الجدی قرار گرفته است. این منطقه شامل همه سطح کشورهای آرژانتین، شیلی و اروگوئه می‌شود. در برخی موارد، کشور پاراگوئه و بخش جنوبی برزیل را نیز جزئی از این منطقه به شمار می‌آورند.

دیدگاه از پیشگام بودن شیلی در ایجاد روابط با چین سرچشمه می‌گیرد: در سال ۱۹۷۰، شیلی اولین کشور در آمریکای جنوبی و دومین کشور در سطح آمریکای لاتین بود که روابط دیپلماتیک با چین برقرار کرد. در سال ۱۹۸۲، شیلی اولین کشور آمریکای لاتین بود که با سرمایه‌گذاری خطرپذیر مشترک با چین موافقت کرد و همچنین شیلی اولین کشور آمریکای لاتین بود که از ورود چین به سازمان تجارت جهانی در سال ۱۹۹۹ حمایت کرد و سپس چین را به‌عنوان یک اقتصاد بازاری در سال ۲۰۰۴ به رسمیت شناخت و در سال ۲۰۰۵ نیز توافقنامه تجارت آزاد (FTA)^۱ را با این کشور امضا کرد. این کشور دارای بیشترین تعداد اهرم‌های ارتباطی و همکاری با چین در سطح منطقه است.

اگرچه گفتمان رسمی نخبگان سیاسی و دیپلماتیک بیانگر نگرش مثبتی نسبت به چین هستند، اما نوعی گفتمان غیررسمی نیز وجود دارد. با توجه به این‌که توانایی‌ها و قدرت دو کشور شیلی و چین در زمینه‌های مختلف (ژئوپلیتیک، دیپلماتیک، سیاسی، اقتصادی و ...) برابر نیست، برداشت‌های برخی نخبگان شیلی در گفتمان غیررسمی بر بی‌اعتمادی و ترس آن‌ها نسبت به چین دلالت دارند. شیلی در سال ۲۰۱۶ با ارتقای سطح روابط خود با چین به «همکاری راهبردی جامع» موافقت کرد. با این حال، لازمه ارتقای سطح روابط بین این دو کشور این بود که مقامات چینی باید جلسات هماهنگی را با هم‌تایان خود در وزارتخانه‌های کلیدی شیلی مانند وزارت معدن و کشاورزی برگزار می‌کردند. در گفتمان غیررسمی، نخبگان نسبت به چنین ارتباطاتی بی‌اعتماد بودند که از نوع نگرش آن‌ها نشأت می‌گرفت.

بازیگران سیاسی و دانشگاهی نیز نسبت به تقویت بُعد نظامی در روابط دوجانبه چین و شیلی نگران هستند. آن‌ها افزایش همکاری نظامی با چین، منافع چین در قطب

1. Free Trade Agreement

جنوب به عنوان یک نقطه کلیدی ژئوپلیتیکی، تمرینات نظامی مشترک و فروش یا اهدای تجهیزات نظامی چین به شیلی را به عنوان چند نمونه از این نگرانی‌ها ذکر می‌کنند.

در بخش شرکت‌ها، نگرش مثبت یا منفی نسبت به چین با میزان موفقیتی که چین برای کسب و کارها به ارمغان می‌آورد و یا میزان فرصتی که چین در اختیار کسب و کارها قرار می‌دهد، ارتباط مستقیم دارد. در میان انجمن‌های تجاری بزرگ (صادرکنندگان مواد خام و واردکنندگان تولیدات چینی)، چین-به‌ویژه پس از توافقنامه تجارت آزاد و افزایش تقاضا برای مواد خام-به‌عنوان «منشأ فرصت‌ها» تلقی می‌شود. اما در میان شرکت‌های کوچک

■ **برداشت‌ها**
نسبت به چین با
میزان موفقیتی
که چین برای
کسب و کارها به
ارمغان می‌آورد،
ارتباط مستقیم
دارند

و متوسط (SMEs)^۱، دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به چین مشاهده می‌شود. به عنوان مثال، در بخش شرکت‌های بومی تولیدکننده کفش که به دلیل رقابت محصولات چین تقریباً نابود شده‌اند، دیدگاه منفی نسبت به چین در شدیدترین حالت خود قرار دارد. اگرچه برداشت‌های متفاوتی در بخش‌های مختلف وجود دارد، اما یک وجه مشترک بین آن‌ها وجود دارد و آن این است که چین به دلیل متغیرهای مختلف اقتصادی و فرهنگی دخیل در فرآیندهای تجاری، شریک قوی و پیچیده‌ای است که روز به روز قوی‌تر و پیچیده‌تر می‌شود.

نظرسنجی «آمریکا و جهان»^۲ در سال ۲۰۱۴ نشان داد که ۲۵ درصد مردم شیلی، چین را «کشور دوست» و ۶۷ درصد آن را «کشور شریک» می‌دانند. نظرات مساعد نسبت به چین در نحوه ارزیابی شیلیایی‌ها از نفوذ چین در کشورشان نیز دیده می‌شود: در سال ۲۰۱۳، ۷۵ درصد معتقد بودند که چین تأثیر بسیار مثبت یا مثبتی در شیلی دارد و تنها ۸ درصد

1. Small and Medium-sized Enterprises
2. The Americas and the World Survey

از آن‌ها به تأثیر بسیار منفی یا منفی چین در شیلی معتقد بودند (CIDE، 2014). این روند همچنان نیز در کشور شیلی ادامه دارد. اخیراً، چین راهبردی را برای تقویت وجهه مثبت خود در رسانه‌های شیلی (اختصاص بودجه برای درج اخبار مثبت در مطبوعات محلی راجع به چین) اتخاذ کرده است که باعث افزایش نفوذ فرهنگی چین شده است. شیلی همچنین شاهد موج اخیر مهاجرت چینی‌ها بوده است و به عبارتی، این کشور در سال ۲۰۱۰ جزء ۱۰ جریان مهاجرتی مهم بوده است.

با این حال، شیوع کووید-۱۹ نقطه عطفی در برداشت‌های مثبت درباره «رونق چین» در طول دهه اخیر بوده است. افکار عمومی به شکل گسترده‌ای چین را «مقصر» این همه‌گیری می‌دانند و چین تلاش می‌کند تا با «دیپلماسی ماسک و واکسن» که موضوعی مورد بحث در محافل مختلف است، به وجهه خود بهبود بخشد. علاوه بر آن، در مورد اعطای امتیازات کلیدی توسط چین (مانند گذرنامه در سازمان ثبت احوال) که بعداً لغو شدند نیز برداشت‌های منفی وجود داشته است.

در هر صورت، این مسئله مهم را نیز باید در نظر داشت که براساس بررسی «چین در جهان ۲۰۲۲»^۱، شیلی در میان ۱۵ کشوری قرار دارد که در زمینه رسانه‌ها، اقتصاد و سیاست‌های محلی از چین بیشترین تأثیر را پذیرفته است و بنابراین این مسئله تأثیر روشنی بر نگرش مردم شیلی نسبت به چین دارد.

چشم‌انداز: عمل‌گرایی مداوم، عدم توازن روبه‌رشد و نگرش‌های متغیر نسبت

به چین

عمل‌گرایی مبتنی بر روابط اقتصادی و تجاری اساس و بنیاد سیاست دولت شیلی در قبال چین را تشکیل می‌دهد. این عمل‌گرایی ممکن است با ائتلاف چپ میانه

1. China in The World 2022

روابط پیشگام شیلی با چین در حال تبدیل شدن به وابستگی است

رئیس‌جمهور بوریچک ادامه یابد. اما با توجه به بی‌ثباتی نهادی شیلی، قانون اساسی جدیدی که مناطق به‌موجب آن از اختیارات بیشتری برخوردار می‌شوند (در راستای همه‌پرسی در دوره رئیس‌جمهور قبلی) و بحران‌های اقتصادی و مالی بالقوه می‌توان گفت که عدم توازن در روابط دوجانبه چین و شیلی به احتمال زیاد شدیدتر خواهد شد. دولت فعلی به حزب کمونیست شیلی که به حزب کمونیست چین بسیار نزدیک است و دیدگاه مطلوبی نسبت به چین دارد، نقشی کلیدی داده‌است.

■ سرمایه‌گذاری

چینی‌ها در
شیلی موجب
ایجاد مجموعه
برداشت‌های
منفی شده‌است

رشد سرمایه‌گذاری چینی‌ها در شیلی موجب ایجاد مجموعه برداشت‌های منفی و انتقادات عمومی شده‌است. نمایندگان پارلمان (از احزاب چپ و راست) به رهبری جیمی نارانجو^۱ از حزب سوسیالیست (PS)^۲ و میگوئل ملادو^۳ از حزب تجدد ملی (RN)^۴ نسبت به این مسئله که شرکت استیت گرید^۵ (شرکت برق دولتی

چین) اکنون بیش از نیمی از بازار توزیع برق شیلی را کنترل می‌کند، اظهار نگرانی کرده‌اند. این نمایندگان لایحه‌ای تنظیم کرده‌اند که بر ماهیت راهبردی بخش برق و نگرانی‌های آن‌ها مبنی بر این که شرکت استیت گرید اطلاعات شخصی ۴ میلیون مشتری را در اختیار دارد، تأکید می‌کند. آن‌ها این‌گونه استدلال می‌کنند که این اقدام آن‌ها «علیه دولت چین نیست، بلکه علیه هر کشوری» است که بخواهد چنین سهم بزرگی در هر حوزه‌ای داشته باشد. نمایندگان پارلمان شیلی معتقدند این قانون یک قانون ضدسرمایه‌گذاری نیست، زیرا شرکت‌های خصوصی را هدف قرار نمی‌دهد. بنا به اذعان آن‌ها، (وقتی دولت دیگری چنین

1. Jaime Naranjo
2. Partido Socialista
3. Miguel Mellado
4. Renovación Nacional
5. State Grid

سرمایه‌گذاری انجام می‌دهد، بحث بسیار متفاوت می‌شود و به همین دلیل هم لازم است تمهیداتی برای جلوگیری از هرگونه آسیب یا غافلگیری شیلی در آینده در نظر گرفته شود». چین در حال حاضر به‌عنوان صادرکننده کالاهای تولیدی از طریق سرمایه‌گذاری خارجی بر شیلی تأثیر می‌گذارد و همچنین به‌عنوان خریدار مواد خام، وابستگی شیلی به صادرات کالاهایی خاص (به‌ویژه مس) را تشدید می‌کند. چین به‌عنوان سرمایه‌گذار در زمینه زیرساخت‌ها با هدف اطمینان از دسترسی به بازارها، مواد خام و منابع انرژی موردنیاز خود چنین کاری انجام می‌دهد. اگرچه سرمایه‌گذاری چین در برخی زمینه‌ها مانند بخش انرژی اهمیت پیدا کرده است، اما مشارکت چین در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در مقایسه با ایالات متحده و سایر کشورهای غربی که از دیرباز در شیلی نفوذ دارند، محدود است.

چین برای استفاده از قدرت نرم خود در جهت تاثیرگذاری بر دیدگاه عمومی در شیلی به ابزارهای مختلفی متوسل شده است. بررسی نفوذ چین در رسانه‌ها از طریق اختصاص بودجه به مطبوعات محلی و همچنین نفوذ چین در بخش دانشگاهی برای مقابله با تحلیل‌های انتقادی از طریق تأمین مالی پروژه‌ها، بورسیه‌ها یا زیرساخت‌ها (حتی در سطح دانشگاه‌های دولتی) شایان توجه است.

در پایان باید به این نکته اشاره کرد که افزایش سرمایه‌گذاری چینی‌ها در بخش‌های راهبردی مانند انرژی، معدن، فناوری و مخابرات، بانک‌داری و سلامت موضوعی درخورتوجه است. دو نمونه مهم از این سرمایه‌گذاری‌ها عبارتند از: تأمین تأسیسات «پرکردن و بسته‌بندی واکسن» برای تبدیل واکسن‌های بسته‌بندی نشده به واکسن‌هایی با دوز استاندارد و بسته‌بندی شده توسط شرکت سینوواک^۱ و اعطای پنج

1. Sinovac

روابط پیشگام شیلی با چین در حال تبدیل شدن به وابستگی است

سه‌میه بهره‌برداری از منابع لیتیوم شرکت شیلیایی SpA10 به شرکت چینی سازنده باتری خودرو یعنی بی‌وای‌دی^۱ در ژانویه ۲۰۲۲. لازم به ذکر است که این شرکت چینی اتوبوس‌های برقی برای شبکه اتوبوس‌های عمومی سانتیاگو، RED Metropolitana de Movilidad، را تأمین می‌کند.

واکنش شیلی نسبت به مناقشه روسیه و اوکراین: معضلات دولت بوریکی

مناقشه روسیه و اوکراین در شرایط عدم اطمینان جهانی در جهان رخ داده است. «این عدم اطمینان جهانی ناشی از عوامل متعددی است: نرخ نابرابر واکسیناسیون علیه بیماری کروناویروس (کووید-۱۹) و انواع جدید ویروس؛ فشار تورمی و مشکل در حفظ بسته‌های محرک مالی؛ تنش‌ها و خطرات تجاری در بخش املاک و مستغلات چین؛ اختلال در زنجیره‌های تأمین و افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل؛ و رویدادهای شدید ناشی از تغییرات آب‌وهوایی».

موضع شیلی در مورد مناقشه روسیه و اوکراین متغیر بوده است. در روز آغاز این مناقشه در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲، سباستین پینیرا^۲، رئیس‌جمهور وقت، مناقشه روسیه را محکوم کرد و گفت: «این اقدامات ناقض قوانین بین‌المللی است و جان‌بی‌گناهان، صلح و امنیت را تهدید می‌کنند.» وی از روسیه درخواست کرد به کنوانسیون ژنو در مورد حقوق بشردوستانه بین‌المللی احترام بگذارد. در مقابل، سکوت بوریکی در مجلس نمایندگان کنگره ملی^۳ در آغاز دوره ریاست جمهوری وی مورد انتقاد قرار گرفت و نمایندگان کنگره ملی نگرانی خود را نسبت به سکوت رئیس‌جمهور و متصدیان طرح‌ریزی و اجرای سیاست خارجی در رابطه با مناقشه روسیه و اوکراین ابراز کردند.

1. BYD

2. Sebastián Piñera

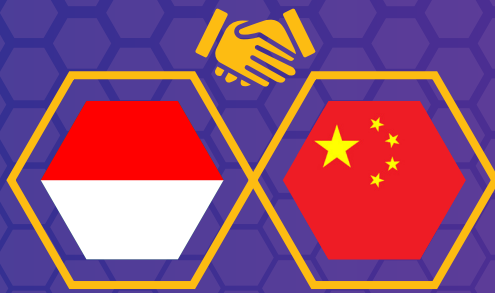
3. National Congress' Chamber of Deputies

در ائتلاف دولتی جدید، حزب کمونیست نقش کلیدی ایفا می‌کند و با رژیم‌های خودکامه احساس نزدیکی می‌کند. وزیر امور خارجه (نزدیک به حزب سوسیالیست) در ۳ می در مورد اهمیت چندجانبه‌گرایی صحبت کرد و همچنین خاطرنشان کرد منزوی کردن روسیه می‌تواند درگیری را تشدید کند. با این وجود، گزارش‌ها حاکی از آن است که در ۱ جولای ۲۰۲۲، رئیس‌جمهور بوریوک یک گفتگوی تلفنی با رئیس‌جمهور زلنسکی^۱ داشت که طی آن تمایل شیلی را برای حمایت از محکومیت روسیه در سازمان‌های بین‌المللی و ارائه کمک‌های بشردوستانه ابراز کرد. در این گفتگوی تلفنی همچنین درباره امکان اعزام متخصصان شیلیایی به اوکراین برای شرکت در عملیات مین‌زدایی صحبت شد.

پیش‌بینی‌های مبنی بر بهبود شرایط اقتصادی شیلی بعد از همه‌گیری کرونا در سال ۲۰۲۲ تحت تأثیر مناقشه روسیه و اوکراین قرار خواهد گرفت و عدم اطمینان عامل کلیدی خواهد بود که فعالیت اقتصادی ملی شیلی را تضعیف خواهد کرد. تداوم این مناقشه برای مدت طولانی با یک سناریوی تورمی پیچیده و افزایش قیمت مواد غذایی، حمل‌ونقل و انرژی همراه خواهد بود که این امر به نوبه خود می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر اقتصاد شیلی داشته باشد. یکی از تأثیرات اصلی تداوم این مناقشه نیز بحران جهانی غذا خواهد بود.

بنابراین، «(...) طرح مالی دقیق برای تکمیل سیاست پولی [ضروری] است که می‌تواند اثرات تورمی را کاهش دهد. اما با توجه به وعده‌های متعدد دولت جهت اصلاحات اجتماعی، این تعدیل مالی نیز معضل دیگری برای رئیس‌جمهور بوریوک خواهد بود.

1. Zelenskiy



اندونزی با احتیاط آغوش
خود را برای چین می‌گشاید

برگه اطلاعات کشور اندونزی

پروژه‌های زیرساختی و شرکت‌های مادر تحت حمایت چین



۱ پروژه برق آبی باتانگ تورو، باتانگ تورو

۲ پروژه قطار سریع‌السیر جاکارتا باندونگ، خط قطار از جاکارتا به باندونگ

۳ نیروگاه A Tanjung Jati، سیربون

۴ پارک صنعتی موروالی، منطقه موروالی، سولاوسی مرکزی

سطح رسمی مشارکت (فقط با چین)	تعداد بازدیدهای سطح بالا (۲۰۱۷ - ۲۰۲۲)	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین (۲۰۱۳ - ۲۰۲۱)
مشارکت راهبردی جامع (全面战略伙伴关系)	ایالات متحده ۷ چین ۱۷	۲۷/۰۵ میلیارد دلار
تجارت دوجانبه (۲۰۲۰)	تجارت اسلحه (واردات و صادرات، ۲۰۲۱ - ۲۰۱۳)	
چین ۷۳/۴ میلیارد دلار	ایالات متحده ۹۴۶ میلیون دلار	چین ۲۶۹ میلیون دلار
ایالات متحده ۲۷/۱۹ میلیارد دلار		

منبع: MERICS, China's Ministry of Foreign Affairs, Comtrade, SIPRI, AEI China Global Investment Tracker

دو مورد از قوی‌ترین عوامل در شکل‌گیری روابط اندونزی با چین عبارتند از: سیاست داخلی و چینی‌های ساکن اندونزی که با وجود این‌که تنها ۳ درصد از جمعیت اندونزی را تشکیل می‌دهند، اما از نظر اقتصادی تأثیرگذار هستند. روابط اندونزی با چین طی ۷۰ سال گذشته به شدت تغییر کرده است و شدت تغییر روابط میان این دو کشور به گونه‌ای بوده است که این دو کشور که از دهه ۱۹۵۰ تا سال ۱۹۶۵ متحدان نزدیک یکدیگر بودند در سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۶۶ به دشمنان یکدیگر تبدیل شدند و سپس همچون شرکایی دور در سال‌های ۲۰۱۴-۱۹۹۰ به روابط خود ادامه دادند تا به شراکت صمیمانه کنونی خود رسیدند. چینی‌های ساکن اندونزی اغلب در ترویج یا ممانعت از روابط اندونزی با چین نقش داشته‌اند.

وضعیت کنونی: جریان تجاری پایدار و همکاری امنیتی محدود

چین از زمان امضای مشارکت راهبردی اندونزی و چین در سال ۲۰۰۵ تاکنون بزرگ‌ترین شریک تجاری اندونزی بوده است. جریان‌های تجاری بین این دو کشور به طور پیوسته افزایش یافته و در سال ۲۰۰۸ به کسری تجاری فزاینده‌ای برای اندونزی تبدیل شده است. بخش اعظم صادرات اندونزی را کالاهای واسطه‌ای (۳۷/۳۳ درصد) و مواد خام (۳۳/۴۳ درصد) تشکیل می‌دهند. کالاهای واسطه‌ای (۳۱ درصد) و سپس کالاهای مصرفی (۱۸/۷۹ درصد) نیز قسمت اعظم واردات اندونزی از چین را به خود اختصاص می‌دهند. به طور کلی، سرمایه‌گذاری دو طرفه میان این دو کشور محدود بود تا زمانی که رئیس‌جمهور جوکو ویدودو^۱ و رئیس‌جمهور شی جین‌پینگ (که روابط شخصی نزدیکی دارند) این نوع سرمایه‌گذاری‌ها را تقویت کردند و این امر نیز به افزایش سرمایه‌گذاری تحت طرح یک کمربند- یک راه چین منجر شد و سرمایه‌گذاری ورودی از چین از جمله

1. Joko Widodo

هنگ‌کنگ به اندونزی در سال ۲۰۲۰-۲۰۱۹ پس از سنگاپور در رتبه دوم قرار گرفت. سرمایه‌گذاری چین در اندونزی در بخش معدن و انرژی متمرکز است و تا سال ۲۰۲۱، اندونزی دارای بیشترین تعداد نیروگاه‌های زغال‌سنگ‌سوز در خارج از کشور بوده است که تمامی آن‌ها توسط کشور چین ساخته شده‌اند.

عموم مردم اندونزی نگرانی‌های فزاینده‌ای در رابطه با هجوم کالاهای چینی و کارگران مهاجر و همچنین ناتوانی اندونزی در استفاده از فرصت‌های تجاری در بازار چین دارند. بزرگ‌ترین پروژه سرمایه‌گذاری چین (راه‌آهن پرسرعت جاکارتا-باندونگ) به دلیل تأخیر در پروژه و افزایش هزینه‌ها بحث‌برانگیز شده است.

نقش چینی‌های ساکن اندونزی را نمی‌توان نادیده گرفت، زیرا آن‌ها بازیگران اصلی در روابط اقتصادی بین دو کشور هستند و احتمالاً این دسته از افراد بیشترین سود را از این روابط برده‌اند. نارضایتی از سرمایه‌گذاری چینی‌ها با شرایطی نابرابر شامل چینی‌های ساکن اندونزی نیز می‌شود و می‌تواند باعث ایجاد اختلاف سیاسی داخلی شود.

■ چینی‌های ساکن اندونزی بازیگران اصلی در روابط اقتصادی اندونزی با چین محسوب می‌شوند

در حوزه امنیتی، دو کشور برنامه‌های متعددی برای اعتمادسازی ایجاد کرده‌اند که به‌عنوان نمونه می‌توان به گفتگوی سالانه مشاوره امنیتی دفاعی اندونزی و چین^۱ (که در سال ۲۰۰۶ تأسیس شد)، اجلاس شیانگ‌شان^۲ و نشست وزرای دفاع آسه‌آن پلاس (ADMM Plus)^۳ اشاره کرد. گفتنی است علیرغم امضای توافق‌نامه‌های متعدد درباره توسعه مشترک صنایع دفاعی، تبادل و آموزش افسران نظامی و تمرین نظامی مشترک

1. Annual Indonesia-China Defense Security Consultation Talk

2. Xiangshan Forum

3. ASEAN Defense Ministerial Meeting Plus

در سال ۲۰۰۸ و امضای مشارکت راهبردی جامع در سال ۲۰۱۳، همکاری امنیتی بین دو کشور بسیار محدود است. دلایل اصلی این امر شامل بی‌اعتمادی مداوم ارتش اندونزی نسبت به چین و نگرانی عمومی درباره رفتار تهاجمی چین در دریای جنوبی چین^۱ است. حوادث مکرر در دریای ناتونا اندونزی^۲ (همسایه دریای جنوبی چین) باعث ایجاد ترس نسبت به احتمال خطری شده است که چین ممکن است برای قلمرو اندونزی ایجاد کند. خطر عملیات تروریستی اویغور در اندونزی یکی دیگر از نگرانی‌های امنیتی است. با این حال، اندونزی هم چین و هم روسیه را به عنوان شرکای امنیتی جایگزین در نظر می‌گیرد تا بتواند در روابط دشوار خود با ایالات متحده و متحدان غربی آن تعادل برقرار کند. به طور کلی، کشورهای غربی به دلیل استانداردهای دوگانه خود در مواجهه با حقوق بشر به عنوان کشورهای متظاهر و ریاکار شناخته می‌شوند. مداخلات و براندازی‌هایی که مرتباً به رهبری ایالات متحده در کشورهای در حال توسعه رخ می‌دهند نیز غیرمحبوب هستند. اندونزی با توجه به تجارب تلخ قبلی خود و روابط دور با کشورهای غربی به سمت جستجوی شرکای امنیتی دیگر سوق پیدا کرده است.

ژئوپلیتیک: رقابت فزاینده آمریکا و چین باعث ایجاد سازوکارهای حفاظتی

جدید می‌شود

اندونزی تجربه تلخی از روابط خود با آمریکا و چین دارد. همان‌طور که اغلب در هنگام رقابت قدرت‌های بزرگ اتفاق می‌افتد، اندونزی در تلاش است تا سیاست «مستقل و فعال» (به اندونزیایی aktif bebas) را در پاسخ به رقابت راهبردی ایالات متحده و چین اعمال کند. رقابت ایالات متحده و چین فرصت‌ها و همچنین چالش‌هایی را برای اندونزی به دنبال دارد.

1. South China Sea
2. Indonesia's Natuna Sea

پکن به‌طور فعالانه نسبت به اجرای پروژه‌های زیرساختی و سرمایه‌گذاری از طریق طرح یک کمربند-یک راه اقدام کرده‌است و این در حالی است که اندونزی هیچ ابعاد اقتصادی روشنی در راهبرد واشنگتن با عنوان راهبرد هند و اقیانوس آرام^۱ مشاهده نکرده‌است. با این حال، متحدان ایالات متحده مانند ژاپن، اتحادیه اروپا و استرالیا به دنبال تقویت روابط اقتصادی خود با اندونزی هستند. این کشورها به‌عنوان جایگزینی برای چین تلقی می‌شوند و از این رو، جاکارتا راهبرد پوشش ریسک را اعمال می‌کند. به نظر می‌رسد که ایالات متحده ترجیح می‌دهد از دیگر کشورهای منطقه مانند سنگاپور و ویتنام در زمینه فرصت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری حمایت کند.

چین در سال ۲۰۲۱ ابتکار توسعه جهانی (GDI)^۲ را به منظور ترویج همکاری در زمینه کاهش فقر و تحقق اهداف توسعه پایدار سازمان ملل (SDGs)^۳ راه اندازی کرده‌است. چین در ابتکار جهانی جدید به دنبال آن است تا به جاه‌طلبی‌های خود در عرصه بین‌المللی و نقش‌آفرینی به‌عنوان یک «قدرت بزرگ» تأکید کند و همزمان منافع عمومی جهانی را مدنظر داشته باشد. هشت حوزه موردتوجه در ابتکار توسعه جهانی با چشم‌انداز ۲۰۲۵ جامعه آسه‌آن^۴ و برنامه‌های توسعه اندونزی^۵ هم‌راستا هستند. این ابتکار را می‌توان با چشم‌انداز آسه‌آن در هند و اقیانوس آرام (AOIP)^۶ که تحت حمایت اندونزی است نیز ادغام کرد تا مؤثرتر واقع شود.

دولت اندونزی تمایل دارد در رقابت ژئوپلیتیکی بی‌طرف باشد. تجربه تاریخی نشان داده‌است که ایالات متحده و چین به یک اندازه قادر به تهدید تمامیت ارضی و امنیت

1. Washington's Indo-Pacific Strategy
2. Global Development Initiative
3. Sustainable Development Goals
4. ASEAN's Community Vision 2025
5. Indonesian Development Programs
6. ASEAN Outlook on the Indo-Pacific

■ **ایجاد ثبات**
منطقه‌ای از طریق
گفتمان و اعتماد
متقابل هدف
اصلی دیپلماسی
اندونزی محسوب
می‌شود

اندونزی هستند. شایان ذکر است چشم‌انداز آسه‌آن در هند و اقیانوس آرام با هدف متعادل کردن راهبرد هند و اقیانوسیه کشورهای عضو ائتلاف چهارگانه موسوم به کوآد^۱ (شامل ژاپن، استرالیا، هند، آمریکا) برای مهار کردن چین توسط جاکارتا پیشنهاد شده است: اندونزی به دنبال تبدیل نقاط تنش‌زا به مناطقی برای همکاری و مشارکت دادن چین در این همکاری‌هاست و در پی حذف

این کشور نیست. اندونزی همچنین در مورد ائتلاف آکوس^۲ ابراز نگرانی کرده است، زیرا می‌ترسد این اتحاد ضدچینی باعث گسترش سلاح‌های هسته‌ای در اقیانوس آرام شود و امنیت کلی منطقه را تهدید کند و اندونزی را نیز به خطر بیندازد. با این حال، اگرچه جاکارتا از استقبال علنی از حضور ایالات متحده در دریای جنوبی چین اجتناب می‌کند، اما به حمایت ایالات متحده و متحدانش در برابر تهاجم چین نیاز دارد. ایجاد یک منطقه باثبات از طریق گفتمان و اعتماد متقابل هدف اصلی دیپلماسی اندونزی محسوب می‌شود. قدرت‌های فرامنطقه‌ای بزرگ از همکاری استقبال می‌کنند، اما هرگز زیر سلطه دیگران نمی‌روند و اجازه نمی‌دهند دیگران خواسته‌هایشان را به آن‌ها تحمیل کنند.

برداشت‌ها: آمیزه‌ای از احترام، شک و احتیاط

برداشت اندونزی از چین و چینی‌ها موضوع مهمی است که به‌طور قابل توجهی بر روابط دوجانبه میان چین و اندونزی تأثیر می‌گذارد. گفتمان عمومی در اندونزی با آزادی کامل کشور چین، شهروندان جمهوری خلق چین و نسل‌های بعدی چینی‌های ساکن اندونزی را به یک چشم می‌نگرد. اما تشدید سیاست‌های هویتی در اندونزی باعث شده است اقلیت چینی اندونزیایی و همچنین شهروندان جمهوری خلق چین تحت فشار قرار داده شوند.

1. Quad's Indo-Pacific Strategy

۲. ائتلاف آکوس (AUKUS) یک پیمان امنیتی سه‌جانبه بین استرالیا، ایالات متحده و بریتانیا است.

اندونزیایی‌ها توسعه حیرت‌انگیز و غنای فرهنگی چین را تحسین می‌کنند، اما از تسلط چین بر اقتصاد اندونزی نیز می‌ترسند و نگران قاطعیت چین در دریای جنوبی چین هستند. در مورد تأثیر ظهور چین و افزایش قدرت آن تردید وجود دارد و برداشت‌های مربوط به سلطه اقتصادی چین در هر دو سطح عمومی و نخبگان دیده می‌شود. با این حال، برداشت‌های نخبگان متفاوت است و از گروه‌های نظامی و ضدکمونیستی که چین را تهدید می‌دانند تا تکنوکرات‌ها و بوروکرات‌های میانه‌رو که به چالش‌ها و فرصت‌های ناشی از ظهور چین واقف هستند، متغیر است. چینی‌های ساکن اندونزی در عرصه تجارت به چین علاقه دارند و بسیاری از آن‌ها در دهه‌های اخیر نسل جوان را برای کار یا تحصیل به چین فرستاده‌اند. در میان نخبگان و حامیان رئیس‌جمهور ویدودو نیز هیچ موضع‌گیری خاصی راجع به چین وجود ندارد، زیرا برخی از آن‌ها خوش‌بینانه به چین می‌نگرند و برخی دیگر نسبت به پکن مشکوک هستند.

در برخی از مطالعات، برداشت‌های اندونزی از چین در مواردی خاص نشان داده شده است. مطالعه درباره طرح یک کمربند-یک راه چین نشان داد که دیپلمات‌های اندونزیایی تا حد زیادی برداشت منفی از نیت چین داشتند، اما با این وجود از این طرح استقبال کردند و خوش‌بین بودند که به نحوی به سود اندونزی خواهد بود. همکاری اقتصادی دوجانبه‌ای که قرار بود از طریق طرح یک کمربند-یک راه شکل بگیرد، به دلایل متعددی محدود شده است. هجوم کارگران چینی جهت اجرای پروژه‌ها در اندونزی، ترس از تسلط اقتصادی چین، موضع تهاجمی این کشور در دریای ناتونای شمالی و مسئله چینی‌های ساکن اندونزی از جمله این دلایل به شمار می‌آیند. در دوران همه‌گیری کووید-۱۹، اندونزیایی‌ها احساسات مثبت و خوشبینانه‌ای نسبت به چینی‌ها ابراز کردند، زیرا این کشور سخاوتمندترین کشور در ارائه تجهیزات پزشکی، داروها و واکسن‌ها بود.

چنانچه سلطه اقتصادی و نفوذ سیاسی چین افزایش یابد، از تاکتیک‌های قوی در دریای جنوبی چین استفاده کند، به بدرفتاری با جمعیت مسلمان اویغور در شین جیانگ ادامه دهد و یا در سیاست داخلی اندونزی مداخله کند، ممکن است این تصورات و احساسات مثبت از بین برود. از میان سایر محرک‌های احتمالی برای ایجاد احساسات منفی می‌توان به هجوم عمده کارگران چینی، هرگونه تشدید سیاست هویتی در اندونزی یا تغییر در سیاست چین در رابطه با چینی‌های خارج از کشور اشاره کرد.

چشم‌انداز: تأکید اندونزی بر جنوب جهانی فرصت‌های دیپلماتیک برای چین

فراهم می‌کند

به‌طور کلی، هم مخاطبان داخلی و هم جامعه بین‌المللی دولت اندونزی تحت ریاست جمهوری ویدودو را شریک نزدیک چین در دوران ریاست جمهوری شی جین‌پینگ می‌دانند که به نظر می‌رسد رابطه شخصی این دو فرد علت آن باشد. با این حال، نگرانی عموم مردم در مورد سلطه اقتصادی چین، قدرت نیروی دریایی این کشور و بدرفتاری آن با اویغورها چنان حساس و مهم شده‌است که مانع از تلاش‌های دولت برای گسترش روابط اقتصادی با چین شده‌است.

■ موضوع
منطقه‌های و
جهانی اندونزی
این نیست که
چین را طرد کند

موضع منطقه‌ای و جهانی اندونزی این نیست که چین را طرد کند، موضعی که با اصل سیاست خارجی آن یعنی «مستقل و فعال» منطبق است. موضع اندونزی منطقی و عمل‌گرایانه است، زیرا غول آسیایی به موتور رشد اقتصادی جهانی تبدیل شده و فرصت‌های

بیشتری را نسبت به سایر قدرت‌های بزرگ ارائه می‌دهد. به‌علاوه، کشور چین از طریق ابتکار توسعه جهانی تمایل و آمادگی بیشتر خود برای تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ مسئولیت‌پذیر که منافع عمومی جهانی تأمین می‌کند را اعلام کرده‌است. پذیرش قدرت

فزاینده چین و همکاری برای مقابله با تهدیداتی که چین ایجاد می‌کند، منطقی‌تر به نظر می‌رسد. در واقع، محکومیت و طرد چین به رقابت‌های قدرت‌های بزرگ دامن می‌زند که در نهایت این مسئله منافع اندونزی را به خطر می‌اندازد.

با این وجود، اندونزی باید به اعمال فشار (دوستانه) بر چین ادامه دهد، زیرا اندونزیایی‌ها نمی‌خواهند شاهد تقلید یک قدرت در حال رشد از رفتارهای سلطه‌طلبانه و نامقبول ایالات متحده در چند دهه گذشته باشند. حمایت آمریکا از رژیم اشغالگر قدس و مداخلات در بسیاری از کشورها به ویژه کشورهای مسلمان برای رسیدن به اهداف اقتصادی و راهبردی خود افکار عمومی اندونزی را نسبت به آن منفی کرده است. نپذیرفتن رفتارهای سلطه‌طلبانه دلیل نگرش محتاطانه عموم مردم اندونزی نسبت به چین است. با این حال، انتقاد چین از رفتار معمولاً غیرمنصفانه و یک‌جانبه ایالات متحده می‌تواند به تدوین اصول اخلاقی درست برای یک قدرت بزرگ مقبول‌تر در عرصه جهانی کمک کند. در رابطه با مسائل زیست‌محیطی و تغییرات آب‌وهوایی، چین تمایل خود برای پیروی از هنجارهای بین‌المللی و پیشگام شدن در برخی از اقدامات اقلیمی را نشان داده است.

اندونزی باید در سیاست خارجی خود با دقت عمل کند تا از متمایل شدن به سوی هر قدرت بزرگی اجتناب کند. علاوه بر آن، این کشور برای کاهش وابستگی خود باید به ارتقای توسعه ملی مبادرت ورزد و به شریکی برابر تبدیل شود. به طور کلی، اندونزیایی‌ها همکاری با شرکای جنوب شرقی آسیا برای تقویت مرکزیت آسه‌آن و همچنین همکاری با سایر کشورها برای تقویت حکمرانی جهانی را روشی مناسب جهت اتخاذ رویکردی مشارکتی‌تر در ایجاد نظم جهانی جدید و منصفانه‌تر قلمداد می‌کنند.

واکنش اندونزی نسبت به مناقشه روسیه و اوکراین: نتیجه راهبرد ژئوپلیتیک

آمریکا و ناتو

اندونزی در واکنش به بحران اوکراین محتاطانه عمل کرده است. در حالی که اندونزی مخالف مناقشه روسیه و اوکراین و اعمال زور علیه غیرنظامیان است، نخبگان و افکار عمومی اندونزی ظاهراً بر این باورند که اوکراین قربانی راهبرد ژئوپلیتیکی آمریکا و ناتو در قبال روسیه شده است. تصور عمومی این است که ایالات متحده و ناتو می‌دانستند که ناامنی‌های روسیه به اقدامات تهاجمی منجر خواهد شد.

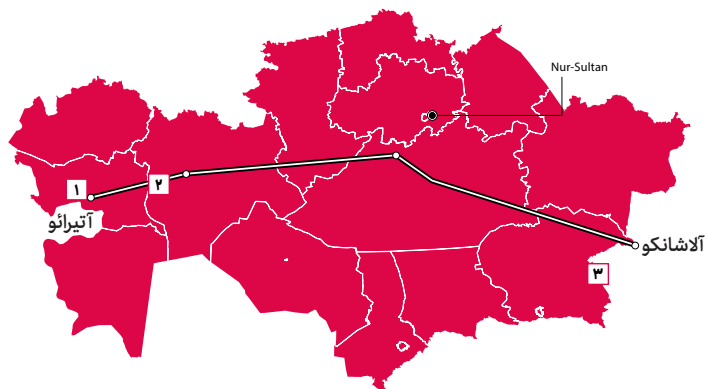
ائتلاف غربی به جای این که کشورهای فقیر در امتداد مرز روسیه را به مبارزه با ولادیمیر پوتین - رئیس‌جمهور روسیه - بطلبد، ترجیح می‌دهد آن‌ها را مسلح کند. اگرچه این بحران باعث ویرانی اوکراین و لطمه به منابع و اعتبار روسیه آسیب شده است، اما بدون شک به نفع مجتمع نظامی-صنعتی غرب است. ایالات متحده در حال حاضر در تلاش است تا به مؤسسات بین‌المللی تحمیل کند که روسیه را طرد کنند و در این راستا، فشار زیادی بر اندونزی به عنوان رئیس فعلی گروه ۲۰ وارد می‌کند. دولت اندونزی و افکار عمومی مخالف محکومیت و طرد روسیه به عنوان راهی برای مدیریت بحران هستند و معتقدند از طریق گفتمان می‌توانند با هر دو طرف منصفانه‌تر رفتار کنند. آن‌ها همچنین عقیده دارند که ریاکاری و اقدامات ضدونقیض کشورهای غربی اخیراً جالب توجه بوده است، زیرا آن‌ها واکنش یکسانی نسبت به تیراندازی رژیم اشغالگر قدس به نمازگزاران مسلمان در مسجد الاقصی (بیت المقدس) در ۱۵ آوریل ۲۰۲۲ یا به تجاوزات فراوان رژیم اشغالگر قدس به فلسطینیان در طول دهه‌های متمادی نشان نداده‌اند.



قزاقستان از نظر سیاست مبنی بر
برقراری تعادل سه جانبه بین قدرت‌های
رقیب تحت فشار قرار می‌گیرد

برگه اطلاعات کشور قزاقستان

پروژه‌های زیرساختی و شرکت‌های مادر تحت حمایت چین



۱ مجتمع یکپارچه پتروشیمی، منطقه آتیرائو

۲ خط لوله نفت قزاقستان-چین، خط لوله از آتیرائو در قزاقستان به آلاشانکو در شین جیانگ (چین)

۳ منطقه ویژه اقتصادی خورگس و بندر خشک، خورگس

سطح رسمی مشارکت (فقط با چین)

مشارکت راهبردی جامع پایدار
(永久全面战略合作伙伴关系)



تعداد بازدیدهای سطح بالا (۲۰۱۷-۲۰۲۲)

ایالات متحده	چین
۴	۱۹



سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین (۲۰۱۳-۲۰۲۱)

۸/۹۷ میلیارد دلار



تجارت دوجانبه (۲۰۲۰)

چین
۱۹/۷۲ میلیارد دلار
ایالات متحده
۱/۸۲ میلیارد دلار



تجارت اسلحه (واردات و صادرات، ۲۰۱۳-۲۰۲۱)

ایالات متحده	چین
۹ میلیون دلار	۳۶ میلیون دلار



منبع: MERICS, China's Ministry of Foreign Affairs, Comtrade, SIPRI, AEI China Global Investment Tracker

قزاقستان از نظر سیاست مبنی بر برقراری تعادل سه جانبه بین قدرت های رقیب تحت فشار قرار می گیرد

چین به عنوان یکی از بزرگترین شرکای تجاری و سرمایه‌گذار قزاقستان، روابط اقتصادی را نسبت به روابط نظامی در اولویت قرار داده است. با این حال با توجه به بی‌ثباتی در افغانستان و امنیت فزاینده شین جیانگ، چین بیشتر علاقه‌مند است که به رکن تامین‌کننده امنیت در آسیای مرکزی تبدیل شود. حضور فزاینده چین در قزاقستان نگرانی کارشناسان و عموم مردم را برانگیخته است. اگرچه تدوین سیاست‌ها در راستای افکار عمومی در رژیم اقتدارگرای قزاقستان به راحتی امکان‌پذیر نیست، اما اعتراض گسترده عمومی در برخی موارد باعث تغییر سیاست‌های این کشور نسبت به چین شده است. از آنجا که مناقشه روسیه و اوکراین باعث تقویت نقش چین به عنوان یک شریک اقتصادی خواهد شد، سیاست خارجی «چندجانبه‌گرایی» قزاقستان و راهبرد متنوع‌سازی تجاری این کشور می‌تواند با وابستگی اقتصادی بیشتر آن به چین تضعیف شود. قزاقستان باید به اقتصاد متکی به نفت و گاز خود تنوع بخشد و سرمایه‌گذاری بیشتری را به سمت فناوری‌های با ارزش افزوده هدایت کند و برای آینده‌ای با کربن پایین برنامه‌ریزی کند. ماهیت غیر قابل پیش‌بینی روسیه ممکن است راه را برای یک سیستم امنیتی جایگزین در آسیای مرکزی باز کند. افزایش تنش‌ها بین روسیه، چین و غرب می‌تواند به این معنا باشد که قزاقستان از نظر سیاست مستقل سه جانبه خود تحت فشار قرار خواهد گرفت تا از یکی از طرفین جانبداری کند.

وضعیت کنونی: قزاقستان به دلیل اقتصاد متکی به نفت و گاز خود به روسیه،

چین و غرب نیاز دارد

رابطه قزاقستان با چین به واسطه تجارت و سرمایه‌گذاری است. در سال ۲۰۲۱، چین با سهم ۱۶/۴ درصدی یکی از بزرگترین خریداران محصولات صادراتی قزاقستان بوده است و پس از روسیه به عنوان دومین واردکننده برتر محصولات قزاقستان

■ **رابطه**
قزاقستان با چین
به واسطه تجارت
و سرمایه‌گذاری
است

محسوب می‌شود که ۲۰/۲ درصد از کل صادرات قزاقستان را به خود اختصاص داده‌است. عمده محصولات صادراتی قزاقستان به چین شامل نفت و گاز، زغال سنگ، اورانیوم، سنگ آهن و روی، محصولات کشاورزی و شیمیایی می‌شوند و کالاهای صنعتی مانند مواد غذایی، کالاهای تولیدی سبک، دارو، الکترونیک و ماشین‌آلات عمده محصولات وارداتی قزاقستان از چین به شمار می‌آیند. مجموع تجارت بین دو کشور چین و قزاقستان در سال ۲۰۲۱ با افزایش ۱۵/۱۲ درصدی نسبت به سال قبل بالغ بر ۱۸/۱۹ میلیارد دلار (۱۷/۹ درصد از کل) بوده‌است که این امر نشان‌دهنده کاهش محدودیت‌های تجاری ناشی از شیوع کووید-۱۹ است.

چین چهارمین منبع بزرگ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی قزاقستان پس از هلند، ایالات متحده و سوئیس است. مجموع ورودی ناخالص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از چین، به استثنای هنگ‌کنگ، برابر با ۱۸/۹ میلیارد دلار بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۹ بوده که تقریباً ۶ درصد از کل سرمایه‌گذاری در آن زمان را دربرمی‌گرفت. بخش عمده‌ای از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین در قالب سرمایه‌گذاری مشترک در زمینه استخراج نفت و گاز و سایر مواد معدنی ارائه می‌شود و مقاصد دیگر سرمایه‌گذاری‌های چین نیز شامل صنایع تولیدی، ارتباطات و خدمات می‌باشند.

براساس داده‌های رسمی، بدهی قزاقستان به چین در آوریل ۲۰۲۱ معادل ۹/۷ میلیارد دلار و به عبارتی ۵/۹ درصد از کل بدهی خارجی آن بوده‌است که شامل بدهی‌های تضمین شده دولت به ارزش ۱/۳۹ میلیارد دلار نیز می‌باشد. قزاقستان با دریافت ۳۹/۰۱ میلیارد دلار از مؤسسات رسمی چین در فاصله سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۰۰، پنجمین دریافت‌کننده بزرگ گزنت و وام از چین است. این کشور جزء ۱۰ کشوری است که بدهی پنهان آن‌ها به چین

یا وام های صادر شده به شرکت های دولتی با ضمانت بازپرداخت ضمنی دولت میزبان) بیش از ۱۰ درصد از تولید ناخالص داخلی آن هاست.

در حوزه امنیتی، قزاقستان یکی از اعضای اصلی گروه شانگهای پنج^۱ (موسوم به سازمان همکاری شانگهای (SCO)^۲) است که در سال ۱۹۹۶ پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی برای حل و فصل اختلافات ارضی بین قزاقستان، قرقیزستان، روسیه، تاجیکستان و چین تأسیس شد. کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای تاکنون در زمینه برگزاری رزمایش های نظامی مشترک، تقویت تبادلات دانشگاهی و مبارزه با سه شریعی تروریسم، جدایی طلبی و افراط گرایی همکاری های نزدیکی داشته اند. چین به ویژه نگران این سه تهدید در رابطه با افغانستان و منطقه خودمختار اویغور شین جیانگ است. تنها پایگاه نظامی چین در آسیای مرکزی در تاجیکستان است که هم مرز با افغانستان و چین است. دولت قزاقستان با توجه به نزدیکی افغانستان و پتانسیل گروه های رادیکال برای تأثیرگذاری بر جمعیت قزاقستان که عمدتاً مسلمان هستند، منفعت مشخصی در ثبات افغانستان دارد. اذهان عمومی قزاقستان به آزار و شکنجه مسلمانان اویغور و قزاق در شین جیانگ توسط چین توجه ویژه ای دارند. از این رو، دولت قزاقستان باید بین حفظ روابط نزدیک با چین و پاسخ به تقاضای مردم برای اقدام در جهت حفاظت از اقلیت قزاق شین جیانگ تعادل برقرار کند. در همین راستا، دولت فعالان و معترضان که به دنبال اطلاعات در مورد بستگان مفقود شده در شین جیانگ بودند را سرکوب کرده است، اما همزمان یادداشت های دیپلماتیک اعتراضی را نیز به پکن ارسال کرده است.

با وجود نگرانی پکن برای ثبات در آسیای مرکزی، ارتش چین در آرام کردن اعتراضات قزاقستان در اوائل سال ۲۰۲۲ دخالت نکرد. دخالت نظامی در اعتراضات قزاقستان از

1. Shanghai Five grouping

2. Shanghai Cooperation Organization

طرف سازمان پیمان امنیت جمعی به رهبری روسیه (CSTO)^۱ هماهنگ و اجرایی شد و سازمان همکاری شانگهای به رهبری چین نقشی در آن نداشت. در واقع، پکن روایت رسمی قزاقستان مبنی بر این که اعتراضات یک انقلاب رنگی بوده که توسط نیروهای خارجی تحریک شده را پذیرفت و قول حمایت خود را برای غلبه بر مشکلات داد.

ژئوپلیتیک: قزاقستان اصول سیاست خارجی خود مبنی بر «چندجانبه‌گرایی» را

حفظ می‌کند

قزاقستان از زمان استقلال از اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ همواره سیاست خارجی چندجانبه‌گرایی را دنبال کرده است و در پی برقراری تعادل میان روابط خود با روسیه، چین و ایالات متحده بوده است. پس از اعتراضات ژانویه ۲۰۲۲، رئیس‌جمهور قاسم ژومارت توکایف^۲ اظهار داشت که قزاقستان همچنان از همکاری‌های چندجانبه با جامعه بین‌المللی استقبال خواهد کرد.

■ سیاست
خارجی قزاقستان
بر برقراری تعادل
میان روابط خود
با روسیه، چین
و ایالات متحده
مبتنی است

از نظر اقتصادی، اجرای سیاست خارجی قزاقستان مبنی بر حفظ تعادل بین نفوذ چین یا روسیه برای دفع فشارهای ایالات متحده بیش از پیش دشوار است. شورون^۳ و سایر شرکت‌های آمریکایی که ۳۰ درصد از کل نفت استخراج شده در سال ۲۰۱۹ را به خود اختصاص داده‌اند، همچنان تولیدکنندگان اصلی نفت در قزاقستان به شمار می‌آیند. در واقع، سهم این شرکت‌ها در مقایسه با ۱۷ درصد نفت تولید شده توسط شرکت‌های چینی اعم از شرکت ملی نفت چین (CNPC)^۴، ساینوپک^۵، و سیتیک‌گروپ^۶ و ۳ درصد

1. Collective Security Treaty Organization
2. Kassym-Jomart Tokayev
3. Chevron
4. China National Petroleum Corporation
5. Sinopec
6. CITIC Group

قزاقستان از نظر سیاست مبنی بر برقراری تعادل سه جانبه بین قدرت های رقیب تحت فشار قرار می گیرد

نفت تولید شده توسط شرکت روسی لوک اویل^۱ بسیار بالاتر است. ایالات متحده برای مشارکت در طرح های بخش مالی قزاقستان اقدام به اجرای پروژه ای به ارزش ۱ میلیارد دلار کرده است. این پروژه توسط شرکت مالی بین المللی توسعه آمریکا^۲ به منظور کمک به اجرای پروژه های سرمایه گذاری مشترک از طریق پلتفرم مرکز مالی بین المللی آستانه^۳ و همچنین ابتکار شبکه نقطه های آبی^۴ اجرا می شود. اگرچه این طرح ها، ابتکارات معناداری هستند، اما گردش تجاری آمریکا و قزاقستان در سال ۲۰۲۰ به ارزش ۲/۳ میلیارد دلار بوده است که در مقایسه با ۱۸/۱۹ میلیارد دلار حجم تجاری قزاقستان با چین ناچیز است. با توجه به مقیاس سرمایه گذاری، تأمین مالی و پشتیبانی زیرساختی چین نمی توان این روابط را قابل مقایسه دانست.

راهبرد قزاقستان مبنی بر همکاری با هر سه کشور (ایالات متحده، چین و روسیه) را می توان به وضوح در همکاری های نظامی این کشور مشاهده کرد. روسیه شریک نظامی اصلی قزاقستان است، اما قزاقستان از سال ۲۰۰۶ میزبان رزمایش سالانه «عقاب استپ»^۵ با همکاری ناتو بوده است که آخرین بار در سال ۲۰۱۹ قبل از همه گیری کووید-۱۹ برگزار شد. از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۲۰، ایالات متحده و چین هر یک سهم کوچک و تقریباً مساوی از کل واردات تسلیحات قزاقستان را تأمین کرده اند که در واقع سهم ایالات متحده از کل این واردات ۱/۳ درصد و سهم چین ۱/۱ درصد بوده است. ماهیت غیررسمی و سطح پایین روابط امنیتی ایالات متحده و قزاقستان به قزاقستان اجازه می دهد تا سیاست خارجی چندجانبه خود را حفظ کند و روسیه را ناراحت نکند. اگرچه نقش چین عمدتاً

1. Lukoil

2. International Development Finance Corporation

3. Astana International Financial Center platform

4. ابتکار شبکه نقطه های آبی (Blue Dot Network) توسط ایالات متحده در پاسخ به طرح یک کمربند یک راه چین راه اندازی شده است.

5. Steppe Eagle

اقتصادی بوده است، اما بی‌ثباتی افغانستان علاقه چین را به ایفای نقش امنیتی در منطقه افزایش داده است.

همانند چین، برای ایالات متحده نیز افغانستان و شین جیانگ به عنوان دو موضوع مهم امنیتی در روابط دوجانبه محسوب می‌شوند. هم ایالات متحده و هم چین نگران این هستند که تروریسم رادیکال اسلامی در افغانستان به منبع بی‌ثباتی منطقه تبدیل شود. پس از خروج نیروهای آمریکایی از سوی ایالات متحده در سال ۲۰۲۱، حل و فصل مسائل سیاسی و ثبات افغانستان درست به همان اندازه که برای کشورهای آسیای میانه و واشنگتن اهمیت داشت، برای چین و روسیه نیز اهمیت پیدا کرد. از سوی دیگر، شین جیانگ منبع تنش و تقابل سیاسی آمریکا و چین است. پمپئو^۱ وزیر خارجه وقت ایالات متحده در جریان سفر رسمی خود به قزاقستان در فوریه ۲۰۲۰ خواستار آن شد که قزاقستان نیز چین را برای پایان دادن به سرکوب اقلیت‌های مسلمان در شین جیانگ تحت فشار قرار دهد. البته او نتوانست مقامات قزاقستان را متقاعد کند که موضع سخت‌تری اتخاذ کنند، چرا که این اقدام می‌توانست تعادل در روابط خارجی قزاقستان را مختل کند.

برداشت‌ها: چین در میان نخبگان قزاقستان از محبوبیت بیشتری نسبت به

عموم مردم آن برخوردار است

اصل «سیاست گرم، عموم سرد» را می‌توان برای توصیف روابط چین و قزاقستان ابداع کرد. تشکیلات سیاسی و نخبگان تجاری رویکرد محتاطانه و همچنین طرفدارانه‌ای نسبت به چین از خود نشان می‌دهند، در حالی که عموم مردم دو دسته هستند. افکار عمومی چین را همانند مهاجران چینی می‌دانند که اغلب با دید منفی به آن‌ها نگاه

1. Pompeo

■ **نخبگان**
رویکرد محتاطانه
و طرفدارانه ای
نسبت به چین
نشان می دهند،
در حالی که عموم
مردم دو دسته
هستند

می شود. علیرغم افزایش روزافزون اعتراضات ضد چین، دولت های قزاقستان و چین از روابط باثبات و سطح بالایی برخوردارند که زیربنای این روابط را توافق دوجانبه ای تشکیل می دهد که در سال ۲۰۱۹ در زمینه مشارکت راهبردی جامع دائمی شکل دادند. اگرچه با توجه به ماهیت اقتدارگرای رژیم سیاسی قزاقستان می توان دریافت که تأثیرگذاری مستقیم دغدغه های اجتماعی بر سیاست گذاری به راحتی امکان پذیر نیست، اما اعتراض گسترده عمومی در برخی موارد

منجر به تغییر سیاست ها شده است که به عنوان نمونه می توان به تعلیق اصلاحات ارضی در سال ۲۰۱۶ اشاره کرد.

هم گروه های کارشناسی و هم مردم از افزایش حضور چین در قزاقستان ابراز نگرانی کرده اند. نظرسنجی تخصصی «پیش بینی آسیای مرکزی ۲۰۲۱» نشان داد که انتظار می رود نقش منطقه ای چین پررنگ تر شود و پکن را به سمت به چالش کشیدن موقعیت مسکو به عنوان شریک مطلوب هر پنج کشور این منطقه سوق دهد. این امر الزاما مطلوب نیست. به طور کلی، دغدغه های موجود در این زمینه عبارتند از: پذیرش احتمالی فناوری های نظارتی به سبک چین از جانب کشورهای این منطقه و تقلید از چین در سایر شیوه های مستبدانه. اظهارنظرات ثبت شده توسط نظرسنجی آسیای مرکزی^۲ نیز بر نگرانی های متعددی دلالت دارند و به بیان دقیق تر، تنها ۷ درصد از پاسخ دهندگان قزاقستان به شدت از پروژه های انرژی و زیرساختی چین در قزاقستان حمایت کرده اند و بیش از ۷۰ درصد آن ها نسبت به خریداری زمین توسط چین در کشورشان بسیار نگران بوده اند.

1. Central Asia Forecasting 2021
2. Central Asian Barometer

در سال ۲۰۱۹ و در آستانه اولین سفر رسمی رئیس‌جمهور توکایف به چین، اعتراضات ضد چین در چندین شهر گسترش یافت. تظاهرات‌کنندگان نسبت به شایعه انتقال ۵۵ کارخانه چینی^۱ به قزاقستان اعتراض کردند. معترضان به ترس از آلودگی ناشی از این کارخانه‌ها و افزایش بدهی‌ها اشاره کردند و همزمان با بدرفتاری با اویغورها و قزاق‌ها در شین‌جیانگ نیز مخالفت کردند. فهرست اولیه پروژه‌های مربوط به کارخانه در سال ۲۰۱۶ تهیه شده بود، اما در سال ۲۰۱۹ و درست پس از اعتراضات به‌طور عمومی افشا شد.

مدیریت آب فرامرزی و مسائل مربوط به مالکیت زمین نیز باعث نگرانی مردم قزاقستان شده است. دو رودخانه کلیدی یعنی ایلی^۲ و ایرتیش^۳ همچنان موردمنازعه هستند و مذاکرات در مورد مدیریت و استفاده از آب از سال ۱۹۹۹ در جریان است. علاوه بر این، حضور فزاینده چین در قزاقستان عاملی برای نگرانی‌های گسترده مردم در مورد روند پرشتاب تصاحب زمین از جانب چینی‌ها در دهه گذشته بوده است. در آوریل تا می ۲۰۱۶، مردم در چندین شهر با موفقیت به پیش‌نویس اصلاحات قانون زمین که به موجب آن خارجی‌ها مجاز بودند زمین‌های کشاورزی را به مدت ۲۵ سال به جای ۱۰ سال اجاره کنند، اعتراض کردند. نگرانی‌های مردم حول محور شهروندان چینی می‌چرخید، چرا که بسیاری از آن‌ها هم‌اکنون در زمین‌های کشاورزی اجاره‌ای در آسیای مرکزی کار می‌کنند. درنهایت، اصلاحات ارضی با توجه به این اعتراضات به حالت تعلیق درآمد.

مردم قزاقستان راه‌های کمی برای تأثیرگذاری بر سیاست‌های رسمی دارند. به عبارت دیگر، قزاقستان توسط خانه آزادی^۴ به عنوان یک رژیم استبدادی یکپارچه طبقه‌بندی

۱. ایده مبنی بر این‌گونه همکاری‌های صنعتی بین چین و قزاقستان برای اولین بار در سال ۲۰۱۴ ارائه شد که هدف آن پیوند دادن راهبرد توسعه زیرساختی قزاقستان (نورلی ژول) و طرح یک کمربند یک راه چین با یکدیگر بود.

2. Ili

3. Irtysh

4. Freedom House

قزاقستان از نظر سیاست مبنی بر برقراری تعادل سه جانبه بین قدرت های رقیب تحت فشار قرار می گیرد

می شود. با این حال، اعتراضات مربوط به مالکیت زمین در سال ۲۰۱۶ و اعتراضات ضد چین در سال ۲۰۱۹ موفقیت آمیز بوده اند و اصلاحات ارضی به حالت تعلیق درآمده و فهرست «۵۵ پروژه» در دسترس عموم قرار داده شدند. از این رو، در روابط قزاقستان با چین نمی توان افکار عمومی را به طور کامل نادیده گرفت.

چشم انداز: ایجاد تنوع اقتصادی بیش از پیش ضروری است

زمانی که رئیس جمهور توکایف در انتخابات ریاست جمهوری ژوئن ۲۰۱۹ پیروز شد و به ریاست جمهوری ۳۰ ساله نورسلطان نظربایف پایان داد، وعده داد که الگوهای سیاستی اصلی قزاقستان بدون تغییر باقی می ماند. رئیس جمهور توکایف در سیاست خارجی خود همچنان به دنبال «چندجانبه گرایی» به منظور مدیریت فشارهای روسیه، چین و ایالات متحده همراه با «دموکراسی سازی کنترل شده»^۱ و اصلاحات اجتماعی است. با این حال، رئیس جمهور توکایف در ژانویه ۲۰۲۲ که از سازمان پیمان امنیت جمعی به رهبری روسیه درخواست کرد تا در سرکوب شورش های خشونت آمیز در آلماتی^۲ - بزرگ ترین شهر و کلان شهر تجاری قزاقستان - کمک کند، ممکن است بیش از حد خود را به روسیه بدهکار کرده باشد و در نتیجه، سیاست خارجی مستقل نظربایف که به دقت تنظیم شده بود را دستخوش تشویش کرده باشد.

در حال حاضر، مناقشه روسیه و اوکراین باعث شده است قزاقستان از روسیه دور شود و به سمت چین سوق داده شود. تحریم های بین المللی علیه روسیه مشکلات اقتصادی قزاقستان را بدتر کرده است و در واقع، این مناقشه بلافاصله پس از اعتراضات ژانویه ۲۰۲۲ به فضای سرمایه گذاری لطمه زده است. از آنجایی که قزاقستان به دنبال تنوع بخشیدن به شرکای تجاری خود است، این احتمال وجود دارد که چین با توجه به نزدیکی

1. controlled democratization

2. Almaty

■ **مناقشه روسیه و اوکراین باعث شده است قزاقستان از روسیه دور شود و به سمت چین سوق داده شود.**

و برخورداری از بازار قابل توجه و مؤسسات مالی جایگزین خود بتواند نقش بیشتری در اقتصاد قزاقستان ایفا کند. ترس از تأثیر تحریم‌ها بر نفت قزاقستان که توسط خطوط لوله روسیه منتقل می‌شوند و خطر تحریم‌های ثانویه از جمله عوامل دیگری هستند که قزاقستان را به سمت چین سوق می‌دهند. با این حال، راهبرد مدیریت کووید-۱۹ چین برای قرنطینه مداوم باعث کاهش تجارت و سفر تجاری در سال جاری شده است. به طور کلی، دولت قزاقستان باید به این نکته توجه داشته باشد که آیا وابستگی اقتصادی بیشتر به چین، سیاست خارجی چندجانبه آن را به خطر می‌اندازد یا خیر.

راهبرد متنوع‌سازی تجاری و تحول ساختاری در بخش انرژی مهم‌ترین سیاست اقتصادی است که در شرایط فعلی نیاز به بازنگری دارند. طبق داده‌های آژانس بین‌المللی انرژی (IEA)^۱، قزاقستان تقریباً ۴۵ درصد از بودجه دولتی خود را از درآمدهای نفت و گاز دریافت می‌کند. این کشور نهمین صادرکننده بزرگ نفت خام و دوازدهمین صادرکننده گاز طبیعی در جهان در سال ۲۰۱۸ بوده است. تغییر الگوهای مصرف انرژی جهانی به این معنی است که قزاقستان باید سرمایه‌گذاری بیشتری را به سمت فرآوری نفت و گاز و فناوری‌های دارای ارزش افزوده برای تنوع بخشیدن به محصولات خود هدایت کند. با این حال، قزاقستان باید همزمان برای آینده‌ای کم‌کربن و توسعه منابع انرژی جایگزین برنامه‌ریزی کند.

در حوزه سیاست امنیتی، ماهیت غیرقابل پیش‌بینی روسیه و افزایش احساسات ضداستعماری در آسیای مرکزی می‌تواند منجر به فشار برای جایگزین کردن سیستم

1. International Energy Agency

قزاقستان از نظر سیاست مبنی بر برقراری تعادل سه جانبه بین قدرت های رقیب تحت فشار قرار می گیرد

امنیتی فعلی در آسیای مرکزی شود. حساسیت شدید دولت قزاقستان نسبت به افکار عمومی پس از اعتراضات ژانویه نیز می تواند در این امر نقش داشته باشد. در چنین شرایطی، چندجانبه گرایی قزاقستان می تواند اساس یک سیستم منطقه ای جدید را تشکیل دهد که هدف از آن دور شدن کشورها از روسیه برای تعامل بیشتر با چین، ترکیه، غرب و جهان عرب است. با این حال، افزایش تنش ها بین چین و غرب نیز ممکن است مانع از این شود که قزاقستان بتواند همچنان بین تعارض منافع ماهرانه عمل کند.

واکنش قزاقستان نسبت به مناقشه روسیه و اوکراین: مناقشه روسیه و اوکراین باعث

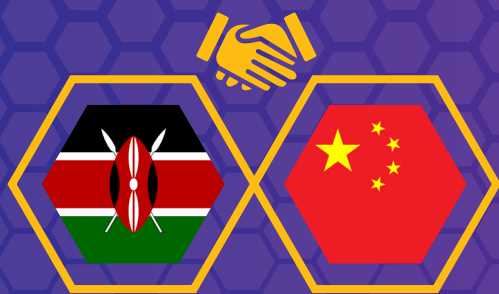
می شود که قزاقستان از نظر سیاست خارجی سه جانبه تحت فشار قرار گیرد

برای قزاقستان، مناقشه روسیه و اوکراین و ترس روزافزون مردم قزاقستان در مورد احتمال تجاوز روسیه به کشور آن ها مهم تر از رقابت ژئوپلیتیکی آمریکا و چین است. چنین نگرانی هایی بیشتر در شمال قزاقستان دیده می شود که دارای اقلیت بزرگ روسی است. قزاقستان همانند چین از انتقاد مستقیم از مناقشه روسیه و اوکراین اجتناب کرده است. با این حال، دولت قزاقستان استقلال بخش های تحت اشغال روسیه در دونباس^۱ را با استناد به قوانین بین المللی به رسمیت نشناخته و مسأله اعزام نیروهای سازمان پیمان امنیت جمعی خود به اوکراین را نفی کرده است. قزاقستان که عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا (EAEU)^۲ به رهبری روسیه است به تأثیرات فزاینده ناشی از تحریم ها واقف است. نرخ تورم بالاتر، کاهش ارزش پول و کسادی تجارت و سرمایه گذاری از جانب روسیه از جمله این تأثیرات به شمار می آیند. تأثیرات منفی بر اقتصاد متکی به نفت قزاقستان و مسیرهای وابسته به روسیه برای

1. Donbas

2. Eurasian Economic Union

تجارت انرژی قزاقستان بر ضرورت متنوع‌سازی در بخش انرژی قزاقستان و اقتصاد گسترده‌تر آن دلالت دارند. به‌منظور مقابله با خطر اتکا به نهادهای تحریم شده روسیه، قزاقستان ممکن است برای سرمایه‌گذاری و تأمین تجهیزات به چین گرایش بیشتری پیدا کند. علاوه بر این، مناقشه روسیه و اوکراین احتمالاً تلاش‌های قزاقستان برای تنوع بخشیدن به واردات و صادرات خود از طریق مسیرهای دریای خزر و دور شدن از روسیه برای کاهش تأثیرات تحریم‌ها را تسریع می‌بخشد.



روابط چین و کنیا:
مزایای اقتصادی در برابر
خطرات منطقه‌ای قرار دارند

برگه اطلاعات کشور کنیا

پروژه‌های زیرساختی و شرکت‌های مادر تحت حمایت چین



۱ منطقه ویژه اقتصادی الدورت

(پارک صنعتی)، الدورت

۲ سد چندمنظوره Thwake،

نگوسینی شرقی

۳ احداث راه‌آهن با عرض استاندارد

مومباسا- مالابا، خط قطار از

مومباسا به مالابا از طریق نایروبی

سطح رسمی مشارکت
(فقط با چین)

عدم مشارکت



تعداد بازدیدهای سطح بالا
(۲۰۱۷ - ۲۰۲۲)

ایالات متحده ۸ | چین ۸



سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین
(۲۰۱۳ - ۲۰۲۱)

۸۴۰ میلیون دلار



تجارت دوجانبه
(۲۰۲۰)

چین

۵/۰۱ میلیارد دلار

ایالات متحده

۹۰۸ میلیون دلار



تجارت اسلحه

(واردات و صادرات، ۲۰۲۱ - ۲۰۱۳)

ایالات متحده

۴۸ میلیون دلار

چین

۲۷ میلیون دلار



منبع: MERICS, China's Ministry of Foreign Affairs, Comtrade, SIPRI, AEI China Global Investment Tracker

چین و کنیا همکاری اقتصادی روبه‌رشدی با یکدیگر دارند، اگرچه تراز تجاری به شدت به نفع چین است و نگرانی‌های فزاینده‌ای در مورد پایداری بدهی در اثر وام‌های اعطایی چین به کنیا وجود دارد. روابط اقتصادی نزدیک‌تر بین چین و کنیا راه را برای گسترش همکاری امنیتی آن‌ها هموار کرده است. با این حال، رقابت ژئوپلیتیکی ایجاد شده بین چین و ایالات متحده باعث تشدید تفرق سیاسی در کشورهای شرق آفریقا و شاخ آفریقا شده است، چرا که برخی کشورها با غرب و برخی دیگر با چین همسو هستند. با وجود این فشارها، باید دید که کنیا تا چه اندازه می‌تواند به‌طور مؤثر بین چین و غرب تعادل برقرار کند. نایروبی چگونه می‌تواند روابط سودمند دوجانبه با غرب برقرار کند و در عین حال تعامل سازنده خود با چین را نیز حفظ کند؟

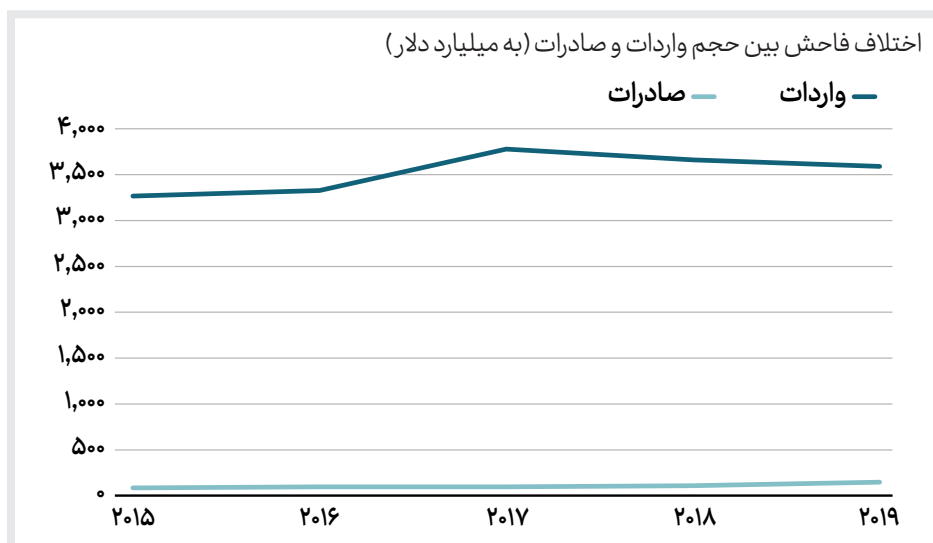
وضعیت کنونی: روابط اقتصادی بستر همکاری‌های امنیتی بیشتر را فراهم می‌کند

از سال ۲۰۱۵ تاکنون تجارت دوجانبه بین چین و کنیا در حال افزایش بوده است (به نمودار ۵ رجوع شود). ارزش کل تجارت بین دو کشور در سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹ معادل ۱۸/۲۰ میلیارد دلار بوده است که واردات کنیا از چین ۹۷ درصد بوده است، در حالی که صادرات کنیا به چین تنها ۳ درصد بوده است. بنابراین می‌توان دریافت که تراز تجاری به شدت به نفع چین است. تعامل کنیا با طرح یک کمربند- یک راه چین به‌ویژه از زمان آغاز پروژه احداث راه‌آهن با عرض استاندارد در کنیا در دسامبر ۲۰۱۴ علت اصلی افزایش واردات کنیا از چین بوده است.^۱ ادغام پروژه کریدور حمل‌ونقل بندر لامو-سودان جنوبی-اتیوپی (LAPSET)^۲ با طرح یک کمربند-یک راه نیز تأثیر قابل توجهی داشته است. افزایش

۱. پروژه احداث راه‌آهن با عرض استاندارد (فاز اول، بین مومباسا و نایروبی به طول ۴۸۸ کیلومتر) بزرگ‌ترین پروژه زیرساختی کنیا از زمان استقلال این کشور در سال ۱۹۶۳ است که ارزش آن نیز ۳/۲ میلیارد دلار است. این پروژه در دسامبر ۲۰۱۴ آغاز شد و در ژوئن ۲۰۱۷ آماده بهره‌برداری شد. این اقدام توجهی برای کاهش واردات از سال ۲۰۱۸ می‌باشد.

2. Lamu Port-South Sudan-Ethiopia Transport

جزئی صادرات کنیا در همان دوره نشان می‌دهد که صادرکنندگان کنیایی ممکن است به فرصت‌های پایداری در بازار چین پی برده باشند. کسری تجاری روبه‌رشد به این علت است که عمده صادرات چین به کنیا شامل تجهیزات و ماشین‌آلات الکتریکی است که عمدتاً در بخش ساخت‌وساز استفاده می‌شوند، حال آنکه صادرات اصلی کنیا به چین شامل سنگ معدن، خاکستر سودا و برخی محصولات کشاورزی است. این عدم توازن تجاری باعث نگرانی سیاست‌گذاران در مورد لزوم بازنگری در سیاست تجاری چین و کنیا شده است.



نمودار ۵: عدم توازن تجاری کنیا با چین

منبع: World Integrated Trade Solutions

در همین حال، سازمان سرمایه‌گذاری کنیا (KenInvest)^۱ از سال ۲۰۰۵ تاکنون ۳۱۳ پروژه سرمایه‌گذاری چینی را با ارزش کل ۱/۵۵ میلیارد دلار ثبت و تسهیل کرده است^۲ (جدول ۱). سرمایه‌گذاری چین به مراتب بیشتر از سرمایه‌گذاری ایالات متحده در کنیا است که در

1. Kenya Investment Authority

۲. از آنجایی که به موجب قانون افزایش سرمایه‌گذاری (۲۰۰۴)، سرمایه‌گذاران خارجی مجبور به ثبت‌نام در سازمان سرمایه‌گذاری کنیا نیستند، بنابراین داده‌های موجود در این بخش نشان‌دهنده تمام سرمایه‌گذاری‌های چینی در کشور نیستند.

روابط چین و کنیا: مزایای اقتصادی در برابر خطرات منطقه ای قرار دارند

سال ۲۰۱۹ برابر با ۳۵۳ میلیون دلار بوده است. تجربه کنیا با الگوی کلی کاهش جریان سرمایه‌گذاری ایالات متحده در آفریقا از سال ۲۰۱۰ مطابقت دارد. سرمایه‌گذاری‌های چین در کنیا با شروع پروژه احداث راه‌آهن با عرض استاندارد در سال ۲۰۱۴ به طور قابل توجهی افزایش یافته است و در واقع، پروژه راه‌آهن فرصت‌های سرمایه‌گذاری جدیدی را در زیربخش‌های ساخت‌وساز و تولید ایجاد کرده است. شرکت‌های چینی همچنین به کنیا در کاهش وابستگی به کالاهای وارداتی به‌ویژه در حوزه‌های فناوری پیشرفته مانند رایانش ابری کمک کرده‌اند.

جدول ۱: توزیع بخشی سرمایه‌گذاری چین

بخش	تعداد پروژه‌ها	هزینه‌های سرمایه‌ای (برحسب میلیون شیلینگ کنیا)	تعداد شاغلان کنیایی
گردشگری	۲۷	۳۰/۴۱	۱۷۵۲
تجارت	۷۰	۱۲۶۳۶/۹۲	۱۸۶۲
خدمات	۳۳	۳۶۲۴/۴۸	۴۸۷۱
تولید	۱۱۸	۴۶۶۰۶/۴۴	۱۱۵۵۷
کشاورزی	۵	۶۱۳/۸	۲۸۱
ساخت‌وساز	۳۶	۸۶۱۱۶/۸	۵۷۱۸
امور مالی	۱	۱	۸
املاک و مستغلات	۱	۰/۱	۶
آموزش	۱	۰/۱۴۴	۵۰
سلامت	۴	۰/۴۵۰۲	۵۸
مخابرات	۳	۱۲/۰۷۲	۱۳۲۹
فناوری اطلاعات و ارتباطات	۷	۱۱/۷۱	۱۰۴
حمل‌ونقل	۳	۲/۵۸	۶۷
انرژی	۴	۰/۹۸۴۱	۳۱

Kenya Investment Authority: منبع

افزایش میزان تجارت و سرمایه‌گذاری در رشد وام‌های اعطایی چین به کنیا در همان بازه زمانی منعکس شد. تا پایان سال ۲۰۲۱، چین بزرگ‌ترین طلبکار کنیا بود و بدهی کنیا به چین حدود ۶۷ درصد از بدهی خارجی آن را تشکیل می‌داد که پس از آن نیز کشورهای ژاپن با ۱۴ درصد و فرانسه با ۷ درصد قرار داشتند. از آنجایی که بخش قابل توجهی از وام‌های چینی شامل وام‌های تجاری هستند، سیاست‌مداران در مورد تأثیرات بالقوه نوسان نرخ بهره و دوره‌های بازپرداخت طولانی ابراز نگرانی کرده‌اند.

همزمان با تعمیق روابط اقتصادی بین چین و کنیا، تلاش چین برای گسترش منافع امنیتی خود افزایش یافته است. در دهه ۲۰۰۰، چین به دنبال تأمین امنیت دریایی خود به سبب دزدی‌های دریایی در امتداد خطوط دریایی اصلی بود که شرق آفریقا را به بنادر چین متصل می‌کرد. مشارکت چین در پیشبرد ابرپروژه‌های زیرساختی در کنیا باعث ایجاد نگرانی‌های امنیتی ناشی از ناامیدی کارگران بومی در ارتباط با کمبود فرصت‌های شغلی شده است. در صورتی که کنیا بر توافق‌نامه‌های الزام‌آور قانونی در مورد حداکثر استفاده از توان داخلی پافشاری می‌کرد، این امر می‌توانست از بروز اختلاف نظر در هنگام مذاکرات بین چین و کنیا جلوگیری کند.

پروژه احداث راه‌آهن با عرض استاندارد با مشکلات امنیتی متعددی از جمله حملات مردم بومی و تهدیدات تروریستی روبرو شد. از این رو، چین برای محافظت از دارایی‌های خود در طول ساخت و ساز دست به اقدامات امنیتی خاصی زد و گروهی از پلیس‌های نخبه‌کنیایی را آموزش داد. علاوه بر این، شرکت پل و جاده چین (CBRC)^۱ نسبت به بهره‌گیری از خدمات شرکت امنیتی خصوصی DeWe اقدام کرد. این شرکت یک «طرح امنیتی جامع» برای این پروژه زیرساختی شامل پرسنل امنیتی، فناوری

1. China Bridge and Road Corporation

امنیتی و هماهنگی ایجاد کرد. شرکت پل و جاده چین همچنین با سرویس پلیس کنیا وارد همکاری شد تا بتواند از خدمات ۱۵۰۰ افسر پلیس مسلح بهره‌مند شود. حضور شرکت‌های امنیتی خصوصی چینی باعث افزایش آگاهی شهروندان کنیایی درباره ناامنی در کشور خود و کاهش اعتماد آن‌ها نسبت به توانایی پلیس در حفظ نظم و قانون کشور شد. نظرسنجی^۱ Afrobarometer در ماه نوامبر ۲۰۲۱ نشان داد که کنیایی‌ها جرم و جنایت و امنیت را به‌عنوان ششمین مشکل مهم رتبه‌بندی کرده‌اند و ۳۴ درصد از شهروندان گزارش داده‌اند که به پلیس اعتماد دارند^۲، حال آنکه این رقم در سال ۲۰۲۱ برابر با ۳۸ درصد بوده است.

در ژانویه ۲۰۲۲ در جریان سفر وزیر امور خارجه چین وانگ یی^۳، موضوعات صلح و امنیت به‌منظور قدردانی از موضع کنیا در شورای امنیت سازمان ملل متحد (UNSC) مورد بحث قرار گرفت - جایگاه چین به‌عنوان عضو اصلی و دارای حق وتو در شورای امنیت ممکن است در آینده بر موضع کنیا در مورد موضوعات مطرح شده در شورای امنیت سازمان ملل تأثیر بگذارد. علاقه فزاینده چین به بخش امنیتی کنیا واکنش غرب را برانگیخته است. ایالات متحده مدعی شده است که چین در حال برنامه‌ریزی برای ایجاد یک پایگاه نظامی در کنیا مشابه پایگاه واقع در جیبوتی است. نگرانی‌های ایالات متحده قابل درک است، زیرا این کشور از دیرباز نسبت به چین نقش بیشتری در امنیت ملی کنیا به‌ویژه در تأمین تجهیزات نظامی و مبارزه با تروریسم ایفا کرده است.

۱. Afrobarometer یک شبکه تحقیقات و نظرسنجی بی‌طرف و پان آفریقایی است که داده‌های موثقی را در زمینه تجربیات و ارزیابی‌های آفریقایی‌ها از دموکراسی، حکمرانی و کیفیت زندگی ارائه می‌دهد. این نظرسنجی با حجم نمونه ۱۲۰۰ یا ۲۴۰۰ شهروند بزرگسال، حاشیه خطای نمونه‌گیری ۲- / + تا ۳ درصد و سطح اطمینان ۹۵ درصد را نشان می‌دهد. ۲. در این نظرسنجی، نظر پاسخ‌دهندگان درباره مهم‌ترین مشکلات پیش‌روی کنیا که دولت باید به آن‌ها رسیدگی کند، پرسیده شد که مدیریت اقتصاد، بیکاری، فساد، بهداشت و آموزش در صدر فهرست قرار داشتند. 3. Wang Yi

ژئوپلیتیک: کنیا به‌طور همزمان با چین و غرب برای اهداف توسعه خود

همکاری می‌کند

قدرت اقتصادی روبه‌رشد و تعامل فزاینده چین در آفریقا باعث افزایش اهمیت ژئواستراتژیک کشورهایمانند کنیا شده است. در اوایل دهه ۲۰۰۰، کمک‌های خارجی کنیا عمدتاً از جانب کشورهای غربی بود و تقریباً به ۷۵۰ میلیون دلار می‌رسید. حضور چین به این معنی بود که کنیا می‌تواند منابع خارجی دریافتی خود در جهت توسعه کشور را تنوع بخشد، به طوری که ارزش وام‌های اعطایی چین به کنیا تا اواخر سال ۲۰۱۸ به ۴/۷۵ میلیارد دلار رسید. سیاست‌گذاران کنیایی تمایل دارند کمک‌های چین در جهت توسعه کشور را مطلوب و عاری از شرایط سنگینی جلوه دهند که غرب در قبال حمایت‌های خود اعمال می‌کند. از این رو، وام‌های چین را به‌عنوان یک اهرم تعادل بخش در نظر می‌گیرند و آن‌ها را به کمک‌های غرب که منوط به شروطی خاص در راستای حکمرانی خوب است، ترجیح می‌دهند.

در فضای دیپلماتیک، کنیا از طریق مشارکت در ابرپروژه‌های زیرساختی ذیل طرح یک کمربند-یک راه و بدین ترتیب، ایجاد ارتباطی ضعیف با جاه‌طلبی‌های ژئوپلیتیک جهانی چین تلاش می‌کند در تعامل با غرب ماهرانه عمل کند. کنیایی‌ها آمادگی پکن برای ارتقای موقعیت کنیا به‌عنوان دروازه اصلی آفریقای شرقی را به‌عنوان راهبرد چین برای مقابله با نفوذ غرب تلقی می‌کنند. با این حال، کنیا در رابطه با همکاری با غرب یا شرق موضع انعطاف‌پذیری دارد که بسته به شرایط تغییر می‌کند.^۱ زمانی که باراک اوباما، رئیس‌جمهور ایالات متحده، در سال ۲۰۱۵ از این کشور بازدید کرد، رئیس‌جمهور کنیا تا^۲ بر آمادگی

۱. به راحتی نمی‌توان به این مسأله پی برد که آیا کنیا قبلاً تحت فشار ایالات متحده (یا چین) برای ارزیابی مجدد روابط خود با طرف مقابل بوده است یا خیر.

2. Barack Obama
3. Kenyatta

کنیا برای تعامل سازنده با همه کشورها تأکید کرد. رئیس‌جمهور کنیا تا در دومین سفر دولتی خود به چین در سپتامبر ۲۰۱۸ بر تعهد کشورش به «دنیای درهم‌تنیده [از طریق طرح یک کمربند-یک راه]» تأکید کرد. اگرچه سفر وانگ، وزیر امور خارجه چین، به کنیا بخشی

از سفرهای دیپلماتیک سالانه چین به آفریقا بود، اما این سفر تقریباً شش هفته پس از سفر آنتونی بلینکن^۱، وزیر امور خارجه ایالات متحده، انجام شد. در حالی که بلینکن در سفرش به کنیا در شهر نایروبی مستقر شد، اما وانگ مستقیماً به شهر ساحلی مومباسا پرواز کرد و در آنجا پایانه نفتی را که بودجه آن توسط اگزیم بانک چین و با هزینه ۴۰۰ میلیون دلار تأمین شده بود، بازرسی کرد.

اگرچه کنیا می‌خواهد با هر دو طرف تعامل داشته باشد، اما با توجه به جذابیت‌های همکاری اقتصادی بی‌قید و شرط چین به احتمال زیاد خود را با این کشور همسو می‌کند. با این وجود، این راهبرد چالش‌برانگیز به نظر می‌رسد. در آغاز مناقشه روسیه و اوکراین، کنیا به قطعنامه مبنی بر درخواست از روسیه جهت خروج نیروهایش از اوکراین رأی داد. با این حال با آشکار شدن اوضاع، کنیا ممکن است موضع خود را تغییر دهد و ترجیح دهد فاصله استراتژیک برابری بین محوری که ناتو و دموکراسی‌ها نمایندگی می‌کنند و محور مستبد روسیه و چین حفظ کند.

برداشت‌ها: دیدگاه‌های متفاوتی در مورد حضور فزاینده چین در کنیا وجود دارد

در نظرسنجی Afrobarometer این سؤال از پاسخ‌دهندگان پرسیده شد که آیا فکر می‌کنند چین، ایالات متحده یا ژاپن تأثیرات مثبت یا منفی اقتصادی و سیاسی بر کنیا دارند یا خیر. در میان پاسخ‌دهندگان کنیایی، ۵۴ درصد معتقد بودند که چین تأثیر

1. Antony Blinken

مثبت اقتصادی و سیاسی بر کشورشان دارد، نظرات مثبت در رابطه با تأثیر ایالات متحده تنها اندکی بالاتر بود و ۵۷ درصد از پاسخ‌دهندگان دیدگاه مثبتی داشتند و ۳۹ درصد از پاسخ‌دهندگان نیز نسبت به تأثیر ژاپن دیدگاه مثبت داشتند!

با این حال، دیدگاه‌ها در بخش‌های مختلف جامعه کنیا متفاوت بود. به‌عنوان مثال، تاجران کنیایی مثبت یا منفی بودن تأثیر حضور چین در کشورشان را با این شاخص می‌سنجند که آیا خود آن‌ها از حضور چین سود می‌برند یا خیر. تاجران خرد در نایروبی از این‌که تاجران چینی آن‌ها را از رده تجارت خارج می‌کنند، شکایت کردند و اظهار داشتند: «آن‌ها معمولاً با لباس مبدل به‌عنوان مشتری به مغازه‌های ما می‌آیند و قیمت محصولات ما را می‌پرسند تا به کشور خود بازگردند و همان محصولات را با قیمت بسیار پایین‌تر در بازار عرضه کنند». از طرف دیگر، نخبگان سیاسی کنیا در مجموع دیدگاه مثبتی در مورد تعامل با چین داشتند. یکی از رهبران چنین اظهار داشت: «پکن در کنیا با دقت و سخاوت‌مندانه عمل کرد تا از این طریق بتواند اهداف راهبردی و سیاسی بلندمدت خود در آفریقا را ارتقا دهد». درست مثل سایر کشورهای آفریقایی، نبود شروط سیاسی-اجتماعی برای اعطای وام‌ها و بی‌تفاوتی کلی چین نسبت به سیاست داخلی کنیا مورد استقبال نخبگان کنیایی قرار گرفت، چرا که آن‌ها موضع چین را به خوبی با شروطی که غرب در قبال حمایت از آن‌ها در نظر گرفته بود، مقایسه کردند. با این حال، سیاست خارجی کنیا در مورد چین ممکن است تغییر کند و این کشور از خوش‌بینی خود در زمینه افزایش همکاری با چین به‌ویژه به علت کسری تجاری بکاهد. این تغییرات خود می‌توانند در آینده پیامدهایی برای طرح یک کمربند-یک راه چین به‌دنبال داشته باشند.

۱. یکی از دلایل کاهش دیدگاه مثبت مردم نسبت به چین را می‌توان به مباحث پیرامون افزایش وام‌های چینی در کنیا مرتبط دانست که از طرفی دیگر نیز با قرنطینه نکردن مسافران چینی مبتلا به کوید-۱۹ و گسترش سریع ویروس، این بحث‌ها و دیدگاه‌های منفی تشدید شد.

چشم انداز: روندهای ناپایدار نیاز به بازنگری دارند

نگرانی کنیا درباره کسری تجاری باعث شد که روابط تجاری خود با چین را مورد بازنگری قرار دهد. در سال ۲۰۱۸، کنیا و چین در مورد یک شیوه نامه بهداشتی و سلامت نباتی با هدف گسترش دسترسی به بازار محصولات کنیا در چین شروع به مذاکره کردند. کنیا در تلاش برای بازنگری در تعرفه های وضع شده بر صادرات گل و سبزیجات بود. در جریان سفر وانگ، کنیا و چین تفاهم نامه ای با هدف تسریع و افزایش صادرات از کنیا و چین امضا کردند و کارگروهی برای بررسی موانع تعرفه ای و غیرتعرفه ای برای تجارت کنیا و چین تشکیل دادند. آن ها همچنین دو توافق نامه برای تسهیل تجارت به ویژه صادرات محصولات آبرزی و آووکادو کنیایی امضا کردند. اگرچه اقتصاد کنیا در طول همه گیری جهانی کرونا انعطاف پذیر باقی مانده است، اما مشکلات مربوط به بدهی فزاینده آن ممکن است باعث شود این کشور در پرداخت وام های چینی در آینده نزدیک نکول کند. از لحاظ امنیتی، رقابت ژئوپلیتیکی ایجاد شده بین چین و ایالات متحده احتمالاً باعث تشدید تفرق سیاسی منطقه ای خواهد شد، زیرا برخی کشورها با غرب و برخی دیگر یا چین همسو هستند. در چنین شرایطی باید دید کنیا چگونه فشارهای اجتناب ناپذیر ناشی از ایجاد توازن بین شرکای غربی و چینی خود را مدیریت خواهد کرد.

واکنش کنیا نسبت به مناقشه روسیه و اوکراین: از مخالفتی آشکار تا اقدامی کاملاً

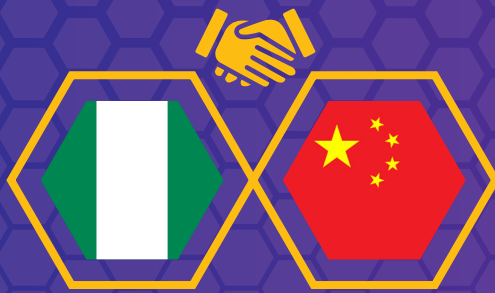
راهبردی و متعادل کننده

برخلاف برخی از کشورهای آفریقایی که در برابر اقدام روسیه در اوکراین سکوت اختیار کرده اند، کنیا از همان ابتدا با تهاجم روسیه که حاکمیت و تمامیت ارضی اوکراین را نقض می کرد به طور آشکارا مخالفت کرد. کنیا به عنوان یکی از اعضای

غیردائم شورای امنیت سازمان ملل متحد به قطعنامه مبنی بر درخواست از روسیه جهت توقف تهاجم و خروج نیروهایش از اکرین رأی داد.

البته با آشکار شدن اوضاع، کنیا ممکن است موضع خود را به دقت ارزیابی کند و تغییر موضع دهد. کنیا ممکن است اقدامی کاملاً راهبردی و متعادل‌کننده را ترجیح دهد و فاصله مساوی بین محوری که ناتو/دموکراسی‌ها نمایندگی می‌کنند و محور مستبد روسیه-چین حفظ کند. وابستگی و به حاشیه رانده شدن کنیا در نظام بین‌الملل به این معنی است که قصد دارد بین گزینه‌های موجود تعادل برقرار کند.

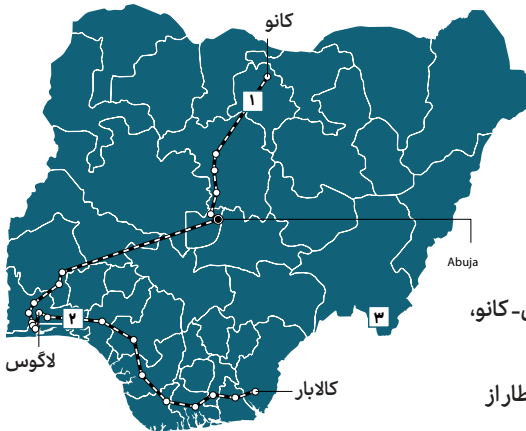
اگر اوضاع تشدید شود، غرب ممکن است منابع خود را به سمت دفاع نظامی ناتو هدایت کند که به معنای توجه کمتر آن به کشورهای آفریقایی و کاهش منابع برای این کشورها است. از سوی دیگر، روسیه ممکن است برای کمک به چین متوسل شود، اگرچه احتمال دارد چین به دلیل پایبندی به سیاست مبنی بر عدم مداخله مستقیماً درگیر مناقشه نشود. چین ممکن است از قدرت اقتصادی خود استفاده کند تا کنیا و کشورهای دیگر را به سمت خود بکشاند. با این وجود، اگر ظرفیت تولید چین به دلیل کمبود مواد خام مانند نفت و گاز روسیه مختل شود، تعامل اقتصادی چین با کنیا ممکن است محدود شود.








نیجریه چین را شریکی پایدار
و بزرگ‌ترین وام‌دهنده خود
قلمداد می‌کند

برگه اطلاعات کشور نیجریه

پروژه‌های زیرساختی و شرکت‌های مادر تحت حمایت چین



- ۱ احداث راه‌آهن با پهنای استاندارد لاگوس-کانو، خط قطار از لاگوس به کانو
- ۲ پروژه خط راه‌آهن لاگوس-کالابار، خط قطار از لاگوس به کالابار
- ۳ نیروگاه برق آبی مامبیللا، روستای کاکارا، ایالت تارابا

سطح رسمی مشارکت (فقط با چین)	تعداد بازدیدهای سطح بالا (۲۰۱۷ - ۲۰۲۲)	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین (۲۰۱۳ - ۲۰۲۱)
مشارکت راهبردی (战略伙伴关系) 	ایالات متحده: ۵ چین: ۶ 	۷/۵ میلیارد دلار 
تجارت دوجانبه (۲۰۲۰)	تجارت اسلحه (واردات و صادرات، ۲۰۲۱ - ۲۰۱۳)	
چین: ۱۹/۹۴ میلیارد دلار ایالات متحده: ۶/۱۸ میلیارد دلار 	ایالات متحده: ۱۰۰ میلیون دلار	چین: ۲۵۷ میلیون دلار 

منبع: MERICS, China's Ministry of Foreign Affairs, Comtrade, SIPRI, AEI China Global Investment Tracker

نیجریه چین را شریکی پایدار و بزرگترین وام دهنده خود قلمداد می‌کند

با آنکه نیجریه دارای بیشترین جمعیت و بزرگ‌ترین اقتصاد در آفریقا است، اما با چالش‌های جدی مواجه است. حدود ۸۰ میلیون نفر از جمعیت ۲۰۰ میلیون نفری نیجریه در فقر زندگی می‌کنند. در این کشور زیرساخت‌های ناکافی، نهادهای ضعیف و ناکارآمد، عدم شفافیت، مسائل حاکمیتی و اقتصاد رانتهی وابسته به نفت وجود دارد. در همین حال، شورش در شمال شرق امروزه با حملات جدایی‌طلبان بومی بیافرا (IPOB)^۱ در جنوب شرقی تشدید شده است. در این شرایط، روابط نیجریه و چین تحت الشعاع ملاحظات اقتصادی قرار دارند. چین هم‌اکنون یک سرمایه‌گذار بزرگ و جایگزینی برای سایر منابع مالی توسعه نظیر صندوق بین‌المللی پول (IMF)^۲، بانک جهانی و سایر وام‌دهندگان دوجانبه است و به بزرگ‌ترین وام‌دهنده دوجانبه نیجریه تبدیل شده است.

وضعیت کنونی: روابط اقتصادی هسته اصلی همکاری نیجریه و چین را

تشکیل می‌دهند

چین یکی از بزرگ‌ترین شرکای تجاری نیجریه است. براساس گزارش بانک جهانی، تجارت محصولات نیجریه و چین از حدود ۱/۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۳ به ۱۳/۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ افزایش یافته است. تجارت نیجریه با ایالات متحده در همین دوره از ۱۱/۵ میلیارد دلار به ۷/۵ میلیارد دلار کاهش یافته است. سرمایه‌گذاری چین در نیجریه نیز از ۲۴/۴ میلیون دلار به ۱۲۳/۲۷ میلیون دلار در همین بازه زمانی افزایش یافته است. نیجریه پس از کنیا، جمهوری دموکراتیک کنگو، آفریقای جنوبی و اتیوپی در سال ۲۰۲۰ به یکی از پنج مقصد برتر سرمایه‌گذاری چین در آفریقا تبدیل شده است.

علاوه بر تجارت و سرمایه‌گذاری، چین در زمینه تأمین مالی پروژه‌های بزرگی در نیجریه فعالیت دارد و شرکت‌های چینی قراردادهای متعددی برای اجرای پروژه‌های ساخت‌وساز

1. Indigenous People of Biafra
2. International Monetary Fund

■ چین در تأمین مالی توسعه نیجریه نقش اساسی دارد

در این کشور منعقد کرده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به پروژه‌های ریلی و جاده‌ای و بازسازی چهار فرودگاه اصلی نیجریه در آبوجا، لاگوس، کانو و پورت هارکورت اشاره کرد. همه این موارد موجب شده‌اند چین در تأمین مالی توسعه نیجریه نقش کلیدی ایفا کند. علاوه بر این پروژه‌ها، چین میلیون‌ها دلار تانک و توپخانه به ارتش نیجریه فروخته است. با این وجود، سه نگرانی اصلی در رابطه با افزایش نفوذ چین در نیجریه ایجاد شده است: اولین مورد مربوط به عدم شفافیت قراردادهای زیرساختی و وام‌های چین است که می‌تواند موجب ترویج فساد و سایر اقدامات غیرلیبرالی شود. همین عدم شفافیت باعث شده است که مجلس نمایندگان نیجریه^۱ (یعنی مجلس سفلی^۲) در ماه می ۲۰۲۰ به اتفاق آرا تصمیم بگیرند به تحقیق درباره وام‌های چین بپردازند. با این‌که وزیر وقت حمل و نقل - روتیمی آمائچی^۳ - اظهار داشت که چنین اقدامی ممکن است وام‌های آینده چین را متوقف کند، آن‌ها از ضرورت تحقیق درباره وام‌های چین حمایت کردند. با این حال، گزارش‌های رسانه‌ای در اواخر ژوئن ۲۰۲۱ نشان می‌دهند که تحقیقات مجلس در این زمینه ادامه پیدا نکرده است.

چین در پاسخ به تحقیقات مجلس تأکید کرد که وام‌های اعطایی چین به نیجریه برای دو طرف سودمند است. چند ماه بعد در فوریه ۲۰۲۲، یک هیئت دو نفره چینی - وو باؤکای^۴ و لی اینیجیان^۵ - از دبیرخانه ملی حزب اپوزیسیون اصلی (PDP)^۶ بازدید کردند که اعضای آن در مجلس موضوع تحقیق درباره وام‌های چین را مطرح کرده و از آن حمایت

1. Nigeria's House of Representatives
2. the Lower House
3. Rotimi Amaechi
4. Wu Baocai
5. Li Inejjian
6. Opposition party

کرده بودند. وو بائوکای ظرف کمتر از یک ماه بعد یک هیئت چینی دیگر را به شورای مشورتی بین حزبی (IPAC)^۱- نهادی مادر برای همه احزاب سیاسی ثبت شده در نیجریه- برد. به نظر می‌رسد این بازدیدها موفقیت‌آمیز بوده‌است، چنانچه ایورچیا آیو^۲- رئیس حزب اپوزیسیون اصلی- و همتای او یاباگی سانی^۳- رئیس شورای مشورتی بین حزبی- اظهارات مثبتی در مورد فعالیت‌های چین در نیجریه داشته‌اند. در صورتی که انتخابات عمومی سال ۲۰۲۳ باعث تغییر دولت شود، این ابتکار عمل چین که به ارتباط با حزب اپوزیسیون اصلی تمایل نشان داده‌است ممکن است زیربنای مستحکمی برای روابط آینده چین و نیجریه ایجاد کند.

دومین مورد نگرانی‌هایی است در رابطه با این که واردات محصولات چینی به ویژه منسوجات منجر به نابودی صنایع داخلی می‌شود. علاوه بر گزارشات مربوطه، اعتراضاتی نیز در خصوص تأثیر منسوجات چینی بر بیکاری هزاران نیجریه‌ای در صنعت نساجی صورت گرفته‌است.

سومین نگرانی در زمینه وابستگی فزاینده نیجریه به چین است. در این سال‌ها مواقعی بوده‌است که چین و یا بانک‌های چینی از تأمین مالی پروژه‌هایی که در آغاز به انجام آن‌ها متعهد شده بودند، سر باز زده‌اند و نیجریه ناگزیر به تلاش برای یافتن منابع مالی جایگزین شده‌است. اخیراً نیز اگزیم بانک چین از تأمین مالی پروژه‌ها صرف‌نظر کرده‌است و تنها ۱/۳ میلیارد دلار از کل وام ۸/۳ میلیارد دلاری را برای راه‌آهن لاگوس- کانو^۴ پرداخت کرده‌است. از این رو، دولت نیجریه مجبور شده‌است برای پرکردن این خلاء به استاندارد چارترد متوسل شود.

1. Inter-Party Advisory Council

2. Iyorchia Ayu

3. Yabagi Sani

۴. یک پروژه زیرساختی بزرگ برای اتصال پایتخت و مرکز تجاری سابق نیجریه به بزرگ‌ترین شهر شمالی این کشور است.

ژئوپلیتیک، چین و ایالات متحده: نیجریه به دنبال بهترین معاملات عمل‌گرایانه است

ایالات متحده نیز مانند چین جایگاه مهمی در روابط اقتصادی، سیاسی و امنیتی نیجریه دارد. تاکنون، رقابت ایالات متحده و چین تأثیر بسیار کمی بر نیجریه داشته است. با این حال، اگر رقابت بین این دو کشور ادامه یابد و شدیدتر شود، این امر می‌تواند تأثیر جدی بر نیجریه داشته باشد. به‌عنوان مثال، صنعت مخابرات نیجریه به‌طور فزاینده‌ای تحت سلطه شرکت‌های فناوری چینی تحت مدیریت هوآوی^۱ قرار دارد.

بنابراین در صورت ایجاد به‌اصطلاح «اسپلینترنت»^۲ با کمک فناوری‌های چینی و آمریکایی که از اکوسیستم‌های دیجیتال و اینترنتی مختلف پشتیبانی می‌کنند، این امر می‌تواند تأثیر مخربی داشته باشد و نیجریه یا نیجریه‌ای‌ها را مجبور به سوگیری کند. علاوه بر این که شرکت‌های چینی (به‌عنوان مثال، هوآوی و زدتی‌ای) با تأمین ارائه‌دهندگان اصلی خدمات مانند ام‌تی‌ان^۳ بر بازار مخابرات تسلط یافته‌اند، تلفن‌های هوشمند ساخت چین در نیجریه هم مانند بسیاری از کشورهای آفریقایی متداول شده‌اند. در همین حال، مسئله مجزا کردن اینترنت می‌تواند پیامدها و اختلالات ناخواسته‌ای برای فناوری‌های مالی (فین‌تک)^۴ نوظهور در این کشور داشته باشد. شایان ذکر است که از میان پنج تک‌شاخ فین‌تک (و به عبارتی نوآفرین‌های با ارزش بیش از ۱ میلیارد دلار) در آفریقا، سه شرکت (Interswitch، Flutterwave و Paystack) متعلق به نیجریه هستند.

۱. یک شرکت چندملیتی تأمین‌کننده تجهیزات و خدمات با خطوط اعتباری از بانک‌های دولتی چین

۲. اسپلینترنت (Splinternet) اصطلاحی است که به اینترنت تکه‌تکه شده در نقاط گوناگون جهان گفته می‌شود. شاید چین سبکی از شبکه، آینده‌ی اتصال در دنیای فناوری باشد.

3. MTN

4. FinTech

■ نیجریه روابط خود با ایالات متحده و چین را به شیوه‌ای کاملاً عمل‌گرایانه مدیریت کرده‌است

تاکنون، دولت‌های نیجریه روابط خود با ایالات متحده و چین را به شیوه‌ای کاملاً عمل‌گرایانه مدیریت کرده‌اند. همان‌طور که جفری اونیاما^۱- وزیر امور خارجه نیجریه- در جریان سفر آنتونی بلینکن- وزیر امور خارجه ایالات متحده- به آفریقا در سال ۲۰۲۱ اظهار داشت: «این مسئله متعلق به یک کشور یا کشور دیگر به تنهایی نیست، بلکه واقعاً بهترین معامله‌ای است که می‌توانیم انجام دهیم.»

نیجریه در سال ۲۰۱۵ پس از شکست حزب حاکم دموکراتیک خلق‌ها (PDP)^۲ از حزب کنگره تمام ترقی‌خواهان (APC)^۳ گذر از قدرتی دموکراتیک را تجربه کرد. انتخابات عمومی بعدی قرار است در اوائل سال ۲۰۲۳ و در برهه‌ای حساس از تاریخ کشور برگزار شود که گذشته از چالش‌های امنیتی فراوان، این کشور با چالش‌های اجتماعی- اقتصادی نیز مواجه است. به‌عنوان مثال، شیوع کووید-۱۹ وضعیت فقر کشور در دوران قبل از کووید-۱۹ را که پیش‌تر به آن اشاره شد، وخیم‌تر کرده‌است. از طرفی دیگر، دانشگاه‌های دولتی اعتصاب کرده‌اند و دانشجویان آن‌ها ماه‌هاست که در خانه به سر می‌برند. با توجه به میزان ناامیدی از دولت فعلی، شانس واقعی برای بازگشت اپوزیسیون به مسند قدرت وجود دارد- اگرچه رئیس‌جمهور فعلی، محمدو بوهاری^۴، در رأی‌گیری حضور نخواهد داشت. در عوض، فرماندار سابق لاگوس- بولا احمد تینوبو^۵ از حزب کنگره تمام ترقی‌خواهان- با معاون سابق رئیس‌جمهور- آتیکو ابوباکار^۶ از حزب دموکراتیک خلق‌ها- برای تصدی پست اصلی رقابت خواهند کرد.

1. Geoffrey Onyeama
2. Peoples Democratic Party
3. All Progressive Congress
4. Muhammadu Buhari
5. Bola Ahmed Tinubu
6. Atiku Abubakar

اگرچه روابط نیجریه با چین مهم و قوی است، اما نظام سیاسی و وابستگی‌های سیاسی این کشور بیشتر با ایالات متحده و اروپای غربی هماهنگ است. رسانه‌های محلی، جامعه مدنی و دولت‌های بعدی بستری را فراهم می‌کنند که در آن منافع ایالات متحده و اتحادیه اروپا بدون دخالت چین حاصل خواهد شد.

برداشت‌ها: نیجریه با وجود تمام فرازونشیب‌ها چین را شریک خود می‌داند

به‌طور کلی، برداشت عموم مردم نیجریه از چین مثبت است. نظرسنجی Afrobarometer در سال ۲۰۲۰ نشان داد که ۶۲ درصد از نیجریه‌ای‌ها تأثیر چین بر کشور خود را مثبت می‌دانند و البته به همین اندازه نیز تأثیر ایالات متحده را مثبت ارزیابی کرده‌اند. این روند در سال ۲۰۲۱ نیز تداوم داشته است و ۶۳ درصد از نیجریه‌ای‌ها نفوذ سیاسی و اقتصادی چین در کشورشان را مثبت ارزیابی کرده‌اند و به همین اندازه یعنی ۶۳ درصد نیز تأثیر ایالات متحده را مثبت تلقی کرده‌اند. نخبگان نیجریه نیز چین را شریک خود و جایگزینی برای منابع قدیمی تأمین مالی توسعه در این کشور می‌بینند.

■ به‌طور کلی، برداشت عموم مردم نیجریه از چین مثبت است

مقامات ارشد سیاسی در نیجریه و چین به‌طور دوره‌ای دیدارهایی با یکدیگر داشته‌اند. به‌عنوان مثال، پس از بازدید رئیس‌جمهور اولوسگون اوباسانجو^۱ از چین در سال ۱۹۹۹ و ۲۰۰۵، رئیس‌جمهور جیانگ زمین^۲ و رئیس‌جمهور هو جینتائو^۳ به ترتیب در سال ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶ از نیجریه بازدید کرده‌اند. به‌همین ترتیب، رئیس‌جمهور عمرو یارادوا^۴ (در سال ۲۰۰۸)، رئیس‌جمهور گودلاک جاناتان^۵ (در سال ۲۰۱۳) و رئیس‌جمهور کنونی

1. Olusegun Obasanjo
2. Jiang Zemin
3. Hu Jintao
4. Umaru Yar' Adua
5. Goodluck Jonathan

نیجریه چین را شریکی پایدار و بزرگترین وام دهنده خود قلمداد می‌کند

بوهاری (در سال ۲۰۱۶) از چین بازدید کرده‌اند. علاوه بر سفر لی کچیانگ^۱ - نخست‌وزیر چین - به نیجریه در سال ۲۰۱۴، وزرای خارجه چین مانند یانگ جیچی^۲ (در سال ۲۰۱۰ و به‌عنوان فرستاده ویژه رئیس‌جمهور شی جین‌پینگ در سال ۲۰۱۹) و وانگ یی (در سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۲۱) از نیجریه بازدید کرده‌اند.

احساسات ضدچین میان مردم نیجریه گهگاهی شعله‌ور شده‌است که ناشی از بدرفتاری با نیجریه‌ای‌ها در گوانگژو در سال ۲۰۲۰ در طول همه‌گیری کووید-۱۹ یا بدرفتاری دوره‌ای با مردم محلی توسط برخی شرکت‌های چینی در نیجریه بوده‌است. البته این مسائل به تدریج کمرنگ شده و روابط دوستانه معمول بازگشته‌است. براساس نظرسنجی Afrobarometer (۲۰۱۹ الی ۲۰۲۱) در رتبه‌بندی کشورهای با بیشترین نگاه مثبت به مدل توسعه چین محور می‌توان گفت که نیجریه از میان ۳۴ کشور آفریقایی در رتبه هفتم قرار دارد. در واقع، ۲۹ درصد از پاسخ‌دهندگان از الگوی توسعه چینی حمایت کرده‌اند، هرچند ۳۶ درصد از آن‌ها نیز از مدل ایالات متحده حمایت کرده‌اند.

با این حال در کنار این دیدگاه‌های مثبت گسترده در مورد چین، مسائل بحث‌برانگیزی نیز وجود دارد. از بین رفتن صنعت نساجی محلی علت اصلی احساسات ضدچینی است، اگرچه سیاست‌های دولت در مورد منسوجات و سایر عوامل محلی نیز به تضعیف آن صنعت کمک کرده‌است. در همین راستا، هزاران نفر علیه واردات منسوجات چینی تظاهرات کرده‌اند. روابط نیجریه و چین بر سر مسائل اقتصادی گهگاه دچار نوسانات شدید و بی‌ثباتی شده‌است. اگرچه دولت رئیس‌جمهور اولوسگون اوباسانجو^۳ سیاست کوتاه‌مدت نفت در برابر زیرساخت را با چین در سال ۲۰۰۶ در پیش گرفت و به دنبال پرداخت هزینه زیرساخت‌های

1. Li Keqiang
2. Yang Jiechi
3. Olusegun Obasanjo

چین با نفت بود، اما این سیاست درست پس از چند ماه توسط جانشین وی که او نیز از حزب دموکراتیک خلق‌ها بود، لغو شد. عدم تمایل اگزیم بانک چین به ادامه تأمین مالی پروژه راه آهن لاگوس-کانو نمونه دیگری از بی‌ثباتی در روابط اقتصادی چین و نیجریه است. اگرچه نخبگان حاکم نیجریه به‌طور کلی چین را منبع قابل اعتماد و جایگزین برای تأمین مالی توسعه در کشورشان می‌دانند، اما احتمال تغییر چنین برداشتی نیز وجود دارد.

چشم‌انداز: چین محتاط به‌عنوان جایگزینی جذاب باقی می‌ماند

چین در ۲۰ سال گذشته به بازیگری اصلی و قابل اعتماد در توسعه زیرساخت‌های نیجریه تبدیل شده است. با این حال، روابط آینده چین و نیجریه باید از بی‌ثباتی منطقه‌ای فزاینده عبور کند و نیجریه باید بدهی‌های چین را پس بدهد. اقتصاد نفتی نیجریه رانتهی است و این کشور سال‌ها به صادرات نفت خام متکی بوده است، هرچند چین بازار عمده‌ای برای نفت نیجریه نیست. به‌طور جدی‌تر، تغییر رویه قریب‌الوقوع جهانی به سمت انرژی‌های تجدیدپذیر می‌تواند اقتصاد نیجریه را ویران کند.

در همین حال، نیجریه به سمت یک دوره انتخاباتی سوق پیدا کرده است که در انتخابات عمومی در اوائل سال ۲۰۲۳ شاهد آن خواهیم بود. انتخابات احتمالاً در بحبوحه تشدید درگیری‌های منطقه‌ای برگزار خواهد شد. درگیری در شمال شرقی نیجریه همچنان ادامه دارد و تنش‌ها در جنوب شرقی این کشور که یک گروه جدایی طلب در آن مستقر است و عموم مردم این منطقه خواهان ریاست‌جمهوری ایبو^۱ هستند نیز تشدید شده است. از طرفی دیگر، درگیری‌ها در جنوب غربی نیز همچنان ادامه دارد. حملات گله‌داران به جوامع محلی که باعث ترویج ناسیونالیسم قومی تازه‌ای شده است که منجر به ایجاد اولین سازوکار امنیتی منطقه‌محور، آموتکون^۲، توسط استان‌های جنوب غربی

1. Ibo

2. Amotekun

نیجریه چین را شریکی پایدار و بزرگترین وام دهنده خود قلمداد می‌کند

در سال ۲۰۲۰ شده است و همچنین حملات به قبیله فولانی^۱ در اوئیو^۲، ایالتی در جنوب غربی، توسط یک گروه جدایی طلب طرفدار مردم یورابا^۳ به رهبری ساندی «ایگبو هو» آدیمو^۴ در سال ۲۰۲۱ از جمله درگیری‌ها در جنوب غربی به شمار می‌آیند. در همین حال، به نظر می‌رسد چین برخی از پروژه‌ها را متوقف کند. اگرچه این تردید چین می‌تواند ناشی از عدم اطمینان آن نسبت به دوره آینده انتخابات نیجریه باشد، اما مسئله ناپایدار شدن وام‌های چین به نیجریه هم مشکل دیگری در روابط طرفین است.

■ مباحث مربوط

به وام‌های چینی که بر حاکمیت نیجریه تأثیر داشتند به عنوان مسئله‌ای جدی در مجلس ملی و اخبار مطرح شد.

تأمین مالی توسعه کشور نیجریه توسط چین منجر به افزایش بدهی آن شده است. براساس گزارشات دفتر مدیریت بدهی نیجریه^۵، وام‌های چین به نیجریه در پایان دسامبر ۲۰۲۰ حدود ۱۰ درصد (۳/۳ میلیارد دلار) از کل بدهی خارجی نیجریه (۳۳/۳ میلیارد دلار) بوده است. اگرچه این مسئله از لحاظ سبد بدهی خارجی قابل مدیریت به نظر می‌رسد، اما چین بزرگ‌ترین وام دهنده به نیجریه است که ۸۰ درصد از کل وام‌های دوجانبه نیجریه را به

خود اختصاص داده است. سایر وام‌های دوجانبه نیجریه شامل وام‌های اعطایی از جانب فرانسه (۴۹۴ میلیون دلار)، آلمان (۱۸۴ میلیون دلار)، ژاپن (۸۰ میلیون دلار) و هند (۳۷ میلیون دلار) است. بنابراین، روایت تله بدهی چینی که توسط دیپلمات‌های غربی استفاده می‌شود ممکن است به زودی به گفتمان ملی نیجریه نیز راه پیدا کند. در سال ۲۰۲۰، مباحث مربوط به وام‌های چینی که بر حاکمیت نیجریه تأثیر داشتند به عنوان مسئله‌ای جدی در مجلس ملی و اخبار مطرح شد.

1. Fulani
2. Oyo
3. Yoruba Nation-pro
4. Sunday "Igboho" Adeyemo
5. Nigerian Debt Management Office

اگرچه چین در انتخابات نیجریه دخالتی نکرده است (همان‌طور که در انتخابات ملی زامبیا در سال ۲۰۰۶ نیز دخالتی نداشته است)، اما نخبگان سیاسی تمایل دارند تا از رفتار این کشور به‌ویژه در زمینه‌هایی که مخالف آن هستند، انتقاد کنند. بیشترین انتقادهای نخبگان سیاسی حول محور افزایش وام‌های چینی به دولت نیجریه می‌چرخد. عدم شفافیت در این قراردادهای وامی و تعداد فزاینده شهروندان چینی که در پروژه‌های ساخت‌وساز با بودجه چین کار می‌کنند، انتقاد نخبگان را برانگیخته است. بنابراین، چین احتمالاً محتاطانه به این واقعیت‌ها واکنش نشان دهد تا خود را برای همه نتایج انتخاباتی و تغییرات احتمالی ناشی از آن آماده کند.

در پایان لازم به ذکر است که تجارت نیجریه و چین طی ۲۰ سال گذشته افزایش یافته است، اما موازنه تجاری به نفع چین است. اگرچه صدای ذی‌نفعان محلی بیش از پیش به گوش خواهد رسید، اما عدم توازن تجاری - حداقل تا زمانی که دولت نیجریه شرایط لازم را برای تولید محلی و در جهت تغییر وضعیت فعلی ایجاد کند - به نفع چین ادامه خواهد داشت. با این حال، بازیگران غیردولتی نظیر رسانه‌ها و گروه‌های جامعه مدنی همچنان به‌عنوان عناصری تأثیرگذار در روابط نیجریه و چین نقش کلیدی ایفا خواهند کرد. آن‌ها می‌توانند نفوذ غیرلیبرال پکن و شرکت‌های چینی را که در آن دولت نیجریه دست پایین‌تر را به لحاظ اقتصادی دارد، کاهش دهند.

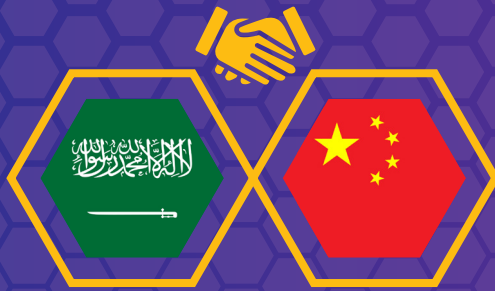
تأثیر مناقشه روسیه و اوکراین: روابط امنیتی نیجریه با چین ممکن است گسترش یابد

نیجریه در پاسخ به مناقشه روسیه و اوکراین نسبت به تخلیه شهروندان سرگردان خود در اوکراین و حمایت از قطعنامه دوم مارس سازمان ملل مبنی بر محکومیت مناقشه روسیه و اوکراین اقدام کرده است. روابط نیجریه با روسیه همواره صمیمانه بوده است (روسیه از زمان جنگ بیافرا در دهه ۱۹۶۰ منبع جایگزین قدیمی برای پشتیبانی نظامی نیجریه بوده است). با این حال، درگیری در اوکراین و به تبع آن، تحریم‌های غرب علیه روسیه می‌تواند روابط امنیتی نیجریه با چین را عمیق‌تر کند.

از آنجایی که دولت نیجریه به دنبال مقابله با افزایش راهزنی و درگیری با بوکو حرام^۱ و دولت اسلامی استان آفریقای غربی (ISWAP)^۲ است، اتکای این کشور به محصولات نظامی چین در کوتاه‌مدت و میان‌مدت افزایش خواهد یافت و بی‌میلی غرب برای فروش تسلیحات به دولت نیجریه نیز نقش مهمی در این امر ایفا خواهد کرد.

شایعاتی مبنی بر این که هکرهای روسی بعد از آغاز مناقشه روسیه و اوکراین وب‌سایت‌های نیجریه‌ای را هدف قرار می‌دهند، نظرات ضدروسیه را در فضای مجازی و رسانه‌های نیجریه افزایش داده است و این امر می‌تواند تغییر روابط با روسیه را پیچیده‌تر کند. هیچ نشانه‌ای مبنی بر این که واکنش چین به مناقشه روسیه و اوکراین - به ویژه عدم تمایل این کشور به انتقاد از روسیه - بر روابط نیجریه و چین تأثیر خواهد گذاشت، وجود ندارد.

1. Boko Haram
2. Islamic State in West Africa Province



ارتباط محدود چین و
عربستان سعودی به رابطه
مشارکتی راهبردی جامع
ارتقا یافته است

برگه اطلاعات کشور عربستان سعودی

پروژه‌های زیرساختی و شرکت‌های مادر تحت حمایت چین

۱ شرکت پالایش ینبع آرامکو سینوپک (یاسرف)، ینبع

۲ راه‌آهن جده- مکه- مدینه، قطار از جده به مدینه، از طریق مکه

۳ مجتمع بین‌المللی خدمات و صنایع دریایی ملک سلمان، رأس الخیر



سطح رسمی مشارکت (فقط با چین)	تعداد بازدیدهای سطح بالا (۲۰۱۷ - ۲۰۲۲)	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین (۲۰۱۳ - ۲۰۲۱)
مشارکت راهبردی جامع (全面战略合作伙伴关系)	ایالات متحده: ۲۲ چین: ۸	۲/۳۲ میلیارد دلار
تجارت دوجانبه (۲۰۲۰)	تجارت اسلحه (واردات و صادرات، ۲۰۲۱ - ۲۰۲۳)	
چین: ۶۵/۲ میلیارد دلار ایالات متحده: ۱۹/۷۶ میلیارد دلار	ایالات متحده: ۱۷/۸۵ میلیارد دلار چین: ۲۴۵ میلیون دلار	

منابع: MERICS, China's Ministry of Foreign Affairs, Comtrade, SIPRI, AEI China Global Investment Tracker

۱. شهر ینبع از شهرهای ساحلی کرانه دریای سرخ است و یکی از بنادر مهم عربستان سعودی در ساحل دریای سرخ بعد از بندرگاه جده است.

بعید به نظر می‌رسد عربستان سعودی در حال حاضر و یا در آینده نزدیک به چین به‌عنوان جایگزینی نظامی برای ایالات متحده نگاه کند، زیرا روابط مساعد ریاض و واشنگتن همچنان یکی از اهداف کلیدی سیاست خارجی عربستان سعودی تلقی می‌شود. با این حال، اگر شکاف بیشتری در روابط این دو کشور پدید آید و یا ایالات متحده توجه کمتری به خاورمیانه معطوف کند، ممکن است ریاض به مرور درصدد اتخاذ تدابیر امنیتی-سیاسی مبتنی بر دوجانبه‌گرایی برآید.

وضعیت کنونی: همکاری چین و عربستان سعودی در زمینه بسیاری از مسائل سیاستی در حال گسترش است

روابط سیاسی، اقتصادی و نظامی چین و عربستان سعودی در طول سی سال گذشته گسترش پیدا کرده است. عربستان سعودی به بزرگ‌ترین شریک تجاری چین در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (منا)^۱ و بزرگ‌ترین تأمین‌کننده جهانی نفت خام چین تبدیل شده است.^۲ در مقابل، چین هم بزرگ‌ترین شریک تجاری و مشتری نفت خام عربستان سعودی به شمار می‌آید.

چین ۲۷ درصد از کل صادرات نفت خام عربستان سعودی را در سال گذشته به خود اختصاص داد و حجم آن را با ۳/۴ درصد افزایش به رکورد سالانه ۱/۷۵ میلیون بشکه در روز رساند. جالب این‌که این اتفاق در حالی رخ داد که حجم کل واردات نفت خام چین برای اولین بار در ۲۰ سال گذشته کاهش یافته بود. چین همچنین بزرگ‌ترین شریک تجاری عربستان سعودی در زمینه صنایع شیمیایی است و تقریباً یک چهارم صادرات این کشور در این بخش را در اختیار دارد.

1. Middle East and North Africa (MENA)

۲. عربستان سعودی از سال ۲۰۰۲ تاکنون به‌عنوان بزرگ‌ترین تأمین‌کننده چین باقی مانده است و تنها در سال ۲۰۱۶ و ۲۰۱۸ بود که روسیه توانست برای مدت کوتاهی این جایگاه را از او بگیرد.

■ اگرچه ارزش حجم تجارت دوجانبه بین عربستان سعودی و چین در سال ۲۰۲۱ شامل روغن‌های نفتی، پلاستیک و مواد شیمیایی آلی بوده است، اما همچنان به کالاهای محدود می‌شود.

اگرچه ارزش حجم تجارت دوجانبه بین چین و عربستان سعودی بسیار زیاد است، اما همچنان به کالاهای محدود می‌شود. به بیان دقیق‌تر، بیش از ۹۵ درصد واردات چین از عربستان سعودی در سال ۲۰۲۱ شامل روغن‌های نفتی، پلاستیک و مواد شیمیایی آلی بوده است.

ارزش حجم تجارت دوجانبه سالانه بین دو کشور در پایان سال ۲۰۲۱ برابر با ۸۷/۳۱ میلیارد دلار بوده است که تقریباً ۲۰۹ برابر بیشتر

از ۴۱۸ میلیون دلاری است که دو کشور در زمان برقراری روابط دیپلماتیک خود در سال ۱۹۹۰ یعنی بیش از ۳۰ سال پیش داشته‌اند.

علاوه بر آن، عربستان سعودی بیشترین تعداد قرارداد و سرمایه‌گذاری چین در منطقه را به خود اختصاص داده است که ارزش آن در مجموع حدود ۴۳/۵ میلیارد دلار در فاصله سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۱ بوده است. در مقابل، عربستان سعودی هم حدود ۳۵ میلیارد دلار در پروژه‌های مستقر در چین سرمایه‌گذاری کرده و یا در حال برنامه‌ریزی برای سرمایه‌گذاری در آن‌هاست. این سرمایه‌گذاری‌ها منجر به افزایش ظرفیت تولید صنایع شیمیایی چین به ۷/۵ میلیون تن شده‌اند که معادل ۴۵ درصد از کل ظرفیت تولید خارج از کشور برای تولیدکنندگان سعودی را دربرمی‌گیرد.

به‌طور کلی، دامنه همکاری‌های چین و عربستان سعودی در سال‌های اخیر گسترش یافته است و از تجارت انرژی به سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، ارتباطات، فناوری‌های پیشرفته، صنعت، تأمین مالی، حمل‌ونقل، انرژی‌های تجدیدپذیر و هسته‌ای و تولید تسلیحات تسری یافته است.

همکاری‌های دو کشور با تأکید بر سازوکارهای هماهنگی دوجانبه و منطقه‌ای در راستای همسوسازی طرح یک کمربند-یک راه چین و چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان سعودی افزایش یافته است. چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان سعودی شامل راهبرد توسعه این کشور است که با هدف کاهش اتکا به نفت، افزایش تنوع اقتصادی، کاهش نقش بخش دولتی در اقتصاد و توسعه بخش خصوصی اجرا می‌شود. به‌طور کلی، دو طرح مذکور زمینه همکاری گسترده چین و عربستان سعودی در بسیاری از حوزه‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری را فراهم کرده‌اند.

روابط سیاسی بین ریاض و پکن نیز به‌طور پیوسته توسعه یافته و سطح ارتباط آن‌ها به مشارکت راهبردی جامع ارتقا یافته است. هر دو طرف توجه خود را بر حوزه‌های مشترک متمرکز نموده و از پرداختن به عوامل تنش‌زا مانند حقوق بشر یا هرگونه اظهارنظر در امور داخلی یکدیگر اجتناب کرده‌اند. گفتنی است این چهارچوب تعاملی ظریف دیپلماتیک تاکنون موفقیت‌آمیز بوده است.

با این حال، بهبود روابط چین با ایران ممکن است باعث ناراحتی مقامات سعودی شود. پکن و تهران اخیراً برنامه همکاری ۲۵ ساله چین و ایران^۱ را امضا کرده‌اند که طبق گزارش‌ها چین را قادر می‌سازد تا به‌ازای تعهد به سرمایه‌گذاری‌های هنگفت در اقتصاد ایران، انرژی ارزان خریداری کند. همکاری نظامی چین و ایران برای ریاض دغدغه‌ای جدی است. پکن تاکنون علیرغم حمایت از توافق هسته‌ای ایران، رویکرد محتاطانه‌ای را در قبال تهران اتخاذ کرده است. با این حال، سعودی‌ها مطمئناً روابط چین و ایران - به‌ویژه در صورت لغو تحریم‌ها علیه ایران - را زیرنظر خواهند داشت و نسبت به هرگونه تأثیر آن بر امنیت ملی عربستان سعودی هشیار خواهند بود.

1. the 25-year China-Iran Cooperation Programme

علیرغم افزایش تعامل اقتصادی و توسعه روابط دیپلماتیک دوجانبه بین چین و عربستان سعودی، دامنه روابط دفاعی دو کشور همچنان محدود باقی مانده است. روابط دفاعی دو کشور به تمرین‌های نظامی مشترک، همکاری در زمینه مبارزه با تروریسم، فروش برخی سیستم‌های تسلیحاتی و تولید مشترک پهپادها محدود می‌شود. پکن ظرفیت محدودی برای رقابت با تأمین‌کنندگان تسلیحات غربی دارد. علاوه بر این، وابستگی طولانی‌مدت ارتش سعودی به سخت‌افزارهای نظامی ایالات متحده به این معنی است که تسلیحات چینی به راحتی با سیستم‌های تسلیحاتی که از قبل توسط ارتش سعودی از ایالات متحده خریداری شده‌اند، ترکیب/ادغام نمی‌شوند. به‌طور کلی، سال‌ها طول می‌کشد تا تنوع منابع تسلیحاتی عربستان کامل شود و یا اقدامات آن برای ساخت بومی سلاح به نتیجه برسد.

با این حال، گزارش‌ها حاکی از این هستند که چین به ریاض کمک کرده است تا یک برنامه هسته‌ای از جمله یک کارخانه استخراج «مخفی» کیک زرد راه‌اندازی کند و قابلیت‌های پرتاب‌کننده موشک بالستیک سوخت جامد خود را بهبود بخشد. اگرچه ریاض خبر مبنی بر ساخت تأسیسات سنگ اورانیوم در منطقه‌ای که در

■ گزارش‌ها حاکی از آن هستند که چین به ریاض در راه‌اندازی برنامه هسته‌ای کمک کرده است

یک گزارش رسانه‌ای به آن اشاره شده است را «قاطعانه رد کرده است»، اما شاهزاده عبدالعزیز بن سلمان^۱، وزیر انرژی عربستان سعودی، خبر مبنی بر انعقاد قراردادی با چین برای اکتشاف اورانیوم در مناطق خاص را تأیید کرده است. شاهزاده عبدالعزیز همچنین تأیید کرده است که عربستان سعودی برای توسعه منابع اورانیوم خود با هدف حمایت از برنامه نوپای انرژی هسته‌ای خود برنامه‌ریزی می‌کند. وزارت انرژی

1. Prince Abdulaziz bin Salman

عربستان سعودی در نشست مواد معدنی آینده^۱ در ریاض در ژانویه ۲۰۲۲ چنین اظهار داشت: «ما در کشورمان حجم عظیمی از منابع اورانیوم در اختیار داریم که می‌خواهیم به شفاف‌ترین روش ممکن از آن بهره‌برداری کنیم (...). ما شرکای متعددی جذب خواهیم کرد و از منابعمان بهره‌برداری خواهیم کرد و مسیر خود را تا رسیدن به مرحله تولید کیک زرد ادامه خواهیم داد».

شرکت‌های چینی - به‌ویژه با توجه به این‌که ریاض به دنبال تقویت روابط راهبردی خود با پکن و انتقال فناوری تسلیحات مختلف مخصوصاً فناوری ساخت هواپیماهای بدون سرنشین، سلاح‌های سبک و برخی از انواع زره‌پوش‌ها یا حتی موشک‌ها از چین است - از این فرصت برخوردار هستند که قراردادهای خرید تسلیحات دفاعی بیشتری را با عربستان سعودی طی دهه آینده منعقد نمایند. عربستان سعودی دومین واردکننده بزرگ تسلیحات در جهان در سال ۲۰۲۱-۲۰۱۷ (درست پس از هند) بوده است و ۱۱ درصد از کل واردات تسلیحات عمده را به خود اختصاص داده است. با این وجود، عربستان سعودی کمتر از یک درصد از تسلیحات وارداتی خود را در سال‌های مذکور از چین خریداری کرده است. در واقع، ایالات متحده بزرگ‌ترین تامین‌کننده تسلیحات عربستان سعودی در این بازه زمانی بوده است و ۸۲ درصد از واردات تسلیحات این کشور را تأمین کرده است.

با توجه به روابط نظامی مستحکم عربستان سعودی با ایالات متحده ممکن است ریاض تمایل کمتری برای افزایش حضور نظامی چین در پادشاهی عربستان سعودی - حداقل در کوتاه‌مدت - نشان دهد. توانایی ریاض برای مانور دادن مابین تنش‌های آمریکا و چین احتمالاً در ماه‌های آینده مورد آزمایش قرار خواهد گرفت. زیرا واشنگتن

1. Future Minerals Summit

ممکن است کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس^۱ را تحت فشار قرار دهد تا تعاملات خود با چین را محدود کنند-به‌ویژه در صورتی که پکن با تحریم‌های ثانویه آمریکا به دلیل مناقشه در اوکراین مواجه شود.

ژئوپلیتیک: عربستان سعودی به دنبال برقراری تعادل بین واشنگتن و

پکن است

اگرچه عربستان سعودی با افزایش نقش آفرینی چین در خاورمیانه به دنبال کسب منافع اقتصادی و دیپلماتیک خود است، اما ریاض می‌داند که باید در کنار چنین مزایای بلندمدتی به این ضرورت فوری واقف باشد که از ایالات متحده فاصله نگیرد. عربستان سعودی همچنین می‌داند که رشد اقتصادی پایدار چین ممکن است در نهایت به افزایش قدرت نظامی آن منتهی شود که در راهبردهای قاطع‌تر چین در مورد خاورمیانه و دیگر مناطق تصریح شده است.

با این حال، مقامات عربستان سعودی چین را جایگزینی معتبر برای چتر امنیتی ایالات متحده در خلیج فارس یا خاورمیانه نمی‌دانند و معتقدند که چین فاقد انگیزه راهبردی کافی برای انجام این کار است. ریاض در صورت هرگونه فشار ایالات متحده جهت محدود کردن تعامل خود با چین به‌ویژه در امور نظامی با مشکلات متعددی مواجه خواهد شد. این کشور باید بین تعمیق روابط با چین به‌عنوان شریک اصلی اقتصادی خود و جلب رضایت متحد تاریخی خود یعنی ایالات متحده توازن برقرار کند.

■ مقامات سعودی چین را جایگزینی معتبر برای چتر امنیتی ایالات متحده نمی‌دانند

به همین منظور، عربستان سعودی در مسیرهای موازی حرکت می‌کند: تقویت توانمندی‌های نظامی مستقل خود و تنوع‌بخشی به روابط اقتصادی و نظامی خود با

1. Gulf Cooperation Council

بازیگران کلیدی خارجی. در راستای جبران کاهش حمایت امنیتی ایالات متحده در آینده نزدیک، عربستان سعودی به طور فزاینده‌ای درصدد تقویت روابط دفاعی خود با کشورهای اروپایی و همچنین کشورهای چین، هند، برزیل، آفریقای جنوبی و حتی ترکیه برآمده است. عربستان سعودی امیدوار است که این شرکا بتوانند سرمایه‌گذاری قابل توجهی در صنعت روبه‌رشد تسلیحات آن انجام دهند. در نهایت، پادشاهی عربستان سعودی ممکن است وسوسه شود روابط دفاعی خود با چین را تعمیق بخشد و برنامه موشکی بالستیک خود را با کمک پکن توسعه دهد.

برداشت‌ها: همسویی فزاینده با الگوی سیاسی چین

نخبگان سیاسی و تجاری عربستان سعودی به طور فزاینده‌ای چین را ابرقدرتی بالقوه می‌دانند و انتظار دارند که این کشور به عنوان مقصد اصلی صادرات انرژی آن‌ها در آینده‌ای نه‌چندان دور باقی بماند. از این رو، ایجاد روابط راهبردی با این قدرت در حال رشد حیاتی است.

● **دیپلماسی:** چین یکی از اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد (UNSC)^۱ است که همزمان با افزایش قدرت اقتصادی و نظامی آن از نفوذ سیاسی بیشتری برخوردار خواهد شد. مقامات سعودی از مدل رشد و همچنین سیاست چین مبنی بر عدم مداخله در امور داخلی عربستان سعودی ابراز قدردانی می‌کنند. مواضع چین در مورد شین جیانگ و هنگ‌کنگ نیز مورد حمایت مقامات سعودی قرار دارد.

● **اقتصاد:** چین دومین اقتصاد بزرگ جهان است و می‌تواند تا پایان دهه ۲۰۳۰ از ایالات متحده پیشی بگیرد. صندوق سرمایه‌گذاری عمومی عربستان سعودی (PIF)^۲ درخواست مجوزی داده است تا به موجب آن بتواند سرمایه‌گذاری‌های عمده‌ای در

1. UN Security Council
2. Saudi Arabia's Public Investment Fund

شرکت‌های چینی انجام دهد که این خود یک مسیر جدید در صندوق سرمایه‌گذاری عمومی به شمار می‌آید. زیرا این صندوق تاکنون بر هلدینگ‌های خارجی ایالات متحده و اروپا متمرکز بوده است.

این صندوق به‌عنوان دارنده مجوز سرمایه‌گذار سازمانی خارجی واجد شرایط (QFII)^۱ می‌تواند به‌جای معامله از طریق اشخاص ثالث، به‌طور مستقیم با سهام‌رزمینبی معامله کند. در بخش انرژی، چین بزرگ‌ترین مصرف‌کننده انرژی و بزرگ‌ترین واردکننده نفت در جهان است. براساس پیش‌بینی‌های آژانس بین‌المللی انرژی (IEA)^۲، چین در آینده‌ای نه چندان دور به‌عنوان برترین بازار نفت خام عربستان سعودی باقی خواهد ماند^۳. اگرچه مقامات سعودی در پی متنوع‌سازی و توسعه منابع درآمد جدید و غیرنفتی خود هستند، اما اقتصاد عربستان سعودی در سال‌های آتی نیز همچنان به صادرات انرژی وابسته خواهد بود. البته فرصت‌های جدیدی به‌موجب ابتکار سبز سعودی^۴ ایجاد شد که نویدبخش تسهیل سرمایه‌گذاری سبز به ارزش ۱۹۰ میلیارد دلار تا سال ۲۰۳۰ هستند. از آنجایی که چین مهم‌ترین تولیدکننده، مصرف‌کننده و صادرکننده فناوری‌های سبز در جهان است، پروژه‌های سعودی می‌توانند سلطه چین بر زنجیره تأمین انرژی سبز را تقویت کنند.

● **نظامی:** چین بزرگ‌ترین ارتش جهان را در اختیار دارد. این کشور یک قدرت هسته‌ای است و پس از ایالات متحده دومین بودجه نظامی کلان را داراست. بسیاری

1. Qualified Foreign Institutional Investor

2. International Energy Agency

۳. حدود ۶۰ درصد یا ۱۴۹ میلیارد دلار از بودجه عربستان سعودی در سال ۲۰۲۱ از نفت حاصل شده است. با توجه به تغییر تقاضای جهانی برای سوخت‌های فسیلی، پادشاهی عربستان باید نسبت به متنوع‌سازی منابع درآمد خود اقدام کند.

4. The Saudi Green Initiative

از تسلیحات چینی نسبت به سلاح‌های قدرت‌های نظامی غربی از نظر فناوری به میزان کمتری پیشرفته هستند. با این حال، انتظار می‌رود چین بتواند شکاف فناورانه موجود را طی دهه آینده کاهش دهد.

به نظر می‌رسد تلاش‌های پکن برای پیشبرد طرح یک کمربند-یک راه در خلیج فارس به‌طور گسترده مورد استقبال عربستانی‌ها قرار گرفته است. البته با توجه به فقدان نظرسنجی مستقل، سنجش افکار عمومی عربستان سعودی دشوار است. در واقع، هیچ شرکت نظرسنجی محلی معتبری وجود ندارد و نفوذ دولت تأثیر بازدارنده‌ای بر این بخش و عموم مردم دارد. نتایج نظرسنجی که به تازگی به سفارش مؤسسه واشنگتن^۱ درباره موضوعات کلیدی سیاست خارجی عربستان انجام شده است، نشان می‌دهند که تقریباً ۵۰ درصد سعودی‌ها روابط مساعد کشور خود با چین را عاملی «مهم» تلقی می‌کنند و ۳۷ درصد آن‌ها معتقدند که برقراری روابط مساعد با ایالات متحده عنصری حیاتی است. نظرسنجی اخیر ایپسوس^۲ در مورد آینده نظم جهانی نیز نشان می‌دهد که ۸۴ درصد از پاسخ‌دهندگان سعودی با این موضوع موافق هستند که چین یک مدل سیاسی و اقتصادی برای کشورشان ارائه دهد تا دولت از آن الگوبرداری کند.

شایان ذکر است که پیامدهای فجیع جنبش بهار عربی^۳ در سال ۲۰۱۱ جذابیت مدل غربی دموکراسی را تضعیف کرده است. حداقل براساس اظهار نظر پاسخ‌دهندگان سعودی- از نخبگان سیاسی گرفته تا شهروندان عادی- می‌توان دریافت که مدل سیاسی چین برای اجتناب از آشوب سیاسی و دستیابی به ثبات و رشد اقتصادی کشور مهم و کارآمد تلقی می‌شود.

1. Washington Institute
2. Ipsos
3. Arab Spring of 2011

چشم‌انداز: ریاض از واشنگتن ظاهراً غیرقابل اعتماد فاصله می‌گیرد

با توجه به بی‌میلی فزاینده واشنگتن برای تعامل نظامی در خاورمیانه، مقامات سعودی نگران این مسأله هستند که در صورت بروز درگیری نتوانند روی حمایت ایالات متحده حساب کنند. خروج سریع ایالات متحده از افغانستان در سال ۲۰۲۱ نمونه بارز تمایل این کشور برای جدا کردن خود از درگیری‌های طولانی و پرهزینه در خاورمیانه است.

■ مقامات سعودی نگران این مسأله هستند که در صورت بروز درگیری نتوانند روی حمایت ایالات متحده حساب‌کنند.

به نظر می‌رسد که عربستان سعودی خود را برای مقابله با پیامدهای ناشی از عدم تمایل ایالات متحده به مداخله در بحرآن‌ها مهیا می‌سازد. مداخله عربستان سعودی در جنگ داخلی یمن از اوایل سال ۲۰۱۵ مصداق این امر است. ریاض در سال‌های اخیر وابستگی کمتری به ایالات متحده پیدا کرده و با استقلال بیشتری عمل می‌کند و در نتیجه، شرایط جدیدی ایجاد شده است که احتمالاً تداوم خواهد داشت.

صرف نظر از این‌که آیا ایالات متحده دوباره به توافق هسته‌ای ایران می‌پیوندد یا خیر، عربستان سعودی بر این باور است که ایران چالش اصلی امنیتی در خاورمیانه است. سیاست‌های ایالات متحده و تجدید توافق هسته‌ای ایران احتمالاً تنش‌های منطقه‌ای را کاهش می‌دهد، اما ریاض از عواقب آن می‌ترسد. زمانی که فشار بر ایران کاهش یابد، تهران آزادی عمل بیشتری خواهد داشت تا سیاست خارجی قاطعانه خود را در میان‌مدت و بلندمدت از سر بگیرد و منافع عربستان سعودی را تهدید کند.

به نظر می‌رسد برخی از این نگرانی‌های عربستان سعودی در پکن طنین‌انداز شده است. سازمان‌های اطلاعاتی ایالات متحده ظاهراً بر این باورند که عربستان سعودی در حال حاضر به‌طور فعالانه در حال ساخت موشک‌های بالستیک خود با کمک چین

است. در صورتی که نخبگان سعودی اعتماد خود به تمایل ایالات متحده برای دفاع از منافع عربستان را از دست بدهند (احتمالا به دلیل عدم توقف برنامه هسته‌ای ایران)، ریاض به احتمال زیاد به برنامه‌های هسته‌ای خود سرعت خواهد بخشید.

واکنش عربستان سعودی نسبت به مناقشه روسیه و اوکراین: بهره‌مندی از مزایای

افزایش قیمت نفت

کابینه عربستان سعودی در اول مارس حمایت خود از تلاش‌های بین‌المللی برای کاهش تنش در اوکراین از طریق گفت‌وگو و دیپلماسی و بازگرداندن امنیت و ثبات به این کشور را اعلام کرد. عربستان سعودی همچنین از قطعنامه دوم مارس سازمان ملل مبنی بر محکومیت مناقشه روسیه و اوکراین حمایت کرد.

اگرچه عربستان سعودی مایل است بی‌طرف بماند، اما با توجه به تلاش‌های ایالات متحده برای منزوی ساختن بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت یعنی روسیه به خاطر مناقشه در اوکراین، ریاض این فرصت را پیدا کرده است تا با استفاده از سیاست نفتی خود بتواند مجددا روابط خود با ایالات متحده را تنظیم کند و حمایت غرب در ارتباط با دغدغه‌های امنیتی خود را به دست آورد. عربستان سعودی از مزایای افزایش قیمت نفت نیز بهره خواهد برد. با این حال، عربستان سعودی خواستار آن است که با پایبندی به تعهد دیرینه خود برای ایجاد ثبات در بازار و حفظ قیمت‌های معقول برای مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان بتواند همچنان به عنوان سرپرست قابل اعتماد بازار نفت قلمداد شود. در همین حال، ریاض امسال با دعوت از شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین، برای دیدار از عربستان سعودی نشان داده است که خواهان برقراری روابط نزدیک‌تر با پکن است. وال استریت ژورنال نیز خبر داده است که عربستان سعودی در حال مذاکره برای قیمت‌گذاری بخشی از فروش نفت خام خود به چین به یوان است.

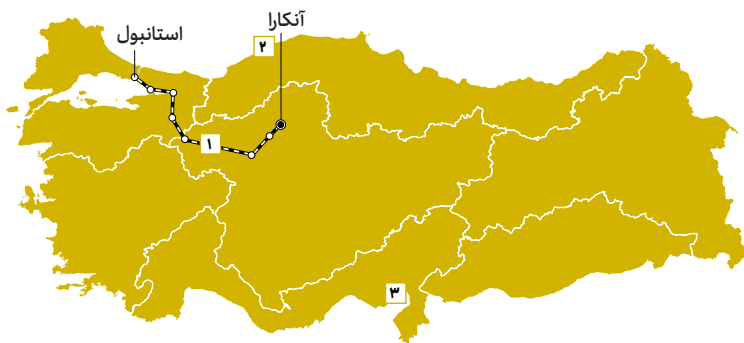


روابط ترکیه و چین:

آنکارا باید پیچیدگی روابط خود
با چین را در بسیاری از جنبه‌ها
تعدیل کند

برگه اطلاعات کشور ترکیه

پروژه‌های زیرساختی و شرکت‌های مادر تحت حمایت چین



۱ پروژه قطار سریع‌السیر آنکارا- استانبول، خط قطار از آنکارا به استانبول

۲ نیروگاه آماسرا هتات^۱ (زغال‌سنگ)، آماسرا، استان بارتین

۳ نیروگاه امبا هونوتلو^۲ (زغال‌سنگ)، سوگوزو، منطقه یومارتالیک، استان آدانا

سطح رسمی مشارکت (فقط با چین)	تعداد بازدیدهای سطح بالا (۲۰۱۷ - ۲۰۲۲)	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین (۲۰۱۳ - ۲۰۲۱)
مشارکت راهبردی (战略合作关系)	ایالات متحده: ۱۶ چین: ۵	۳/۵ میلیارد دلار
تجارت دوجانبه (۲۰۲۰)	تجارت اسلحه (واردات و صادرات، ۲۰۲۱ - ۲۰۱۳)	چین
چین: ۲۵/۰۳ میلیارد دلار ایالات متحده: ۲۱ میلیارد دلار	ایالات متحده: ۲/۳۹ میلیارد دلار	-

منبع: MERICS, China's Ministry of Foreign Affairs, Comtrade, SIPRI, AEI China Global Investment Tracker

1. Amasra Hattat
2. Emba Hunutlu

روابط ترکیه و چین: آنکارا باید پیچیدگی روابط خود با چین را در بسیاری از جنبه‌ها تعدیل کند

ترکیه با توجه به تحولات ژئوپلیتیک کنونی دچار یک معضل جدی در سیاست خارجی خود شده است. از یک سو، ترکیه یکی از اعضای ناتو است و در برابر تهدیدات امنیتی منطقه‌ای و جهانی به اتحاد امنیتی اروپا-آتلانتیک^۱ متکی است. از سوی دیگر، انتظارات سیاسی و اقتصادی ترکیه از همکاری با کشورهای غربی (عضویت ترکیه در ناتو مصداق این مسأله است) با افزایش نفوذ سیاسی و اقتصادی روسیه و چین در دهه گذشته به چالش کشیده شده است. بنابراین، جهت‌گیری سیاست خارجی ترکیه با این شرایط جدید سیاسی، اقتصادی و امنیتی شکل می‌گیرد.

وضعیت کنونی: ترکیه در تلاش برای انتفاع همزمان از مزایای اقتصادی چین و

اتحاد امنیتی غرب است

چین و ترکیه در سال ۲۰۱۰ روابط خود را به یک «مشارکت راهبردی» ارتقا دادند و به شرکای سیاسی، اقتصادی و امنیتی یکدیگر تبدیل شدند. پیش از آن، چین به عنوان یک بازیگر اقتصادی نوظهور در کنار کشورهایمانند برزیل، هند و آفریقای جنوبی نقشی جزئی در سیاست خارجی ترکیه داشت. روابط دوجانبه چین و ترکیه از سال ۲۰۱۰ به ویژه در زمینه اقتصادی گسترش یافته است. با این حال، وضعیت تعاملات دیپلماتیک آن‌ها به دو عامل بستگی دارد. اول، تقویت مستمر روابط اقتصادی و دوم، تفاهم ضمنی درباره مطرح نکردن اختلافات سیاسی فی‌مابین در تعاملات خود. تمام فعالیت‌های دیپلماتیک دو کشور در راستای اصول مزبور طراحی شده است.

اگرچه هر کشوری روابط اقتصادی را در اولویت قرار می‌دهد، اما روابط دوجانبه چین و ترکیه بیشتر برای ترک‌ها اهمیت دارد. علیرغم امضای سند «مشارکت راهبردی»، چین رابطه با ترکیه را به عنوان یک رابطه راهبردی مهم در نظر نمی‌گیرد. به عنوان مثال از زمان سفر

1. Euro-Atlantic Security Alliance

جیانگ زمین در سال ۲۰۰۰، رؤسای جمهوری چین سفر رسمی به آنکارا نداشته‌اند. حال آنکه مقامات سطح بالای ترکیه از سال ۲۰۰۰ تاکنون چندین بازدید از پکن داشته‌اند. علاوه بر حضور رئیس‌جمهور رجب طیب اردوغان^۱ در مراسم افتتاحیه مجمع طرح یک کمربند- یک راه چین^۲ در سال ۲۰۱۷ در پکن، وی از سال ۲۰۱۴ تاکنون چهار دیدار رسمی از پکن داشته‌است. روابط چین و ترکیه با اعلام حمایت چین از دولت منتخب ترکیه پس از کودتای نافرجام ۲۰۱۶ تقویت شد که یکی از مصادیق آن دیدار سریع معاون وزیر خارجه چین، ژانگ مینگ^۳، با مقامات ترکیه سه هفته بعد از کودتا بود. سخنرانی رئیس‌جمهور اردوغان در مراسم افتتاحیه مجمع طرح یک کمربند- یک راه در سال ۲۰۱۷ تا حدی برای نشان دادن قدردانی از این اقدام چین بود.

با این حال، رفتار پکن با جمعیت اویغور در شین‌جیانگ یکی از دلایل اصلی تنش دیپلماتیک بین ترکیه و چین به شمار می‌آید. چین برای ریشه‌کنی به اصطلاح «تروریسم» در منطقه خودمختار اویغور شین‌جیانگ (XUAR)^۴ اردوگاه‌های بازداشت ایجاد کرده‌است. به جز چند بیانیه رسمی، دولت ترکیه اقدامات مشخصی علیه سیاست‌های امنیتی‌سازی جدید چین در این منطقه انجام نداده‌است. چین در واکنش به اظهارات رسمی ترکیه در انتقاد از نقض حقوق بشر در شین‌جیانگ، ترکیه را به ریاکاری متهم می‌کند و تمایل دارد از اهرم فشار علیه ترکیه استفاده کند.

■ رفتار پکن با اویغورها در شین‌جیانگ همچنان عامل تنش بین ترکیه و چین است

تحت فشار تحولات اخیر در سیاست جهانی و بحران‌های منطقه‌ای، وضعیت کنونی امنیتی چین و ترکیه شکننده و آسیب‌پذیر است. ترکیه عضو ائتلاف ناتو و نامزد

1. Recep Tayyip Erdogan
2. Belt and Road Initiative
3. Zhang Ming
4. Xinjiang Uyghur Autonomous Region

روابط ترکیه و چین: آنکارا باید پیچیدگی روابط خود با چین را در بسیاری از جنبه‌ها تعدیل کند

عضویت در اتحادیه اروپا است. اگرچه چین همچون روسیه به‌طور مستقیم ائتلاف اروپا-آتلانتیک را هدف قرار نداده‌است، اما چندین موضوع بحث برانگیز اقتصادی و سیاسی مانند حقوق بشر، دموکراسی و سیاست‌های چین علیه اقتصاد بازاری (بازار آزاد) وجود دارد. علاوه بر این، ترکیه و چین در مورد بحران‌های منطقه‌ای مانند جنگ داخلی سوریه، درگیری ناگارنو-قره‌باغ، کوزوو و مسائل قبرس مواضع متفاوتی دارند. چین همچنین موضعی کاملاً متفاوت از ترکیه در قبال تجاوز روسیه به اروپای شرقی و قفقاز دارد. به‌عنوان مثال، سفیر ترکیه-امین اونن^۱ از انتقاد چین از عملیات نظامی ترکیه در سوریه ابراز نارضایتی کرده‌است.

روابط اقتصادی چین و ترکیه از سال ۲۰۰۱ تا حد زیادی بهبود یافته‌است. ارزش تجارت دوجانبه چین و ترکیه در سال ۲۰۲۱ به ۳۲ میلیارد دلار رسید، حال آنکه این رقم در سال ۲۰۰۱ برابر با یک میلیارد دلار بوده‌است. ترکیه دارای کسری تجاری با چین است و به‌عبارتی

■ روابط اقتصادی
چین و ترکیه
از سال ۲۰۰۱ تا
حد زیادی بهبود
یافته‌است

ارزش واردات ترکیه از چین تقریباً ۹ برابر ارزش صادرات این کشور به چین است. در سال ۲۰۱۹، کالاهای سرمایه‌ای به ارزش حدود ۷ میلیارد دلار بیشترین سهم از کل حجم تجارت را به خود اختصاص داده‌اند. ماشین‌آلات و کالاهای الکترونیکی نیز در رتبه دوم قرار داشته‌اند که ارزش آن‌ها تقریباً ۶ میلیارد دلار بوده‌است. در مقایسه با چین و روسیه، اتحادیه اروپا بزرگ‌ترین شریک صادراتی و وارداتی ترکیه در سال ۲۰۲۱ بوده‌است. تقریباً ۳۳ درصد از واردات ترکیه از اتحادیه اروپا بوده‌است و ۴۱ درصد از صادرات ترکیه هم به مقصد اتحادیه اروپا انجام شده‌است. در مقابل، صادرات ترکیه به چین تنها ۲ درصد از کل حجم صادرات ترکیه در سال ۲۰۲۱ بوده‌است. با این حال، چین بزرگ‌ترین شریک

1. Emin Onen

وارداتی ترکیه در میان کشورهای جهان بوده است. روسیه دومین شریک وارداتی بزرگ ترکیه بوده است که کالاهایی به ارزش تقریبی ۲۹ میلیارد دلار خریداری کرده است. آلمان هم سومین شریک بزرگ وارداتی ترکیه به شمار می‌آید که کالاهایی به ارزش تقریبی ۲۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۱ خریداری کرده است.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یکی دیگر از شاخص‌های مهم روابط اقتصادی چین و ترکیه است. در سال ۲۰۲۱، چین ۱۰٪ شرکت ثبت شده در ترکیه داشته است که عمدتاً سرمایه‌گذاری‌های خود را بین سال‌های ۲۰۱۴ الی ۲۰۱۹ انجام داده‌اند. اگرچه چین در بین ۲۰ کشور برتر سرمایه‌گذار در ترکیه نیست، اما سرمایه‌گذاران چینی در آنجا منافع بسیار مهمی دارند.

واضح است که چین - صرف نظر از عدم وجود شفافیت و همکاری متقابل در روابط اقتصادی دوجانبه خود با ترکیه - همچنان سعی به گسترش فعالیت‌های اقتصادی خود در ترکیه دارد. سهم واردات و صادرات چین در اقتصاد ترکیه حدود ۸۰۰ میلیارد دلار است که دال بر عدم وابستگی شدید این کشور به چین است. با این حال، کیفیت مشارکت اقتصادی به ویژه با توجه به فقدان همکاری متقابل و کسری تجاری قابل توجه می‌تواند شک و تردیدهایی را در میان بازیگران اقتصادی و سیاسی ترکیه ایجاد کند. اگرچه ترکیه در برخی از بخش‌های سنتی مانند نساجی می‌تواند با چین رقابت کند، اما در بخش‌های فناوری پیشرفته مانند مخابرات و ماشین‌آلات الکترونیکی با چالش‌های رقابتی فزاینده‌ای مواجه است.

ژئوپلیتیک: ترکیه رویکرد میانه‌روی بین قدرت‌های بزرگ اتخاذ کرده است

رقابت آمریکا و چین ممکن است ضررهای اقتصادی برای ترکیه به همراه داشته باشد. تنش‌های اقتصادی جهانی ناشی از جنگ‌های تجاری ایالات متحده و چین ممکن است برای ترکیه عدم اطمینان اقتصادی ایجاد کند. به عنوان مثال، زمانی که ایالات

روابط ترکیه و چین: آنکارا باید پیچیدگی روابط خود با چین را در بسیاری از جنبه‌ها تعدیل کند

متحده نسبت به کاهش واردات فولاد و آلومینیوم با اعمال تعرفه‌های بالاتر اقدام کرد، ترکیه تأثیر محدودیت‌های اعمالی از جانب آمریکا را احساس کرد. نگرانی دیگر این است که چین و ایالات متحده ممکن است سیاست‌های تجاری خود را علیه کشورهای ثالث به منظور مقابله با یکدیگر تشدید کنند. ترکیه نیز قطب لجستیکی، تجاری، سرمایه‌گذاری و مالی محسوب می‌شود. بحران اقتصادی جهانی و کاهش حجم تجارت و سرمایه‌گذاری می‌تواند ضربه جدی به اقتصاد ترکیه وارد کند.

رقابت آمریکا و چین همچنین ترکیه را با یک معضل امنیتی ژئوپلیتیکی مواجه می‌کند. ترکیه تعهدات امنیتی در قبال ناتو دارد. به خصوص در یکی دو سال گذشته، چین مواضع انتقادی خود در مقابل ناتو را افزایش داده است و همچنین از موضع ناتو در قبال روسیه انتقاد کرده است. این امر خطرات ژئوپلیتیکی شدیدی را برای مرزهای شرقی و دریای سیاه ترکیه ایجاد می‌کند. ترکیه در حال حاضر به طور مستقیم موضعی علیه هیچ‌یک از طرفین در این رقابت اتخاذ نکرده است. این راهبرد محتاطانه ترکیه بستری مناسب برای بهره‌مندی این کشور از منافع سیاسی و اقتصادی ایجاد کرده است. در صورت ادامه رقابت بین چین و آمریکا، ترکیه ممکن است نسبت به اتخاذ رویکرد تهاجمی‌تر علیه روسیه و چین مبادرت ورزد.

خطر ژئوپلیتیکی دیگری ناشی از ابتکار بلندپروازانه یک کمربند- یک راه چین نیز وجود دارد. اگرچه راهبرد کریدور میانی ترکیه با راهبرد یک کمربند- یک راه چین همخوانی دارد، اما با توجه به افزایش نفوذ سیاسی و اقتصادی چین در مناطق مجاور این احتمال وجود دارد که منافع ملی ترکیه مورد تهدید قرار گیرد. به عنوان مثال چنانچه نفوذ اقتصادی چین در شمال عراق و سوریه به نفوذ سیاسی و دیپلماتیک تبدیل شود،

1. Turkey's middle corridor strategy

این امر به ترکیه آسیب وارد می‌کند. در ارتباط با جنگ داخلی سوریه، چین چندین بار از حق و تو خود در شورای امنیت سازمان ملل استفاده کرده‌است که برخلاف منافع ملی ترکیه بوده‌است. علاوه بر این، تله‌های بدهی مرتبط با طرح یک کمر بند-یک راه یا وابستگی اقتصادی (همانطور که در پاکستان و سریلانکا دیده می‌شود) در کشورهای مجاور می‌تواند مشکلات امنیتی جدیدی برای ترکیه ایجاد کند.

برداشت‌ها: ترکیه به طور کلی دیدگاه مثبتی نسبت به چین دارد، اگرچه در برخی

موارد ملاحظاتی نیز دارد

براساس گزارش مرکز تحقیقات پیو، ۳۷ درصد از مردم ترکیه در نظرسنجی صورت گرفته در سال ۲۰۱۸ دیدگاه مثبتی نسبت به چین داشته‌اند که این رقم بسیار بالاتر از ۲۰ درصدی است که نظر مثبت نسبت به ایالات متحده داشته‌اند. نگرش عمومی نسبت به چین در دهه گذشته بهبود یافته‌است. تلاش‌های دیپلماسی عمومی چین از طریق رادیو بین‌المللی چین^۱ و مؤسسه کنفوسیوس^۲ به بهبود وجهه این کشور در ترکیه کمک کرده‌است. پنج مؤسسه کنفوسیوس در حال حاضر در ترکیه در زمینه آموزش زبان ماندارین (متداول‌ترین زبان در کشور چین)^۳ و ترویج روابط فرهنگی مطلوب فعالیت دارند. مؤسسه یونس امره^۴ که تأثیرگذارترین ابزار دیپلماسی عمومی ترکیه محسوب می‌شود، سرانجام پس از غلبه بر موانع اداری زمان بر در سال ۲۰۲۱ در چین افتتاح شد و این در حالی است که اولین مؤسسه کنفوسیوس در سال ۲۰۰۸ در ترکیه افتتاح شده‌است.

جدا از روابط دیپلماتیک، چین و ترکیه روابط بین‌دولتی را بهبود بخشیده‌اند و روابط دو جانبه نزدیک در حوزه‌های متعدد مانند اقتصاد و سیاست برقرار کرده‌اند. احزاب

1. China Radio International
2. the Confucius Institutes
3. Mandarin
4. Yunus Emre Institute

روابط ترکیه و چین: آنکارا باید پیچیدگی روابط خود با چین را در بسیاری از جنبه‌ها تعدیل کند

مخالف دولت در ترکیه طرفدار بهبود روابط اقتصادی با چین هستند، اما در مورد مسائل سیاسی به ویژه حقوق مدنی و حقوق بشر اویغورها ملاحظاتی دارند. حزب خوب ترکیه گزارشی در دسامبر ۲۰۲۱ در مورد نقض حقوق بشر در منطقه خودمختار اویغور شین جیانگ منتشر کرده است. علاوه بر آن، حزب مذکور از پارلمان ترکیه درخواست کرده است که «نسل‌کشی اویغورها»^۲ را به رسمیت بشناسد. حزب آینده^۳ چندین رویداد عمومی برای شنیده شدن صدای اویغورها برگزار کرده است.

■ **محافل تجاری ترکیه در مورد همکاری متقابل در روابط تجاری دوجانبه ملاحظاتی دارند**

اگرچه محافل تجاری ترکیه دیدگاه مثبتی نسبت به چین دارند، اما در مورد همکاری متقابل در روابط تجاری دوجانبه ملاحظاتی دارند. انجمن صنعت و تجارت ترکیه^۴ (TÜSİAD) یکی از تأثیرگذارترین سازمان‌های تجاری مردم نهاد ترکیه است که شبکه شانگهای^۵ را با هدف ارتقای فرصت‌های بخش خصوصی ترکیه در چین راه‌اندازی کرده است. انجمن صنعتگران و بازرگانان مستقل (MÜSİAD)^۶ نیز چندین شعبه در شهرهای مختلف چین از جمله پکن، شانگهای و گوانگژو با هدف تقویت روابط تجاری ترکیه و چین افتتاح کرده است.

چشم‌انداز: با توجه به دخالت چین در مسائل منطقه‌ای، ترکیه نیاز به ایجاد

تعادل مجدد دارد

به‌طور خلاصه، سه موضوع سیاستی اصلی در مورد روابط چین و ترکیه وجود دارد که نیازمند انجام برخی بازنگری‌ها از طرف دو کشور است. اولین و تأثیرگذارترین آن‌ها مربوط

1. Turkey's Good Party
2. Uyghur genocide
3. The Future Party
4. Turkish Industry and Business Association
5. Shanghai Network
6. Independent Industrialists and Businessmen's Association

به روابط اقتصادی است. همکاری متقابل در روابط تجاری دوجانبه و کسری تجاری ترکیه در مقابل چین مهم‌ترین موضوع مورد مناقشه بین آن‌هاست. تقریباً ۹۰ درصد از حجم کل تجارت شامل اقلام وارداتی چین به ترکیه است که همین مسأله باعث نگرانی در مورد تأثیرات منفی بر تولیدکنندگان داخلی ترکیه شده است.

مسئله دوم مربوط به مناقشات سیاسی بین چین و ترکیه است. چین همواره ترکیه را به حمایت از «تروریست‌های» اوغور در ترکیه و تلاش برای اعزام آن‌ها به سوریه متهم کرده است. در مقابل، ترکیه به این اتهامات با تأکید بر نقض حقوق بشر چین در منطقه خودمختار اوغور شین جیانگ پاسخ داده است. اگرچه ترکیه روابط اقتصادی را در اولویت قرار داده است، اما مناقشات سیاسی باعث ایجاد تنش در سیاست داخلی آن شده است. ترکیه از سوی مهاجران اوغور ساکن ترکیه و افکار عمومی داخلی تحت فشار است و باید بهای سیاسی جهانی، منطقه‌ای و داخلی مسئله اوغورها را مدنظر قرار دهد. با توجه به اتهامات شدید نقض حقوق بشر در منطقه خودمختار اوغور شین جیانگ، ترکیه می‌تواند از تلاش‌های بین‌المللی برای پایان دادن به موارد نقض حقوق بشر مانند شبکه اردوگاه‌های بازداشت چین در این منطقه خودمختار حمایت کند.

سومین مسئله مورد مناقشه مربوط به ملاحظات ژئوپلیتیکی ناشی از نفوذ چین در مناطق مجاور ترکیه مانند آسیای مرکزی، خاورمیانه و بالکان است. نفوذ اقتصادی چین در هر سه حوزه افزایش یافته است. ترکیه موضعی بی‌طرف در قبال مخالفت چین با دخالت ترکیه در جنگ داخلی سوریه اتخاذ کرده است. در آسیای مرکزی، ترکیه نفوذ خود را از طریق مشارکت‌های جدید مانند سازمان کشورهای ترک^۱ افزایش داده است. در بالکان، گسترش نفوذ چین خطر ایجاد بی‌ثباتی در روابط اقتصادی و سیاسی را به همراه

1. the Organization of Turkic States

روابط ترکیه و چین: آنکارا باید پیچیدگی روابط خود با چین را در بسیاری از جنبه‌ها تعدیل کند

دارد. از سوی دیگر، همکاری با اتحادیه اروپا ممکن است برای ترکیه و منطقه محیطی باثبات و صلح‌آمیز فراهم کند. به‌طور کلی، اولویت‌های اقتصادی، اختلافات سیاسی و عدم قطعیت‌های ژئوپلیتیکی آینده روابط ترکیه و چین را پیچیده می‌کنند. بنابراین، برای ترکیه یک راهبرد متعادل‌کننده در روابط دوجانبه با چین نه تنها یک گزینه بلکه ضرورتی منطقی است.

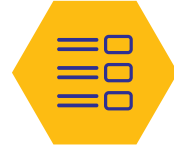
واکنش ترکیه نسبت به مناقشه روسیه و اوکراین: دیپلماسی محتاطانه

ترکیه آشکارا مناقشه روسیه و اوکراین را محکوم کرده است و به قطعنامه دوم مارس مجمع عمومی سازمان ملل متحد که از روسیه خواسته بود فوراً عملیات نظامی خود را در آنجا پایان دهد و به مرزهای شناخته شده بین‌المللی عقب‌نشینی کند، رأی مثبت داده است. با این حال، ترکیه از تحریم‌های آمریکا و اروپا علیه روسیه حمایت نکرده است.

ترکیه سیاست «دیپلماسی محتاطانه» را نسبت به مناقشه روسیه و اوکراین اتخاذ کرده است، چراکه روابط نزدیکی با هر دو کشور دارد. ترکیه به جای همسویی با هر یک از طرفین، به دنبال ایفای نقش میانجی در این بحران بوده است و این سیاستی است که در کوتاه‌مدت با منافع ملی ترکیه سازگار است.

با این حال، نقش میانجی ترکیه نمی‌تواند تا ابد ادامه یابد، زیرا ترکیه به‌عنوان عضو ناتو مسئولیت‌هایی دارد و چندین بار اعلام کرده است که با کشورهای عضو ناتو برای انجام این مسئولیت‌ها همکاری خواهد کرد. این مواضع مربوط به سیاست‌های چین در قبال مناقشه روسیه و اوکراین نیست و این مناقشه بر دیدگاه ترکیه نسبت به چین تأثیری نداشته است.

منبع



Beyond Blocs: Global views on China and US-China relations, Mercator Institute for China Studies (Merics), August 2022, www.merics.org.



مؤسسه بیندکان توسعه فناوری و آوازی ایرانیاان